



کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

۵۰ ریال

مرداد ماه ۱۳۶۶

شماره ۳۲ - چهارم

اساسنامه برای یک حزب کارگری

جلب نظر کرده است دمکراتیک تر شدن اساسنامه است. نکته‌ای که باید بویژه مورد توجه رفقای باشد که از بیرون حزب شاهد این تغییرات اند اینست که اصلاحات به این علت که بخشی از حزب در مقابل بخشی دیگر از آن حقوق بیشتری را مطالبه میکرده است وارد اساسنامه نشده است. بعبارت دیگر تا آنجا که به مناسبات درون حزبی بر میگرده، در چهار رچوب اساسنامه قدیمی هم هیچ مشکل و مسأله‌ای پیش نیامده است. اتفاق آراء اعضا، علاوه بر دیگر واقعیات، خودبها نگرانتست که همه اعضای حزب بقیه در صفحه ۴۵

اساسنامه مصوب کمیته مرکزی حزب در پلنوم هشتم، همانطور که قرار بود در میان کلیه اعضا حزب به فراندوم گذاشته شد و صرف نظر از درصد کمی از اعضا که به دلایل فنی دریافت بموقع آراء آنها مقدور نشده با اتفاق آراء بتصویب رسید و همه اعضا به کلیت اساسنامه جدید رای مثبت دادند. در پلنوم نهم، با توجه به اختیاراتی که کنگره در این زمینه به کمیته مرکزی داده بود و بر اساس نتایج بدست آمده تغییرات وارد متن اصلی شد و بعنوان اساسنامه جدید حزب اعلام گردید. آنچه در این تغییرات بیش از همه

جنگ خلیج

همه قدرتها ای امپریالیستی و کشورهای بزرگ سرمایه داری برای نجات بورژوازی بحران زده در منطقه خلیج بخت شده اند. همه کشورهای منطقه با تمام وسایلی که دارند، زتضرع و تهدید گرفته تا گروکشی و ترور به طرف اربابان جهانی قدرت دست استعداعا بلند کرده اند. آمریکا، شوروی، فرانسه و چین هر یک بنحوی به سمت این با آن طرف درگیر بحران دست کمک دراز میکنند. موشکهای چینی دردها نه هر مز مستقر میشوند. شوروی به نفت - کشتیهای کوییتی بهرچم قرض میدهد. آمریکا شیها برای آنکه عقب نیفتند علاوه بر پرچمنا و گان هم میفرستند. انگلیسیها سعی میکنند لحن قطعاً به سا زمان ملل را حتی المقدور به نفع ایران نرم کنند. فرانسه ماتم سرنوشت منافعش در لابلای بحران را میگیرد و آلما نیها احتیاط میکنند که مبادا هیچ طرفی را از خود برنجانند!

اربابان جهانی قدرت، در کارشافتن به نجات بورژوازی بحران زده منطقه خلیج مقاصد خود را دارند چه کسی از آبهای گل آلود خلیج ما هیهای بیشتری خواهد گرفت؟ قصد قدرتها ای امپریالیستی تنه زدن به یکدیگر و بدست آوردن جای پای محکمتر در میان دولت‌های حوزه خلیج به زبان رقباست. تحرک یافتن آشکار رقابت‌های امپریالیستی در منطقه خلیج، عامل تازه‌ای است که رسماً وارد مناقشات منطقه و جنگ هفت ساله ایران و عراق میشود. بیش از همه آمریکا است که برای حفظ سلطه و سرکردگی متزلزل شده‌اش در منطقه به تک و تا می افتد. فروش اسلحه و لاس زدنهای ریگان با حکومت خمینی بدون بقیه در صفحه ۲

چرا حزب دمکرات به سیاست

جنگ علیه کومه‌له ادامه میدهد؟

اطلاعیه درباره برگزاری پلنوم نهم کمیته مرکزی صفحه ۷

اطلاعیه پایانی پلنوم چهارم کمیته مرکزی کومه‌له صفحه ۸

قانون کار و اتحاد گرایشات درون جنبش کارگری صفحه آخر

□ قطعنامه کارگران سندج □ جنگ ایران و عراق در کردستان

□ ارتش آزادیبخش مجاهد □ بیان قصاص جمهوری اسلامی

• اخبار کارگری: اول ماه مه - مبارزه برای دریافتی های سالانه

= مبارزه هزاران کارگر کفش ملی در اعتراض به افزایش ساعات کار =

• در کردستان انقلابی: مبارزات توده‌ای مردم کردستان در بهار سال ۶۶



گرامی باد یاد
جانباختگان راه سوسیالیسم

مصاحبه با رفیق عمر ایلخانی زاده:
پیشروی جنبش کارگری در کردستان

صفحه ۹

”جنگ خلیج“

اینکه نتایج روشنی برای کناره‌آمدن بارزیم اسلامی به‌بار آورد، تنها دول عرب و حکومت‌های رسا متکی به آمریکا را رنجاند. واکنش آشکار چشمک‌های متقابل شوروی و کوییت و اجاره چند نفت‌کش شوروی به کوییت بود که حکومت ریگان آن را به اندازه کافی هشدار دهنده تلقی کرد. بازی در حوزه خلیج در انحصار آمریکا نیست و نزدیک شدن به هریسک از طرف‌های درگیر در بحران بدون امکان دادن به رقبا در جلب نظر طرف مقابل، نخواهد بود. سیاست‌های آمریکا رسته‌های از تلاش‌های دیپلماتیک به‌جریان می‌افتد تا آنکه رقبا و شرکا را در طرح مشترکی برای خواباندن بحران خلیج و جنگ هفت ساله همداستان کند. نتیجه آن قطعنامه ”شورای امنیت“ است که هر چند امضاء کشورهای بزرگ را در پای خود دارد، اما در معدل گیری‌اش از مقاصد و منافع این کشورها در حوزه خلیج تا آن اندازه آبهی شده است که خاسته دادن به جنگ ایران و عراق و در نتیجه حل بحران خلیج را کاملاً کنار دور از دسترس جلوه دهد. حکومت ریگان که به زحمت از بحران موسوم به ”ایران - کنترا“ تن بدر برده است، مجدداً به سودای آشنای خود، یعنی به رویای اعاده عظمت و برتری جهانی آمریکا از طریق قلدری نظامی، بازمیگردد. ریگان از کاربرد سیاست آشنای خود، یعنی سیاست نمایش قلدری نظامی در حوزه خلیج نیز همان هدفهای شناخته شده‌ای را دنبال میکند که در موارد قبلی کار برد این سیاست ما ننندد. خالت نظامی در نیکی را گوئه، لبنان و لیبی، فراروی خود داشت. این هدفها عبارتند از: کشیدن شرکا اروپائی به زیر چتر رهبری آمریکا در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای، و مرعوب کردن نیروهای منطقه‌ای با قدرت نظامی و قبولاندن اقتدار آمریکا به آنان.

از آما پیش سیاست تکیه به قلدری نظامی، در حوزه خلیج نیز حکومت ریگان همان چیزی را حاصل میکند که در موارد قبلی نیز به دست آمده بود. با این تفاوت که اینجا و اینبار نتایج با سرعت بیشتر و رسوائی آورتتری آشکار میگردند. بجای آنکه نمایش قلدری نظامی در خلیج وسیله کشیدن رقبا و شرکا اروپائی به زیر چتر رهبری آمریکا شود، عملاً پایه‌های سست شده این رهبری و انسزوی آمریکا را به نمایش میگذارد. استدعاهای

مکرر ریگان برای آنکه شرکا اروپائی نیز با فرستادن ناوگانهای خود به خلیج به آمریکا همراه شوند، حتی از طرف نزدیکترین یا اروپائی اوخام تا چرنیز رسماً رد میشود. ریگان تخفیف میدهد و به ارسال تعدادی کشتی مین روب به خلیج از سوی شرکا، رضایت میدهد. این تقاضا هم ابتدا بی جواب میماند. نمایش اقتدار نظامی در خلیج از سوی قدرتی که زرادخانه‌اش را برای ”جنگ ستارگان“ تجهیز میکند، عملاً تبدیل به نمایش بین المللی میشود که در آن آمریکا شیبا در چها رگوشه جهان در بدر دنبال چند عدد مین روب میگردند. نمایش نظامی قدرت در خلیج که در همان آغاز در هدف اولش شکست میخورد، به هدف دوم، یعنی مرعوب کردن نیروهای منطقه‌ای و قبولاندن اقتدار آمریکا به آنها نیز نمیتواند نزدیک شود. ”آیا آمریکا جدا قدم مقابل نظامی با حکومت پان اسلامی را دارد؟“ برای پاسخ دادن به این سؤال حتی زبان وزیر خود آقای ریگان نیز لکن میشود: ”خیر، حداکثر تعدادی بمب پرتاب خواهد شد“، ”به تلافی، لانه کرم‌های ابریشم و پیران خواهد شد“، ”البته هدفهای نظامی محدود و به دقت انتخاب شده خواهد بود.“

در خود آمریکا سروصدا بلند میشود. آیا ما جرجوئی نظامی آقای ریگان بجای خفه کردن بحران در منطقه خلیج، این بحران را شعله و رترنخواهد کرد؟ یا اگر زمام ماجرا جوئی نظامی آقای ریگان رها شود بجای اعاده سلطه و سرکردگی به تزلزل افتاده آمریکا در منطقه خلیج، آمریکا را در برابر موج قویتری از احساسات و حرکات ضد آمریکائی قرار خواهد داد و بجای محکم کردن موقعیت دول عرب متکی به آمریکا که قدرت نظامی نظامی ظاهراً با پدیده آنها اطمینان بدهد، این دول را در برابر برانگیخته شدن تمایلات ضد آمریکائی از آنچه هست آسیب پذیرتر نخواهد کرد؟ اینها از جمله سئوالاتی است که سیاست‌سازان آمریکا نمیتوانند از آن‌طرفه برون‌دورترس از عواقب منطقه‌ای بازی آقای ریگان و برای کنترل او کار ربحائی می‌کشد که با لآخره حدود صد نفر از نمایندگان مجلس آمریکا علیه آقای ریگان به یک دادگاه شکایت می‌برند.

”جنگ خلیج“ در این مرحله خود

رقابت‌های امپریالیستی را تحرک داد. قدرتهای امپریالیستی برای نجات بورژوازی بحران زده منطقه و برای خواباندن بحران‌های نزدیک به یک دهه است بر منطقه سا به افکنده است و اکنون کل شبات و سیستم حکومتی در منطقه را شهید می‌کند به حرکت در آمدند. اما این تحرک در قدم اول خود تنها میتواند واقعات موجود در مناسبات و آرایش کنونی قدرتهای امپریالیستی را به نمایش بگذارد. این واقعات که موقعیت برتر و بی چون و چرای آمریکا در راس قدرتهای امپریالیستی به تزلزل افتاده است و تقسیم و پراکندگی در میان قدرتهای امپریالیستی که هر یک در برابر بحران اقتصادی موجود می‌کوند موقعیت خود را به زبان دیگری ترمیم کنند از حدتخاص میان آمریکا و شوروی فراتر رفته است و به پراکندگی در درون خود اردوگاه امپریالیستی غرب انجام میدهد. خاموش کردن و مهار بحران حکومتی مزمن شده در منطقه خلیج با حکم و اقتدار این با آن قدرت امپریالیست نمیتواند متصور باشد. مهار این بحران که بخاطر تهدیدهای نهفته‌اش، همه بر سر آن همداستانند عملاً به رسته‌ای از رقابت در میان امپریالیستها و گذار شده که هر یک در آن سهم بیشتری از نفوذ در منطقه را جستجو میکنند.

با اینحال علیرغم تمام پراکندگی و رقابت قدرتهای امپریالیستی، تحرک اخیر آنان حول مساله خاسته جنگ ایران و عراق و مهار بحران در منطقه خلیج، برای جمهوری اسلامی معنای خاص خود را دارد. از لحاظ منطقه‌ای پان دادن به جنگ و مهار بحران قبل از هر چیز در گرو زمین‌باز بیرون کردن جریان پان اسلامی است. رژیم اسلامی باید از سیاست، تمایلات و داعیه‌های پان اسلامی خود هرس شود. مدت‌هاست که آمریکا و قدرتهای امپریالیستی در درون جمهوری اسلامی بدنبال جناح‌های ”تند“ و ”میانه“ میگردند. برآیند تحرک اخیر امپریالیستها بر سر پان دادن به جنگ و فرو خواباندن بحران در منطقه، فشار تازه و گسترده‌ایست بر جمهوری اسلامی با این خواست که تکلیف پان اسلامیم بالاخره باید بکمره شود.

جمهوری اسلامی با تمام وسایل در دسترس خود در صدد دفع فشارهای اخیر بوده است. اول نوبت ”پاران انگلیسی“ بود. بدنبال یک نزاع دیپلماتیک، روابط رسمی با

آورند.

نیاز به واکنش در برابر فشارهای اخیر، به جریان پان اسلامی در راس جمهوری اسلامی دست بالاتری داد و بار دیگر خمینی را به صحنه رسمی رهبری حکومت کشید. اما اولین اقدام جدی آن در سطح منطقه با تظا هرات مکه، به زحمت چیزی بیش از شکست حاصل کرد. در برابر این فشارها جریان پان اسلامیت چگونه خود را در راس قدرت حفظ خواهد کرد؟ آیا رجزخوانیهایش را در حوزه خلیج به اجرا خواهد گذاشت و جنگ هفت ساله ایران و عراق را شکل یک جنگ گسترده و منطقه‌ای را پدید خواهد کرد؟ تحریک امپریالیست‌ها برای مهار بحران در منطقه و صف‌بندی حکومت‌های عرب به حکومت پان اسلامی همانند است که اوضاع از هر زمانی برای

انگلیس به هم میخورد و از این طریق به حکومت خانم تا چرکوتزد میشود که نباید "امام راتنها بگذارد"! نزاع دیپلماتیک با فرانسه بدنبال می آید و طی آن سعی میشود که به حکومت شیراک فهمانده نشود که پی جوشی بیشتر فرانسه در فشار عمومی بر رژیم اسلامی بوج شدن تمام آن وعده‌های را در پی خواهد داشت که آقای شیراک با قیمت گزاف به دست آورده بود. تروریست‌های پان اسلامی در لبنان به فعالیت می‌افتند. گروگانها تهدید به قتل میشوند. هواپیما - رباتی از سر گرفته میشود و ماسجرای تازه‌ای آفریده میشود. اما میدان اصلی قدرت نمایی برای جمهوری اسلامی در خود منطقه و از طریق برانگیختن و ایجاد حرکت‌های مزاحم پان اسلامی در کشورهای حوزه خلیج است. مراسم حج فرصت مناسب را برای اجرای قدرت نمایی در عربستان در اختیار میگذارد. جمعیتی از تظاهرکنندگان حرفه‌ای و دهان کف کرده رژیم اسلامی همراه خیل حاجی‌ها در مکه پیاده میشوند تا اقتدار شیوخ عرب را در سرزمین خودشان به مصاف بطلبند. سعودیها که از مجموعه فشارهای اخیر بر رژیم اسلامی اطمینانی یافته‌اند قدرت نمایی پان اسلامی زبرپای حکومت خود را بی جواب نمی گذارند. آنها هم برای قدرت نمایی متقابل آماده‌اند و خود را با همان وسایل غیر رسمی مورد استفاده جمهوری اسلامی، یعنی جمعیتی که نقش مردم را بازی میکنند مجهز کرده‌اند. نتیجه یکی از گریه‌ترین و مشمژکننده‌ترین صحنه‌های آدم‌کشی و کشتار مذهبی است بنا به آمار رسمی این نمایش متقابل قدرت بیش از چهارصد جسد بر جای میگذارد.

پاسخ آماده عربستان به قدرت نمایی پان اسلامی در مکه برای رژیم اسلامی تاکید کرد که فشارهای اخیر برای هرس کردن پان اسلامیت جدی است و در سطح منطقه صف‌بندی محکمتری را در مقابل خود دارد. با سرکوب تظا هرات پان اسلامیت‌ها، حکومت‌های عرب برای ابراز تاشید و حمایت از عربستان مسابغه گذاشتند. نمایش متقابل قدرت در مکه نه تنها به دول عرب فرصت داد تا صف خود را در مقابل پان اسلامیت متحدتر از پیش به نمایش بگذارند که علاوه بر آن این امکان را نیز برای حکومت‌های عرب فراهم ساخت تا با استفاده از تقسیم بندی شیعه و سنی حربه‌های حساسات مذهبی را نیز برای مقابل پان اسلامیت رژیم اسلامی به دست

خود، به قیمت گسترش ابعا دبحران موجود و برهم زدن کل سیستم حکومتی منطقه حفظ کند، از نظر بورژوازی و امپریالیست‌ها بطور قطع این نه سیستم حکومتی منطقه، بلکه حکومت پان اسلامی است که با پد هر چه سریعتر قربانی گردد. سرعت گرفتن تلاش حکومت‌های عرب برای اتحاد و شناختن امپریالیست‌ها برای مهار بحران، اکنون این واقعیت را بنحو آشکاری در برابر کل جمهوری اسلامی موکد کرده است.

هر چند درماندگی حکومت پان اسلامی را از عملی ساختن ادعاها و سیاست‌هایش در سطح منطقه با زدا رد، چیزی که مسلم است این واقعیت است که حکومت پان اسلامی خواهد کوشید از فضای حاضر در داخل کشور برای

■ مهار این بحران که بخاطر تهدیدهای نهفته‌اش، همه بر سر آن همداستانند، عملاً به رشته‌ای از رقابت در میان امپریالیست‌ها واگذار شده که هر یک در آن سهم بیشتری از نفوذ در منطقه را جستجو میکند.

■ علیرغم تمام پراکندگی و رقابت‌های امپریالیستی، تحریک اخیر آنان حول مساله خاتمه جنگ ایران و عراق و مهار بحران در منطقه خلیج، برای جمهوری اسلامی معنای خاص خود را دارد: تکلیف پان اسلامیت با لاخره باید یکسره شود.

■ مسلم است که حکومت پان اسلامیتی خواهد کوشید از فضای حاضر در داخل کشور برای گسترش ترور و ادامه حملات به جنبش کارگری و خفه کردن اعتراضات مردم حداکثر بهره را بگیرد. این قبل از هر چیزی یک هشدار به کارگران است.

گسترش ترور و رعب جنگی، ادامه حملات به جنبش کارگری و خفه کردن اعتراضات مردم حداکثر بهره را بگیرد. علم جهاد با آمریکا بلند شده است. پاسداران به آب‌های خلیج ریخته‌اند، شیوخ کویت و عربستان به انتقام تهدید میشوند، جمعیت‌های حزب الله به خیابانها ریخته شده‌اند و عریبه جوشی‌های جنگی و پان اسلامی فضای کشور را پر کرده است. این عادت مرسوم حکومت اسلامی شده است که هر موقعیت بحرانی را ابتدا کوشی برای درز گرفتن اختلافات درون رژیم، خفه کردن بیش از پیش امکان تحریک سیاسی، عقب راندن اعتراضات مردم علیه فلاکت و بی حقوقی و انجام حملات گسترده تر علیه جنبش کارگری قرار دهد. این تلاش، هم

اونا مساعداست. جریان پان اسلامیت تاکنون نتوانسته است از یکسوی استفاده از ناتوانی بورژوازی و امپریالیست‌ها در ارائه یک پاسخ اساسی به بحران حکومتی در منطقه - بحرانی که ریشه در افلاس جریانات حکومتی رسمی بورژوازی و ریشه در ناتوانی او در غلبه بر معضلات اقتصادی دارد - و از سوی دیگر با معامله و زدوبند دائمی با این و آن قدرت امپریالیستی خود را در راس دولت بورژوازی ایران حفظ کند. تحمل دوام جریان پان اسلامیت در راس دولت مهمترین کشور منطقه، ناشی از ناسوانی امپریالیست‌ها در پاسخ به بحران مزمن شده حکومتی است. اما اگر قرار باشد که جریان پان اسلامی حضورش در قدرت را با عملی ساختن دعاوی و سیاست‌های منطقه‌ای

چرا حزب دمکرات به سیاست جنگ علیه کومه له ادامه میدهد؟

ما گذشته حزب دمکرات پس از هفته هفتاد فتره رفتن و تناقض گوئی، هنگامی که بر اثر سیاست آکاها نه کومه له هر بهانه ای را برای تن در دادن به گفتگوهای صلح از دست داده بود، سرانجام علنا پذیرفته ها و قولهای خود به کمیسیون منتخب "۶ جریبان سیاسی" را تحت عنوان "سوء تفاهم" پس گرفت و با طرح مجدد پیش شرطهای ضد دمکراتی که نه فقط از نظر ما بلکه از نظر خود کمیسیون هم غیر قابل قبول بود، عا مدانه تلاشهای صلح را با بستن بست مواجه ساخت.

بررسی تفصیلی سیر این تلاشهای صلح، ارزیابی برخورد هر یک از طرفهای درگیر در جنگ به آن، افشای تناقض گوئیهای رهبری حزب دمکرات و بالاخره چگونگی به بین بست کشیده شدن آن بر اثر سیاست ارتجاعی و جنگ طلبانه این حزب، بمنظور مطلع ساختن افکار عمومی و همه علاقمندان به این مسأله بی شک کاری است لازم. اما آنچه علاوه بر آن، و در ورای آن، باید مورد توجه عمیق هر کمونیست و هر کارگر انقلابی در ایران، و بویژه در کردستان، قرار گیرد، تحلیل علل و عواملی است که حزب دمکرات را، با وجود فشارهای سیاسی و عملی فزاینده و با وجود ناکامی کاملاً مشهود برای همگان، این طور بی محابا به تداوم لجوجانه جنگ علیه کومه له و بهر آن هرگونه تلاش برای صلح سوق میدهد.

حزب دمکرات در پیشبرد جنگ ارتجاعی خود علیه کومه له، اهدافی که از این جنگ تعقیب میکرد، در قیاس با تمام دوره دوسه ساله گذشته، در ضعیفترین وضعیت خود چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ نظامی قرار دارد. رهبری حزب دمکرات امروز حتی از باآوری وعدههایی که در ماههای اول در مورد نتایج درگیری مسلحانه با کومه له به صفوف خود میداد گریزان است. شروطی هم که بدنبال اولین مراحل درگیریها، یعنی هنگامیکه توهمات پیروزی سریع زائل شده و فشار سیاسی برای قطع جنگ بر روی حزب دمکرات بالا گرفته بود، بمنظور ترسیم در هر حال دورنمایی برای جنگ و در حقیقت برای توجیه تداوم جنگ عنوان شده بودند، امروز از هر زمان بوج تسری می نمایند و تنها ضد دمکراتیسم، جنگ

طلبی و در عین حال بی دورنمایی حزب دمکرات را در این جنگ برملا می کنند. خصلت ضد دمکراتیک این بهانه های تداوم جنگ به کناره، گمان نمیرود در خود حزب دمکرات هم کسی مانده باشد که تحقق آنها را از راه جنگ و وارد آوردن فشار رهبری نظامی میسر بدارد. رهبری حزب دمکرات خود کمتر از هر کسی در این مورد تردید دارد. تصویری که حزب دمکرات عامدانه و برای مقاصد سیاسی خاص تلاش میکند از قدرت خود ارائه دهد و بر آنداختن جنگ علیه کومه له میبایست آنرا در اذهان تثبیت کند، بکلی و بنحو غیر قابل جبران فروریخته است. بر عکس خود این درگیریها تعادل جدیدی را بزیان حزب دمکرات بین نیروهای صلح دو طرفه بر آورده است که عدم پذیرش رسمی آن از جانب حزب دمکرات تفسیری در آن ایجاد نمیکند. این مسأله ای است که در ذهنیت صفوف نیروهای صلح هر یک از این دو جریبان، و نیز مسردم کردستان بخوبی ثبت شده است. وضعیت روحی نیروهای حزب دمکرات در قیاس با سال اول درگیریها، که طی آن رهبری این حزب میتوانست با اتکاء به تبلیغات کثیف و عوام فریبانه، ناکامی و غرارت و عقاید عقب مانده آنها را در جنگ علیه کومه له بسپج کند، بشدت افت کرده و ناراضی از تداوم درگیریها و بیزیرشوال بردن نفس این جنگ در تمام سطوح حزب دمکرات جریبان دارد. دروغ بزرگ حزب دمکرات مبنی بر محدود کردن دامنه فعالیتها و نیروی پیشمرگ ما به یک مثلث جغرافیائی کوچک در کردستان، که با علم به کذب بسودن کامل آن برای رسانه های خارجی اختراع شده بود، بویژه سال که گستردگی فعالیتهای نیروی پیشمرگ ما در شهرها و نواحی کردستان و حجم و کیفیت آن بدرجات و بطور چشمگیری از حزب دمکرات بالاتر است، بهیچترتبه یک شوخی شبیه است و برای مدعی آن در داخل کردستان ما به رسوایی است تمامهاست. نتایج سیاسی این درگیریها نیز، تا آنجا که به عوامل داخلی کردستان و توده های مردم آن مربوط میشود، برای حزب دمکرات بسیار رگران تمام شده است. توسل به خون و راه حل قهرآمیز و از من زدن به جنون جنگ

طلبی علیه کومه له قرار بود موقعیت دلخواه را برای حزب دمکرات خلق کند، سیر و به رشد بیداری و آگاهی سیاسی و طبقاتی زحمتکش کردستان (منجمله شناخت ما هیت و نقش حزب دمکرات) را متوقف سازد، توده ها را مرعوب کند و به تمکین و بی تفاوتی سیاسی بکشاند، اما درست نتیجه معکوس بر آورده است. آنچه حاصل شده شناخت عمیقتر ما هیت حزب دمکرات و رسوایی سیاسی وی و روی آوری هر چه بیشتر توده ها بمبارزه سیاسی رادیکال با هدفهای روشن انقلابی است. در اثر تداوم این جنگ انزوای سیاسی حزب دمکرات در بین جریانات سیاسی و افکار عمومی چپ و دمکرات ایران و مداوم تشدید شده و چهره کاذبی که وی از خود بعنوان یک جریبان دموکراتیک بویژه در میان غیر کردها از خود تصویر میکرد، و کمونیستهای کردستان از آنها پیشت نامعتبر بودن آنرا برملا میکردند، کاملاً فروریخته است.

بعلاوه خود اهدافی که حزب دمکرات در صحنه داخلی کردستان از این جنگ تعقیب میکردن کاملاً مانده و خنثی شده است. ما توانسته ایم محدودیت های بی را که درگیری مسلحانه حزب دمکرات علیه ما بر روی فعالیت سیاسی و نظامی ما تحمیل میکنند به مراتب کاهش دهیم و مقابله نظامی با حزب دمکرات و انرژی و امکاناتی را که این مسأله بخود اختصاص میدهد به مسأله درجه دوم خود تبدیل کنیم و بتدریج بخش هر چه بزرگتری از نیرو و امکانات ما را به فعالیت اصلی خود یعنی کار کمونیستی در بین کارگران و گسترش نفوذ تشکیلات حزب کمونیست در کردستان، کار در جنبش کارگری و توده های، و سازماندهی و پیشبرد جنبش انقلابی خلق کرد در عرصه های گوناگون سیاسی و نظامی معطوف سازیم، یعنی همه آنچه ها بی که حزب دمکرات ضد دموکراتیسم و جنگ طلبی خود را علیه آنها متوجه کرده است.

طبیعی است که هیچک از اینها که بر شمریم آن بدست نیامده است. هر یک از این سنگرها بقیمت سخت کوشا نه ترین تلاشها، تحمل دشوارترین شرایط، ایستادگی و استواری بی نظیر، جانبازی های بیدریغ، فداکاریهای حماسی و بزرگترین عشق به آرمانهای انقلابی کمونیستی فتح شده است. بهر رو، با این اوصاف با بدپرسیدبرستی حزب دمکرات چه دورنمایی را در تداوم این جنگ برای خود ترسیم میکند و چه مقاصد را از این طریق تعقیب مینماید؟

در باره ماهیت سیاسی جنگ حزب دمکرات علیه کومه له و اهداف و محرکهای حزب دمکرات از برپا کردن و تداوم آن، ما بکرات سخن گفته ایم. همچنین ما همواره این واقعیت را تاکید کرده ایم که جنگ حزب دمکرات علیه کومه له یک اقدام منفرد و جداگانه نیست بلکه باید همچون جزیی از جهت گیری ها و سیاستهای عمومی حزب دمکرات در دوره کنونی، و در متن تحولات اوضاع سیاسی ایران و روند مبارزه طبقاتی در ایران پس از انقلاب تا کنون، و با توجه به شرایط ویژه کردستان، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

پیش از هر چیز باید گفت اینکه حزب دمکرات با وجود نا کام ماندن عملی این سیاست، با وجود رسوایی سیاسی ناشی از آن و زیانها و لطافات مادی و تشکیلاتی فراوان، کماکان این جنگ را تداوم میدهد، خودگواه عمیق خصلت ضد کمونیستی و ضد دموکراتیک او و نیز عمق فرورفتن او در باطن سیاست است که در آن درگیر شده است. واقعیت این است که نفس برهانه نداشتن و تداوم دادن به این "جنگ طبیبی" علیه کمونیستها و علیه انقلاب توده ها، اگرچه از جانب کارگران و زحمتکشان و همه دوستانان دموکراتی و انقلابی با تنفر و محکومیت روبرو میشود، اما در پیشگاه امپریالیستها و بورژوازی ایران برای هر جریانی سیاسی یک "مزیت" محسوب میگردد. در شرایطی که "خطر" یک انقلاب جدید همه امپریالیستها و دستجات مختلف بورژوازی را در ایران بشدت هراسان کرده و به تنگنا و آداشته است، در شرایطی که با وجود آن همه کشتار و سرکوب بیما بقیه توسط رژیم اسلامی، هنوز تشبیه و حفظ نظم بورژوا امپریالیستی و خنثی کردن و یا درهم کوبیدن خشن نیروی بیرحمانه ترا انقلاب آتی کارگران و توده های محروم و ولایت درجه اول همه امپریالیستها را تشکیل میدهد، در وضعیتی که اقتار حزب مختلف بورژوازی در وحشت از انقلاب کارگران و زحمتکشان بسرعت به راست افراطی میکراهند، آری در چنین شرایط و اوضاعی نشان دادن خصومت ها رگونه علیه کمونیسم، پشت کردن هر چه آشکارتر به انقلاب و نشان دادن ظرفیست تمام و کمال خود برای ضربه زدن به آن، خود شرط لازم برای گرفتن شدن در بندوبست ها و معاملات سیاسی در درون اردوگاه بورژوازی در

ایران است و البته حزب دمکرات ننگ و رسوایی در میان مردم و در اردوگاه انقلاب را بقیمت کسب مقبولیت در میان امپریالیستها و بورژوازی ایران بجان میبرد. تصادفی نیست که از دوما قبل، و بویژه در ماههای اخیر، دبیرکل این حزب در هر تماس و مصاحبه مطبوعاتی فرصت را غنیمت شمرده و صراحتا و بی هیچ پرده پوشی از دولت آمریکا تقاضای "رابطه" میکند.

کردستان، بویژه زنگنه امپریالیستها یک "کانون خطر" و یک منطقه انقلاب را است. حساسیت و خصومتی که بورژوازی منطقیه و امپریالیستها نسبت به جنبش کردستان در کل نشان میدهند، بویژه با در نظر گرفتن این اوضاع و احوالات بمراتب تشدید میشود که با ولایت در کردستان ایران جنبش انقلابی هر چه بیشتر بسمت رادیکالیسم گرایش مییابد و کمونیستها نقش و تاثیر فزاینده ای در آن پیدا میکنند و تا نیا - کردستان میتوانند نقطه قوت انقلاب در سراسر ایران و یا به بیان آنها "عوامل برهم زننده" ثبات در شرایط شکننده و حساس امروز و فردای ایران، و چه بسا منطقه، گردد.

اکنون کمونیسم در کردستان نه یک هویت سازمانی بلکه یک واقعیت اجتماعی است و میرود که به گرایش قدرتمند و رهبری کننده در جنبش کارگری و در کل جنبش انقلابی و دموکراتیک تبدیل شود. مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران کمونیست در جای خود رادیکالیسم توده های کارگران و زحمتکشان، دفاع از خواستهای عادلانه یک ملت و جنبش انقلابی آن تداومی میشود. محتوای انقلابی و دموکراتیک جنبش کردستان به روابط کارگران انقلابی در مقابل روابط بورژوازی سیونالیستی و غیر دموکراتیک از این جنبش توسعه مییابد و افقهای جدیدی، برای پیشروی و پیروزی می گشاید. و حزب دمکرات بعنوان جریانی که با انکار طبقه کارگر و ضدیت با آن، با ضد دموکراتیسم، و نیز با مخالفت علیه حاکمیت و اعمال اراده توده ها و سازشکاری و بنسبت با بورژوازی حاکم علیه جنبش انقلابی خلق کرد مرتبط میگردد، وسیعاً برای مردم زحمتکش به زیر سوال میرود. آیا این روندها که منافع سیاسی سرما به امپریالیستی را در منطقه بطور جدی تهدید میکند همان

روندها می نیست که حزب دمکرات بخاطر متوقف کردن و مانع شدن از آنها علیه حزب ما دست به سلاح برد؟ حزب دمکرات که در میدان مبارزه سیاسی آزادانه و دموکراتیک با کمونیستها توانایی مقابله با این روندها را نداشت، و حتی با درگیری های محلی و کما بیش محدود که تا آن زمان بدان دست می یازید نیز فاقد درجه متوقف ساختن آنها در جامعه کردستان نبود، به زعم خود برای حل قطعی و موثر این مسأله "جنگ سراسری با کومه له" را ابتدا در شهریور ماه ۳۲ در پلن سوم کمیته مرکزی خود بعنوان یک سیاست در قالب تهدید اعلام داشت و سپس در عمل نیز بمرور اجرا گذاشت. حزب دمکرات با در پیش گرفتن این سیاست دقیقاً راه سازش خود با جمهوری اسلامی، و با هر آلترناتیو و یا حاکمیت آتی بورژوازی در ایران را همسوار میکرد و امپریالیستها را تشویق مینمود که جریان سیاسی مطلوب خود را در وجود و جستجو کنند. پس از گذشت تقریباً سه سال از درگیریهای داخلی در کردستان، حزب دمکرات کماکان همین اهداف را دنبال میکند. با این تفاوت که نا کام ماندن عملی او در عرصه داخلی کردستان، با توجه به عمق درگیری او در این سیاست ضد انقلابی، بیش از پیش و بطور نوسیدانه ای حزب دمکرات را بسوی تلاش برای کسب مقبولیت در نزد امپریالیستها و متکی کردن و گره زدن هر چه بیشتر آینده و سرنوشت سیاسی خود به این فاکتور سوق داده است. هر چه حزب دمکرات امیدوار باشد با اینکه اهدافش را بطور مستقیم به نیروی خود و از طریق نتایج بلاواسطه این جنگ متحقق سازد بیشتر از دست میدهد و این هدف برای پیش دورتر و دست نیافتنی تر میشود، بیشتر و بیشتر نفس تداوم دادن لجاجت نه با این جنگ را به عنوان وسیله ای برای کسب نظر موافق امپریالیسم و بورژوازی در تحولات سیاسی آتی در ایران نگاه میکند و از این زاویه آنها را تداوم میدهد.

ما مشابهاً این وضع را، به خود دیگری، در نزد مجاهدین دیده ایم. هر قدر که مجاهدین را بطنان با اردوگاه انقلاب را می گسیختند و با پیرونی و نفوذ توده ای داخلی خود و توان واقعیتان را در عرصه اجتماعی و سیاسی در ایران از دست میدادند، شناختن و

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

نومیدانه تر بسمت امپریالیستها و بدست آوردن نقطه اتکالی در این اردوگاه می تاختند. بعلاوه حزب دمکرات نیز مانده می ماند. پس از یکدوره تلاش برای اتکاء به جناح سوسیال دموکراسی در اروپا، این را ناکافی دانسته و شروع به تقاضای مصراغه برای رابطه با دولت امریکا کرده است و سعی میکنند نشان دهند که جنبش انقلابی در کردستان هیچگونه منافاتی با منافع امپریالیسم امریکاندارد.

حزب دمکرات با زهم ما نند ما همدین، هر گونه کوشش شنوای خود را در مقابل انقلابهای که از جناح چپ و از اردوگاه انقلاب از او مطرح میشود از دست داده است.

حزب دمکرات بدست آوردن نفوذ و کسب سلطه در کردستان آتی را نیز از نظر خود درگرو همین مقبولیت و پذیرش از جانب بورژوازی ایران و امپریالیستها میداند. حسابی هم که برای بخود منتسب کردن "رهبری جنبش ملی - دموکراتیک کردستان" از خود نشان میدهد، پیش از آنکه مردم کردستان را که خود از نزدیک با مسأله طرف هستند در نظر داشته باشد، همین مخاطبین "خارجی" را مورد نظر دارد و همانند مورد مجاهدین با از کف دادن نفوذ واقعی اش نسبت معکوس دارد.

هنگامی که حزب دمکرات با وجود سیل سرزنش و رسوایی اینقدر آشکارا و مکرر از مذاکره با جمهوری اسلامی و آمادگی خود در این رابطه صحبت میکند، مهمتراز هر چیزی میخواهد نشان دهد که، ولو امروز هم این سیاست برای نتیجه ای در بر نداشته باشد، اما بهر حال او اصولا اهل چنین سازشهایی است و با این ترتیب بشیوه خویش خود را برای "تحولات پس از مرگ خمینی" یعنی در واقع برای سازشچه با حکومت اسلامی برآمده از تحولات درونی رژیم کنونی و چه با هر حاکمیت بورژوازی جانشین آن آماده میسازد.

هنگامی هم که حزب دمکرات، با وجود تمام ناکامیهایش در میدان عمل، با زهم چنان شروطی را برای صلح پیشنهاد میکند که فقط از یک فاتح تمام عیار برمی آید، بهیچوجه از این رو نیست که خود را قادر به تحقق آن تصور میکند، و عدم توانایی اش را در این رابطه به بهایی تلخ و سنگین آزموده است.

حزب دمکرات رسوایی سیاسی ناشی از برنمایدن ما هیت کاملاً ضد دموکراتیک این شروط را می پذیرد و چه بسا در این رابطه حتی عمد بخرج میدهد (چرا که از نظر بورژوازی امپریالیستی این شروط دارای جنبه منفی

نبوده و ملزومات برقراری نظم ضد انقلابی را در کردستان تشکیل میدهد.) تا بتواند در پیش همان ها وانمود کند که به سر حال در موقعیتی هست که چنین خواستهایی را در مقابل طرف خود مطرح سازد.

هیچکدام از این روشها در اردوگاه بورژوازی در ایران نه تا زکی دار دونه منحصر بفرید است. مگر کلبه، جناحها و دستجات بورژوازی ایران، از خود جمهوری اسلامی گرفته تا جناحهای درونی آن، و تا بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی این رژیم همگی چشم به کسب مقبولیت در نزد امپریالیستها ندوخته اند و تشبیت خود را در گرو آن نمی بینند؟ و همه آنها ضد کمونیسم و ضد دموکراتیسم را پرچم این تلاش خود قرار نداده اند؟ حزب دمکرات نیز بعنوان بخشی معین و ویژه ای از اپوزیسیون بورژوازی رژیم اسلامی ایران، دقیقاً همین خصایص و روشها را از خود بروز میدهد و در این راه جنگ با کومه له را گواهی حسن خدمت خود میگیرد.

حزب دمکرات میخواهد نشان دهد که ما پیل است و میتوانیم کردستان انقلابی را با توجه به موقعیت ویژه ای که بعنوان یک جریان

کردستان است.

آنها که این سخنان را ذهنگیری و ناشی از "تئوریهای انحرافی" ما میدانند، بسایند بخاطر بسپارند که بار دیگر نتایج خوش با وریها و تئوریهای انحرافی خود را در مقابل احزاب و جریانات بورژوازی در عرصه ما و در دوره انقلاب بچشم خواهند دید. همانطور که در دوره اخیرنا درستی و توهم آمیز بودن تحلیل های گذشته شان در باره محتوای سیاسی و طبقاتی جنگ جاری بین حزب دمکرات و کومه له را با محک تجربه آزمودند.

اما در پیش گرفتن این اهداف ضد انقلابی از طرف حزب دمکرات یک چیز است و موفقیت در تحقق آنها چیز دیگری. در پیش گرفتن این سیاست بورژوازی امپریالیستی نه فقط برای حزب دمکرات و رفع تنگناها و تناقضات آن ممجز نمیکنند بلکه بیش از پیش وی را رسوا، منفرد و تضعیف خواهند نمود. گذشته از اینکه حزب دمکرات نیز مانده است که جریانات بورژوازی قادر به محاسبه ظرفیت و توان واقعی بوده ها نیست و آنرا دست کم میگیرد و بندوبست ها و مصلحتات در "بالا" را تعیین کننده سرنوشت ملت ها، سیاست ها و جنبش ها

واقعیت اینست که نفس بر اه انداختن و تداوم دادن به این جنگ "صلیبی" علیه کمونیستها و علیه انقلاب توده ها، اگر چه از جانب کارگران و زحمتکشان و همه دوستداران دمکراسی و انقلاب با تنفر و محکومیت روبرو میشود، اما در پیشگاه امپریالیستها و بورژوازی ایران برای هر جریانی سیاسی یک "مزیت" محسوب میگردد.

میداند، آنچه بویژه در حال حاضر وی را از موقعیت نامساعدی برخوردار میسازد این واقعیت است که بورژوازی و امپریالیسم در ایران خود در این دوره با بحران عمیقی دست بگریبانند.

حزب دمکرات خود را به انقلاب در کردستان می چسباند تا بتواند از این موضع مطلوبیت ویژه خود را برای امپریالیستها و بورژوازی حاکم در ایران ثابت کند، اما ما با پیشروی در سیاست کنونی خود، مردم و انقلاب را از دست میدهند تنها با این امید که بتوانند در آینده پاداش این خدمات خود را از بورژوازی و امپریالیسم دریا فت کنند. حزب دمکرات بدون اینکه چیزی نصیبش شده باشد خود را در لجنزار سیاست ضد انقلابی و در با تلاق رسوایی ها و تنگناهای

سیاسی کرد از آن برخوردار است، بسمت شرایط مساعد برای بورژوازی و امپریالیسم بکشانند. حزب دمکرات تنها از امپریالیسم را به تحریف و به شکست کشاندن جنبش انقلابی و برقراری نظم ضد انقلابی در کردستان میدانند و تلاش میکنند خود را به ایزا در تحقق این نیاز بورژوازی امپریالیستی تبدیل نماید. و نیاز هر حکومت بورژوازی آینده ایران را به سرکوب کمونیسم، سرکوب جنبش کارگری و انقلابی و جنبش مسلحانه در کردستان درک میکنند و از هم اکنون با مجموعه سیاستها و منجمله جنگ افروزی با سازمان کمونیستی در کردستان دار خود را بعنوان همدست مناسب برای چنان موقعیتی معرفی میکنند و به رخ میکشند. آری، جنگ علیه کومه له یک سیاست منفرد و جداگانه حزب دمکرات نیست، بلکه بدون شک پسرده اول خیانت بزرگ فردای او علیه انقلاب در

اطلاعیه درباره برگزاری پلنوم نهم کمیته مرکزی

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در نیمه دوم تیرماه نهمین پلنوم خود را تشکیل داد. پلنوم با سرودن ترنای سیونال و یک دقیقه سکوت بخاطر گرامش و یادگان با ختگان راه سوسیالیسم، کار خود را آغاز کرد و پس از تصویب آئین نامه کار خود به استماع گزارش بخشهای مختلف تشکیلات و عرصه های گوناگون فعالیت حزب پرداخت. با برمودای که پلنوم مورد بررسی قرار داد عبارت بودند از:

- ۱- اساسنامه
- ۲- تشکیلات مخفی شهرها
- ۳- تشکیلات خارج کشور
- ۴- پاره ای مسائل مربوط به فعالیت حزب در کردستان
- ۵- کنگره سوم حزب
- ۶- تعیین و انتخاب ارگانهای رهبری

کمیته مرکزی در نشست خود گزارشی مربوط به رای گیری در مورد اساسنامه را بررسی کرده و با توجه به اینکه ۹۴ درصد از اعضای قطعی حزب که آرا آنها تا لحظه تشکیل پلنوم بدست کمیته مرکزی رسیده بود، همگی به کلیت اساسنامه رای مثبت داده بودند، پلنوم کمیته مرکزی تصویب و رسمیت اساسنامه جدید را اعلام کرده و خاطرنشان نمود که تبعیت از اساسنامه جدید حزب از این تاریخ برای اعضا الزامی بوده و این اساسنامه بر مناسبات و روابط ارگانهای حزبی ناظر خواهد بود.

در بحث تشکیلات مخفی شهرها پلنوم با توجه به گزارشی که در این مورد در اختیار داشت، درباره تعیین مراحل مختلف پیشبرد سازماندهی حزبی در جنبش کارگری و ضرورت تدقیق چشم انداز فعالیتهای تشکیلات حزبی به بحث پرداخت.

در بحث مسائل تشکیلات خارج کشور، کمیته مرکزی در نشست خود تلاش نمود جمع بندی عمومی ای از فعالیت تاکنونی ما در خارج کشور بدست دهد و اساسی ترین موارد نقد ما از این فعالیت را، مرفتن نظارت عملکردهای منفرد این دوران، دوره روشن نما پدورثوس اصلی فعالیت ما را در خارج کشور، بعنوان یک حزب سیاسی کمونیستی و نترنای سیونالیستی دست اندرکار سازماندهی انقلاب کارگری در ایران، بر مبنای مولفه های اساسی مربوط به شرایط اجتماعی و سیاسی در دوره کنونی ترسیم نماید.

در رابطه با مسائل مربوط به فعالیت حزب در کردستان، بحث اصلی بر روی فعالیت های نظامی ما در دوره فعلی متمرکز شد و پلنوم درباره پیچیدگی نظایق این فعالیتها بر جهت گیری های کنگره پنجم کومه له بحث و بررسی نمود.

پلنوم نهم کمیته مرکزی ضمن بررسی مسائل برگزاری کنگره سوم تصویب نمود که کمیته مرکزی را اصلاح برناممه برای ارائه به کنگره را در دستور خود قرار نمیدهد اما مسائلی که لازم را به هر یک از تشکیلاتی حزب که بخواهد این موضوع را برای ارائه به کنگره در دستور خود بگذارد، بعمل میآورد.

در پایان مباحث، تعیین و انتخاب ارگانهای رهبری در دستور پلنوم قرار گرفت. نظریه اینکه تقسیم کار درونی کمیته مرکزی و انتخاب ارگانهای لازم برای رهبری و هدایت فونکسیونهای اصلی و سراسری حزب بر طبق اساسنامه جدید حزب کمونیست یک امر اساسی نبوده و توسط خود کمیته مرکزی تعیین میگردد، پلنوم نهم کمیته مرکزی با بررسی عملکرد دفتر سیاسی در دوره های گذشته و جوانب مثبت و منفی آن و با در نظر داشت اساسی ترین وظایف و فونکسیونهای مرکزی حزب، آرایش و تقسیم کار جدیدی را برای کمیته مرکزی در نظر گرفت که بر تقسیم کار دقیقتر و شترک وسیع تر و مستقیم تر تعداد هر چه بیشتری از اعضای کمیته مرکزی در امر هدایت و پیشبرد این وظایف مبتنی باشد. با توجه باین موارد، پلنوم ارگانهای زیر را تعیین و افراد لازم را برای آنها انتخاب نمود:

- دبیر کمیته مرکزی برای هماهنگی بین بخشها و ارگانهای درونی کمیته مرکزی و رسمیت دادن به سیاستهای ارگانهای اصلی،
 - کمیته اجرایی بعنوان بالاترین ارگان تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم برای هدایت تشکیلات حزب از جنبه های گوناگون،
 - ستاد سیاسی برای تحلیل و پخته کردن مباحث نظری و سیاسی و مواضع حزب،
 - تبلیغات مرکزی برای هدایت مستقیم ارگانهای مرکزی و راهی و صدای حزب تحت نظر کمیته اجرایی،
 - شورای مرکزی برای تشکیل جلسه در موقع لزوم بمنظور رفع اختلاف بین این ارگانها و نیز تصمیم گیری در موارد مهم.
- با اتمام انتخابات، نهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست پس از ۴ روزه کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

اطلاعیه پایانی پلنوم چهارم کمیته مرکزی کومه‌له

تا کید کرد که در نتیجه دخالت ما، جنبش توده‌ای با پیدا زمان یافته تر شود و بیش از پیش حول شعارهای اشتبای پیش برده شوند.

در رابطه با مبارزه مسلحانه نشیبت وسیع کمیته مرکزی برپیکیری در اجرائی نقشه عمل نظامی مصوب کمیته مرکزی کومه‌له، فراهم کردن ملزومات ادامه کاری فعالیت نیروی پیشمرگ در فصول مختلف بشیوه‌های گوناگون، گسترش دادن دامنه‌مان‌نور واحدهای نظامی واجتناب از درگیریهای تحمیلی و دفاعی، افزایش هنرهای و دقت مداوم که لازمه شرایط کنونی است، ایجاد تسهیلات عملی برای جلب دواطلبان پیشمرگ‌گانی و آگاه کردن توده‌های مردم از خط مشی و سیاست‌های نظامی ما تاکید کرد.

در مبحث جنگ کومه‌له و حزب دمکرات، نشیبت کمیته مرکزی خاطر نشان کرد که با توجه به اوضاع سیاسی کنونی کردستان و وجود زمینه‌های مناسب برای گسترش مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و نیز ارتقاء و گسترش جنبش کارگری و توده‌ای در کردستان، ختم جنگ بین حزب دمکرات و کومه‌له از اهمیت و مطلوبیت خاصی برای جنبش کردستان برخوردار است. از این نظر پلنوم ما درقبال این جنگ، تلاشهای معطوف به صلح را مجدداً مورد تأیید قرار داد.

پلنوم در پایان با اتفاق آراء، مجدداً رفیق ابراهیم علیزاده را بعنوان دبیر اول انتخاب نمود.

کمیته مرکزی سازمان کردستان
حزب کمونیست ایران - کومه‌له

۶۶/۲/۲۱



افزایش یافته و مقابله مت‌توده‌ها حالت سرخستانه‌تری بخود گرفته است. جنبش کارگری در کردستان نیز طی ماه‌های گذشته کامیابی مثبتی به‌جلب برداشته است.

در زمینه سازماندهی کارگری در کردستان پلنوم به‌رشد و گسترش گرایش به اتحاد و سازماندهی در میان کارگران انقلابی و پیشرو و افزایش نفوذ شعارهای حزب کمونیست در جنبش کارگری انگشت گذاشت. سیاسی بودن کارگران در کردستان، نفوذ وسیع کومه‌له در میان آنان، وجود جنبش انقلابی و توازن قوای بالنسبه مسا عدتری که در کردستان بین مردم و حکومت وجود دارد، بنابر عوامل مسا عدل برای سازماندهی کارگری و نیز گسترش و ارتقاء جنبش کارگری ارزیابی شدند. در این رابطه پلنوم ضمن تاکید بر ضرورت تحکیم و تقویت تشکیلات مخفی حزب و تأمین آموزش، امنیت و ارتباطات آن، یادآور شد که برای سازماندهی کارگری با پدیده‌ها و نفوذ اجتماعی، سیاسی و تشکیلاتی کومه‌له و همه ارکانها و بخشهای گوناگون تشکیلات بطور هماهنگ و بهمینای نقشه عمل واحد بکار رفتند.

در مبحث جنبش توده‌ای، پس از بررسی سیر این جنبش طی سالهای گذشته و ارزیابی وضعیت آن در دوره کنونی، پلنوم با یادآوری اهمیت شهرها از نقطه نظر جنبش توده‌ای و این مساله که توده‌های کارگری و حاکمیت عملا به ستون فقرات جنبش توده‌ای و علیه سیاستهای رژیم اسلامی تبدیل شده‌اند، خاطر نشان ساخت که مقابله و مبارزه توده‌ای در شهرها و روستاهای کردستان گسترش بیشتری یافته و با کمیست و تجمعات بیشتری از توده‌ها و با همبستگی و رزمندگی بیشتری پیش میرود. برای ارتقاء و سازماندهی جنبش توده‌ای، پلنوم تاکید کرد که انرژی بخش عملی تشکیلات، کادرها و کمیته‌های حزبی با دید بیشتر از پیش به هدایت و سازماندهی این مبارزات معطوف گردد. علاوه اشکال تشکیلاتی توده‌ای در عرصه‌های گوناگون و در شهرها و روستاها تعیین، تبلیغ و سازماندهی شوند. پلنوم

کمیته مرکزی منتخب کنگره پنجم کومه‌له چهارمین نشست وسیع خود را طی روزهای شانزدهم تا بیستم مردادماه برگزار نمود. مباحث اصلی این نشست را بررسی آخرین تحولات اوضاع سیاسی ایران و کردستان، و بررسی عرصه‌های گوناگون فعالیت حزب در کردستان با لایحه تشکیلات مخفی حزبی، تبلیغات، تشکیلات علنی، مسائل نظامی، وضعیت کنونی جنبش کارگری و جنبش توده‌ای و چگونگی هدایت و سازماندهی آنها تشکیل میدادند. مساله تداوم جنگ بین حزب دمکرات و کومه‌له از دیگر مباحثی بود که پلنوم به آن پرداخت.

ضمن بحث پیرامون اوضاع سیاسی پلنوم این نکات را یادآور شد: جنگ ایران و عراق کماکان مساله حیاتی جمهوری اسلامی است. تلاش‌های رسمی محافل امپریالیستی غرب و شرق در مباحثات اخیر برای پایان بخشیدن به این جنگ بدون اینکه یکی از طرفین درگیر فاتح باشد، افق پیروزی رژیم جمهوری اسلامی را تاریک تر نموده است بطوریکه رژیم اسلامی در حال حاضر نه فقط با تنگناهای نظامی بلکه با تنگناهای جدی سیاسی - دیپلوما تیک نیز مواجه است. علاوه جمهوری اسلامی از یک سو برای ادامه جنگ، تعرضات خود به سطح معیشت میلیونها کارگر و حاکمیتش را افزایش داده و مکیدن آخرین رمق آنها را با پاداش کارمندان جنگی خود نموده و از سوی دیگر شدت نگرانی است که تشدید این وضع و تداوم کشتار و فلاکت اقتصادی، توده‌های جان بلب رسیده را به واکنش اعتراضی آشکار توده‌ای وادارد. بهمین دلیل رژیم در برخورد به جنبش کارگری و توده‌ای روش بالنسبه محتاطانه‌ای در پیش گرفته و تا درجه‌ای از ایجاد رو در روی با آن می‌پرهیزد. این وضع در کردستان به برکت وجود جنبش انقلابی و مسلحانه با وضوح بیشتری مشاهده میشود: جنبش اعتراضی توده‌ها علیه سیاست‌های رژیم در ماه‌های گذشته با نیرومندی بیشتری پیش رفته، ایستادگی توده‌ها در رویارویی با رژیم

کارگران جهان متحد شوید!

پیشروی جنبش کارگری در کردستان

مصاحبه با رفیق عمر ایلخانی زاده پیرامون پلنوم اخیر کمیته مرکزی کومه له

پس از پلنوم اخیر کمیته مرکزی کومه له صدای حزب کمونیست ایران مصاحبه‌ای با رفیق عمر ایلخانی زاده عضو کمیته مرکزی کومه له ترتیب داده است. بخش‌های زاین مصاحبه که مربوط به وضعیت جنبش کارگری در کردستان بوده‌اند را در این شماره کمونیست میخوانید.

این مصاحبه که تماماً به مباحث و نتایج پلنوم اختصاص داشته است بطور کامل در تیرماه گذشته از صدای کمونیست پخش شده است.

سوال: بطور مشخص، خصوصیات، مطالبات و شیوه‌های مبارزه جنبش کارگری در کردستان را چگونه ارزیابی میکنید؟

جواب: جنبش کارگری در سالهای اخیر در کردستان از هر لحاظ رشد چشمگیری داشته است. شیوه‌های مبارزه کارگران در کردستان در یکی دو سال اخیر ارتقاء پیدا کرده. مطالبات جنبش کارگری روشن‌تر، طبقه‌بندی‌تر و سیاسی‌تر شده است. تجربیات یکساله اخیر جنبش کارگری و مطالبات کارگران سنندج در قطننامه مراسم اول ماه مه گواه اینست که جنبش کارگری در کردستان قدمهای بسیار مثبتی بجلو برداشته است. خواست دستمزد برابر درازا، کار برابر برای زن و مرد، ممنوع کردن سربازگیری، خواست آزادی تشکل‌های کارگری، مبارزه علیه باج‌خوارچینی، ایجاد صندوقهای تعاونی و مالی توسط کارگران، برپائی مجامع عمومی، اعتصابات مختلف منجمله اعتصاب کوره‌های آجرپزی، اجتماعات علنی مختلف کارگران، مبارزه جهت افزایش دستمزد، مبارزه علیه خراج و بیکار سازی، مقاومت و مبارزه علیه کارفرمایان و سرمایه‌داران، درگیری مکرر در محلات کارگرنشین بر علیه اجافات رژیم و جهت بدست آوردن خواستهای رفاهی، تلاش برای برپائی تشکلهای کارگری نظیر اتحادیه، که از همین راه‌ها اخبار و گزارشات نشان منعکس شده‌اند، همه و همه در دل شرایط سرکوب و میلیتاریزم کردستان بیانگر سیاسی‌تر شدن و درک بالای کارگران

کردستان، بیانگر ارتقای خواست‌ها و مبارزات منفی و اقتصادی کارگران به نسبت گذشته و به لحاظ شیوه مبارزه نیز نشان داده گرایش جدی به مبارزه متشکل و دسته جمعی کارگران و تلاش برای ایجاد ابزارهای پایداری و جمعیت‌تر برای پیشبرد مبارزات کارگری است. این پیشروی‌ها به عواملی بستگی دارد که در این شرایط خصوصیات و ظرفیت‌های خاصی را در جنبش کارگری در کردستان بوجود آورده‌اند.

اگر پراکندگی کارگران در تولید به نسبت مراکز صنعتی ایران، در کردستان یک ضعف بحساب میآید و کارگران فصلی و ساختمانی بخش عمده کارگران کردستان را تشکیل میدهند، اگر جنبش کارگری در کردستان به لحاظ سنت و سابقه جوانست و اگر در کردستان حتی قانون کار جمهوری اسلامی نیز در بسیاری موارد بر مناسبات کارگر و کارفرما ناعلمانه است و کارگران به این لحاظ در بی حقوقی کامل بمر می‌برند، اتفاقاً به همین دلیل نیز تکیه ما بر روی مبارزات اقتصادی در کردستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر این کمبودها و یا عوامل نامساعد برای جنبش کارگری کردستان را تنها بحساب آوریم و برای این مبنای ارزیابی از جنبش کارگری کردستان و ظرفیت‌های آن بپردازیم قطعاً یک جانب مهم قضیه را ندیده‌ایم و نمیتوانیم پیشرویها و نقاط قوت فعلی جنبش کارگری در کردستان را بخوبی بشناسیم. واقعیت اینست که سالها تداوم یک جنبش زنده و انقلابی در کردستان، شرکت کارگران در آن، چه در مبارزات عمومی و چه بطور مستقل برای دفاع از منافع خویش در دوره‌های با رژیم ج.ا. ذهنیت سیاسی کارگران کرد را بیشتر از پیش پرورش و ارتقاء داده، بعلاوه در کردستان یک سازمان کمونیستی و توده‌ای یعنی کومه له در اس‌ا‌ی جنبش قرار گرفته، نیروی مسلح و سراسری خود را داراست و یک جنگ انقلابی در کردستان راه‌ها پدید آمده. و از منافع کارگران و زحمتکشان چه در جنبش عمومی دمکراتیک و چه بطور مستقل دفاع میکنند،

به تبلیغ و ترویج مدام مواضع کارگری و کمونیستی میپردازد و هدایت و سازماندهی جنبش کارگری را در صدر وظائف خود قرار داده و طی مبارزات طولانی چندین ساله اعتماد بخش عمده کارگران را به شعارها و مطالبات حزب کمونیست ایران جلب نموده است. همه اینها عوامل مهمی هستند که در ارتقای شعور سیاسی توده کارگران کردستان در این چند سال نقش بسزائی داشته‌اند و هم در توازن عمومی قوا با وجود میلیتاریزم و سرکوب در کردستان، شرایط مساعدی را برای تداوم و پیشرفت جنبش کارگری فراهم نموده و ذهنیت سیاسی بالادرمیان کارگران را به واقعیتی گشمانا پذیرمیدل ساخته‌اند، مثلاً در مراسم اول ماه مه کارگران سنندج نه تنها خواستهای طبقاتی خود بلکه در مواردی خواست‌های رستم‌دیده دیگر را معرانه نیز در قطننامه خود آورده بودند. پیشروان و رهبران عملی جنبش کارگری در کردستان امروزه بطور عمل رهنمود و شعارهای حزب کمونیست ایران را در مبارزات روزمره خود، بکار میگیرند. پلنوم کومه له هم در جهت رشد آتی جنبش کارگری و سازمان دادن آن برای این دو عامل اساسی یعنی ذهنیت سیاسی و پیشرفت کارگران و شرکت فعالشان در جنبش انقلابی و نفوذ اجتماعی و توده‌ای کومه له و اعتماد پیشروان مبارزات کارگری به سیاست و شعارهای ما را، بعنوان دوتکیه‌گاه اساسی در سازماندهی و هدایت جنبش کارگری در کردستان تا کیدگذشت که ارگانهای مختلف تشکلاتی ما در سازماندهی و ارتقاء مبارزات کارگری با بدهطور جدی بآنها متکی گردند.

سوال: اگر ممکن است در مورد طیف کارگران رادیکال و سوسیالیست در کردستان و رابطه آنها با کومه له بیشتر توضیح دهید. آیا با توجه به شرایط مساعد کنونی بردید سیاست سازماندهی ما در جنبش کارگری کردستان چه تغییری میکند و چه وظایفی در دستور کار ارگانهای مختلف تشکلات قرار میگیرد؟

جواب: در مورد قسمت اول سوال شما

پیشروی جنبش کارگری در کردستان

با پدیدگویی علمبرغم جوان بودن طبقه کارگر در کردستان و علمبرغم جوان بودن پیشروان و رهبران عملی این جنبش این طیف از کارگران پیشرو در کردستان اولاد در دل مبارزات و جنبش کارگری سالهای ۵۷ به بعد پدید آمده اند و با این نسل از پیشروان جنبش کارگری ایران مربوط می گردند. نا نیا از همان زمان با شعار و اهداف و پراتیک اجتماعی کومه له آشنا شده و به آن اعتماد پیدا کرده اند. حتی اگر بنا بر رابطه تشکیلاتی نداشته باشند، خود را طرفدار کومه له دانسته و شعارهای حزب کمونیست ایران را سرلوحه مبارزات جاری خود قرار میدهند. به علاوه بدلیل نفوذ اجتماعی کومه له و جلب اعتماد پیشروان کارگران با آن تفرقه و جدایی که بین گرایشات مختلف که در بقیه مناطق دیگر ایران بدلیل وجود سنت های کهنه از جمله توده ای و فدائیان و وجود اردو، در کردستان مطرح نیست. چون هما بطوریکه گفتیم طیف کارگران پیشرو عمدتاً و بطور اساسی از همان نسل ۵۷ به بعد جنبش کارگری ایرانند و هم در یک جنبش انقلابی زنده و در عمل سازمانها و گرایشات مختلف را تجربه کرده اند و در دوره «پراتیک بدرجه» زیادی به سازمان ما در کردستان اعتماد پیدا کرده اند که این وضعیت، بیشتر از جای دیگر به ما امکان میدهد که این طیف را سهلتر و وسیعتر متحد و متشکل سازیم و عناصر هر چه بیشتر آنها را جذب حزب نمائیم.

اما در مورد قسمت دوم سئوالتان «سیاست سازماندهی ما در جنبش کارگری یکسان است و این عوامل مسا عد و خصوصیات که در مورد جنبش کارگری کردستان اسم بردم تنها اجرای این سیاست را تسهیل می نماید و اشبات نظرات ما در مورد مبارزات کمونیسم کارگری و اجتماعی را بیان می نماید. و تغییر خاصی در سیاست سازماندهی ما در جنبش کارگری را طلب نمیکند. در مورد سازماندهی حزبی نیز سیاست ما کاملاً همان اصل سازماندهی منفصل و جدائی تشکیلات مخفی از تشکیلات علنی است چون تغییر این سیاست به عوامل پدیدارتری بستگی دارد از قبیل تغییر توازن قوای مناسب بین کارگران و سرمایه داران و ما بین انقلاب و

فدا انقلاب، بطوریکه مکانات سازماندهی تشکیلات متمرکز فرا هم گرد و داده کاری آن تضمین شود. همچنین جا انداختن سنت های سبک کار کمونیستی و با آوردن فعالیت و کار در راهی در محل کار روزیست کارگران کسه تجربه و توان هدایت تشکیلات متمرکز را نیز داشته باشد از الزامات دیگر تغییر سیاست سازماندهی منفصل است. و هنوز توازن قوای بین رژیم و جنبش کارگری و انقلابی در کردستان در آن حدی نیست که ما سیاست خود را در این مورد تغییر دهیم. ولی لازم است متذکر گردیم که شرایط کردستان و وضعیت جنبش کارگری از ما می طلبد که در عین حال با همه اشریت و نفوذ کومه له و با تمام توان ارگانهای مختلف تشکیلاتی جهت سازماندهی تقویت و گسترش جنبش کارگری دست بکار شویم ما در اینجا دارای تشکیلاتی علنی با نفوذ با کارهای ما حباب تورپته و شناخته شده برای مردم، نیروی مسلح سراسری و رادیکالی پر نفوذ هستیم. و طبعاً همه این ابزارها و ارگانهای تشکیلاتی را جهت هدایت و سازمان دادن جنبش کارگری با پدیدگاری گیریم. قطعاً تشکیلات مخفی یعنی تشکیلات محل کار روزیست نیز یکی از ابزارهای اساسی این امر است. استفاده از توان تشکیلات علنی و تورپته عمومی کومه له، مکانات و ادما کاری و گسترش تشکیلات مخفی در میان کارگران را نیز چندین برابر سهولتری نماید که این امتیازات را ما در دیگر نقاط ایران هنوز نداریم. در نتیجه هدایت و سازماندهی تشکل کارگران یعنی شکل غیر حزبی کارگران و به ویژه طیف کارگران رادیکال و سوسیالیست با پدید آوردن به همراه ارگانهای حزبی مبدل گرد و در عین حال این ارگانها برای هر چه دقیق تر و سنجیده تر پیش بردن این امر با هم هماهنگ گردند. تا بتوانیم در ابعادی گسترده تر بر جنبش کارگری تا شریکداریم.

سئوال: در یکسال اخیر اخبار زیادی از اعتراضات توده ای از رادیکالیتهای ما منعکس گردیده است. به عنوان مثال در اردیبهشت از وضعیت عمومی جنبش توده ای در کردستان به چه نکاتی انگشت گذاشت؟
جواب: همانطور که میدانید پس از یورشهای وسیع جمهوری اسلامی به مردم کردستان و مناطق آزاد شده و برپا کردن جو ارباب و کشتار و عقب نشینی نیروی پیشمرگ

از مناطق آزاد و هم بدلیل سازمان نیافتگی جنبش توده ای، یکدوره عقب نشینی به این جنبش تحمیل گردید و در دو سه سال اخیر، ما نا هداغاً از مرحله دیگری از جنبش توده ای در کردستان هستیم که پس از یک دوره افسوس و عقب نشینی، ما منافع اعتراضی و مقاومت در مقابل سیاست های رژیم و ارگانهای سرکوبگرش گسترش یافته است. علمبرغم اینکه کردستان به تمامی میلیتها ریزه شده است. بطور اخص در یکسال اخیر و لامبارزات توده ای خلعت تعرضی تری به نسبت قبل پیدا کرده اند. نا نیا همزمان با اینکه بر علیه سیاست های ارتجاعی رژیم، مردم فعال بوده اند، در همان حال مطالبه و شعارهای رانیز در مبارزات خود در مواردی طرح کرده اند. به لحاظ دامنه و وسعت نیز میتوان گفت همه شهرها و روستاهای کردستان را هر چند غیر همزمان و یکدست، دربر گرفته است. بطور مختصر تغییرات و پیشرفت های دوره اخیر جنبش عمومی توده ای کردستان کاملاً مشهود است!

اولاً بطور عملی این مبارزات به لحاظ شعار و مطالبه در هر مبارزه مشخصی یکسان هستند و از این نظر خلعت مشترک و سراسری پیدا کرده اند. نا نیا شعارهای حزب کمونیست اساساً هدایت کننده مبارزات توده ای در این دوره بوده اند و به شعار این مبارزات تبدیل شده اند. یعنی میتوان گفت این اعتراضات عمدتاً با شعارهای ما تدا می میشوند. نا نیا ترکیب طبقاتی شرکت کنندگان در مبارزات عمومی نیز تغییرات جدی ای نموده است. در این دوره کارگران و زحمتکشان وسیع ترین طیف معترضین را در جنبش عمومی نیز تشکیل داده اند و هم رادیکالترین طیف مبارزات عمومی نیز بوده اند و نتایج آن بر رادیکالیسم جنبش عمومی نیز تا شرفراوانی داشته اند مثلاً رژیم پارسال فشار رشیدی برای سر بازگیری آورد، میتوانیم بگویم خرد - بورژوازی تقریباً تا حد زیادی تمکین کرد اما کارگران و زحمتکشان شهر و روستا بیشترین مقاومت را از خود نشان دادند. اینها نقاط قوت و پیشروی توده ای در این دوره هستند میتوان این پیشرویها را اساسی ترین عامل وزمینة تشکل یابی این مبارزات نامید. ولی هنوز مبارزات توده ای از پراکنندگی و ضعف سازمان یابی رنج میبرد، که آنهم

بقیه در صفحه ۳۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری

اخبار کارگری

مبارزه هزاران کارگر کفش ملی در اعتراض به افزایش ساعات کار

در برابر اقدام مدیریت کفش ملی برای به اجرا گذاشتن روزانه کار ۱۰/۵ ساعته، هزاران کارگر در کارخانه‌های این مجتمع در پایان روزانه کار عادی دست از کار کشیدند و علیه افزایش ساعات کار به اعتراض ایستادند!

در روزهای نهم و دهم خرداد کارگران پس از خواباندن کار در ساعت ۲ بعد از ظهر به برپائی اجتماع دست به راهپیمائی و تظاهرات زدند!

تعدادی از کارگران کفش ملی دستگیر و بازداشت شده‌اند و مدیریت درصدی اخراج گروه بیشتری از کارگران است.

آغاز میشود.

صبح روز نهم خرداد یعنی اولین روز جاری ساعات کار جدید، زنجانئی نماینده دادستانی رژیم اسلامی و مدیر مجتمع کفش ملی، برای به تسلیم کشیدن کارگران در مقابل افزایش ساعات کار به کارخانه‌ها می‌روند و یک سخنرانی ترتیب می‌دهد. این سخنرانی توسط کارگران کارخانه‌ها هدایت می‌شود. ظهر این روز نیز کارگران با تحریم ساعات جدید صرف غذا، از خوردن ناهار خودداری میکنند و در ساعت ۲ بعد از ظهر طبق معمول روزانه دست از کار می‌کشند. کارگران شاهد پس از تعطیل کردن کار، در محوطه گروه اجتماع میکنند و سپس برای دعوت دیگر کارگران کارخانه‌های مجتمع به تعطیلی کار به طرف شرکت فارس حرکت میکنند. با پیوستن کارگران فارس به این حرکت اعتراضی علیه افزایش ساعات کار، اجتماع

مدیریت مجتمع کفش ملی با صدور اطلاعیه‌ای ساعات کار کارگران در این مجتمع را برای دوره ۹ خرداد تا ۳۱ شهریور به ۱۰/۵ ساعت در روز افزایش میدهد. به علل کمبود مواد و مشکلات که بخاطر جنگ و سیاستهای رژیم اسلامی گریبانگیر بسیاری کارخانه‌ها و مراکز تولیدی است، ساعات تولید در کارخانه‌های کفش ملی از جمله طی ماه رمضان تا حد معینی کاهش یافته بود و مدیریت بهانه افزایش ساعات کار را جبران کم‌کاری گذشته کارخانه‌ها اعلام میکند.

مدیریت همراه با به اجرا گذاشتن روزانه کار ۱۰/۵ ساعته از نهم خرداد ماه، ساعات صرف صبحانه و غذا را هم عوض میکند. مبارزه کارگران برای دفاع از روز کار ۸ ساعته و جلوگیری از افزایش ساعات کار از یکسوی و تحریم ساعات جدید صرف صبحانه و غذا و از سوی دیگر، اقدام به تعطیلی کار در ساعات ۲ یعنی ساعات خاتمه روزانه کار معمول

یک توضیح مختصر

ضمن پوزش از تاخیر چند ماهه‌ای که در انتشار نشریه کمونیست پیش آمده است، لازم است اینجا اشاره کنیم که در این شماره سعی کرده‌ایم تمام اخباری را که طی این دوره بدستمان رسیده است منعکس کنیم. علت حذف شدن خبرهای قدیمی این بوده است که توالی و پیوستگی خبرها، سوییژه برای کسانی که از این نشریه بعنوان یک منبع خبری استفاده میکنند، حفظ گردد. در عین حال کوشیده‌ایم تا صفحات خبری منتشره درجه خلاصه و به ذکر اهم اخبار محدود شود.

چا دارد اضافه کنیم که برای جلوگیری از حجیم شدن بیش از اندازه این شماره، صفحه "از میان نامه‌های رسیده" را استثنائاً حذف کرده‌ایم.

مبارزه برای دریافتی‌های سالانه

بخشهایی از دستمزدها کارگران بطور سالانه غالباً در پایان سال پرداخت میگردد. اسم این دریا فتهایا کارکنان و دولت عیدی، "پاداش"، "حق بهره‌وری" و اساسی دیگری از این قبیل میگذارد تا زدن سروسه ن برایشان آسانتر باشد و مشروع جلوه کند. ما میزان این اجزاء سالانه دستمزدها عملاً با مبارزه کارگران و هر ساله بر حسب توازن قوا شخصی میشود و ما آخر سال برای کارگران معمولاً ماه مبارزه برای دریافت این اجزاء دستمزدها است.

کارخانه لنت ترمز

اعتراضات کارگران این کارخانه برای دریافتی پایان سال بطور پراکنده از بهمن ماه آغاز و روز ۱۲ اسفند به اقدام جمعی کارگران انجام میداد. در این روز کارگران پس از صرف صبحانه، سرکارهایشان نرفتند و در رستوران تجمع کردند. ابتدا بطور پراکنده و سپس بصورت دسته جمعی، شورای اسلامی کار را در مورد تکلیف عیدی سال ۶۶ مورد با درخواست قرار دادند و از شورای اسلامی خواستند در این باره توضیح دهد. تلاش رئیس شورای اسلامی برای منصرف کردن کارگران موثر نیافت و دو تجمع در رستوران همچنان ادامه یافت. کارگران در این تجمع اعلام کردند که تا زمانی که یکی از مدیران در مجمع آنان حاضر نشود و جوابگوی مطالبه آنان نباشد محل رستوران را ترک نخواهند کرد. قریب ۲ ساعت از تجمع کارگران میگذشت و خبری از مسئولین شرکت نبود. شورای اسلامی برای جلوگیری از گسترش اعتراض کارگران ناچار شد اعلام کند که هیچک از مسئولین، در شرکت حضور ندارند و وعده داده تا دوروز آینده، یعنی شنبه، پاسخ مدیرعامل را به اطلاع کارگران برسانند.

صبح روز ۱۶ اسفند، شورای اسلامی در مقابل تصمیم راسخ کارگران عقب نشینی کرد و در رستوران شرکت اعلام کرد که مبلغ هزار

اخبار کارگری

مبارزه برای دریافتی های سالانه

شومان در دونوبت، پیش از تعطیلات نوروزی، به کارگران پرداخت خواهد شد.

اعتصاب کارگران استارلایت

صبح روز ۲۶ اسفند سال گذشته کارگران استارلایت هنگامیکه در لیست حقوق خود، حق بهره‌وری سالانه را غایب دیدند متحدانست از کار کشیدند. مدیریت که احتمال چنین حرکتی را از جانب کارگران میداد، از پیش با غیبت و ترک کارخانه، تلاش داشت خود را از صحنه درگیری بدورنگهدارد.

اعتصاب کارگران از قسمتهای "بافندگی" و "اتوکاری" شروع شد و کارخانه بحالت نیمه تعطیل درآمد. کارگران اعتصابی زن و مرد در مقابل محل شورا و انجمن اسلامی اجتماع کردند و آن را مورد با زخواست قرار دادند. نهادهای اسلامی که اتحاد کارگران زن و مرد را مقابل خود میدیدند به این اسم که "خواهران با نا محرم کمپ نزنند" ابتدا پذیرفتند که حقوق کارگران زن سرپا پرداخت شود و سپس خود را ناچار دیدند که پرداخت حقوق کارگران مرد را نیز بپذیرند.

ظهر، اجتماع کارگران با دریافت حقی بهره‌وری تعیین شده از سوی کارفرما متفرق شد. اما فضای اعتراض به کمی این مبلغ که نسبت به میزان پولی سال گذشته نیز کاهش یافته بود موجب شد که در بعد از ظهر نیز کارگران دست کشیدن از کار را ادامه دهند. فردای روزا اعتصاب مدیریت با همکاری انجمن اسلامی تهدید و ارباب کارگران را آغا زکرد و از جمله مانع ورود چند تن از کارگران به کارخانه شد و تهدید کرد که آنها را به جرم آشوب در کارخانه تحویل مقامات قضائی میدهد. این کارگران با دادن تعهد به سرکار برگشتند. اما پس از تعطیلات نوروزی و در روز ۱۶ فروردین، ۲ نفر از کارگران کتبا اخراج شدند و تعدادی نیز به مدت ۲ هفته تعلیق شدند. مدیریت جرم آنان را "استفاده از

مبارزه هزاران کارگر کفش ملی

کارگران با شعار "ساعات کار ۶ تا ۲" و به شکل پیکتهای اعتصابی در خبا بنهای مجتمع به راهپیمائی میبردند و کارگران دیگر کارخانه‌ها را به تعطیلی دعوت می‌کنند. به این ترتیب تا ساعت ۳/۴۵ دقیقه بعد از ظهر، بجز یک کارخانه، کاردر تمامی کارخانه‌ها متوقف می‌شود و کارگران در صفوفی چند هزار نفره علیه افزایش ساعات کار دست به راهپیمائی و نظارات می‌زنند. صفوف کارگران در مقابل ساختمان مرکزی مجتمع اجتماع می‌کنند و ساختمان مرکزی به اشغال کارگران درمی‌آید. روز دهم خرداد، علاوه بر کارگران شاهد، کارگران فارس و آزاده نیز ساعات جدید صرف صبحانه و غذا را تحریم می‌کنند و در ساعت ۲ بعد از ظهر با اقدام متحد کارگران، کار در کارخانه‌های مجتمع متوقف می‌گردد. در این روز نیز کارگران پس از متوقف کردن کار، اجتماع می‌کنند و حرکت خود را تا ساعت ۳/۵ بعد از ظهر به راهپیمائی در خبا بنهای مجتمع ادامه می‌دهند. در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر اجتماع کارگران از محوطه کارخانه‌ها بیرون می‌آید و با ورود به جاده کرج نظارات خود را با شعارهای مبنی بر دفاع از روزانه کار ۸ ساعته و محکوم کردن مدیریت کفش ملی ادامه می‌دهد. ضمن نظارات کارگران در جاده کرج، لاستیکی آتش زده می‌شود و کارگران با خطاب قرار دادن عابریین خواست و مبارزه خود را به اطلاع عموم می‌رسانند. پس از حدود یک ساعت اجتماع در مسیر جاده کرج، صفوف کارگران دوباره وارد محوطه مجتمع کفش ملی می‌شود. نمایندگان مدیریت و عناصر انجمن‌ها و شورا های اسلامی در برابر اجتماع کارگران ظاهر می‌شوند. نمایندگان و عاملین سرما به ژست سازش جویانه‌ای بخود گرفته‌اند، اما در برابر تقوای آنان برای به تسلیم و داشتن کارگران، اجتماع کارگران با دادن شعار و اعتراض بر لفظ افزایش ساعات کار پافشاری می‌کنند. نمایندگان سرما به ناگزیر از اعلام یک عقب نشینی موقت می‌شوند. به نوبت از آنها آخوند جماعت اعلام می‌کند که یک هفته دیگر، یعنی تا شانزدهم خرداد ساعات کار طبق

روال عادی قبل خواهد بود و طی این مدت هر سرفزایش ساعات کار توافق خواهد شد.

در صبح این روزا در کار کرج طبق بخشنامه‌ای پیشنهادی مذاکره داده بود و خواسته بود که مذاکرات تحت نظر وزارت کار به جمعی مرکب از هیئت مدیره و نمایندگان از کارگران که مورد تأیید انجمن اسلامی باشند سپرده شود. روز ۱۳ خرداد اطلاعیه دیگری از طرف وزارت کار از کارگران می‌خواست نمایندگان را با تأیید انجمن اسلامی برای مذاکره با مدیریت معرفی کنند. کارگران کفش ملی بخاطر نداشتن آمار دگی، عدم سازمان یافتگی کافی در مبارزه شان و نداشتن مجامع عمومی که خواست و اراده آنها را متحد به پیش ببرد، نه توانستند بطور کامل با پافشاری بر لفظی چون و چرای افزایش ساعات کار مذاکرات را تحریم کنند و نه آنکه بطور سازمان یافته و حساب شده‌ای وارد میدان مذاکره شوند. در نتیجه میدان مذاکره تنها ما به اختیار نمایندگان سرما به در آمد تا آنرا برای درهم شکستن حرکت اعتراضی هزاران کارگر و رسمیت دادن به افزایش ساعات کار مورد استفاده قرار دهند.

در شب مجامع عمومی و سخن گویانی که اتحاد و حسابرسی توده کارگران را پشت سر خود داشته‌باشند، علیرغم مخالفت عمومی کارگران، تعدادی را بعنوان نماینده بر کارگران تحمیل کرد و باقی نیز بدون نیروی متحد و متشکل کارگران عملاً دست و پای خود را در مذاکرات بسته یافتند. اول نتیجه این مذاکرات که هزاران کارگر معترض از دخالت و اعمال اراده در آن محروم شده بودند، چنین اعلام شد: ساعات کار ۹ ساعت و ربع یعنی از یک ربع به ۶ تا ۳ بعد از ظهر خواهد بود و این توافق طبق بخشنامه‌ای در روز هجدهم خرداد رسمی خواهد شد. اما قبل از این تاریخ، مدیریت که شرایط را مساعد یافته بود، دور دیگری را برای مذاکره ترتیب داد. در آخرین ساعات کار روز هجدهم خرداد جلسه مذاکرات اینها را شرکت نماینده سازمان صنایع ملی فرا خوانده شد

قدرت طبقه کارگر در تشکل اوست

اخبار کارگری

مبارزه برای دریافتی های سالانه

بوقیعت آشفته و تحریک کارگران "ا" اعلام کرد. خبراخراج، سرپما درمیان کیا رگبران کارخانه پخت شد. ولی عدم آما دگی و ترس از اخراج و بیکاری کارگران مانع از آن شد که کارگران بتوانند برای بازگیزاندن همکاران اخراجی خود دست به اقدامی جمعی بزنند.

کارخانه ۶ سا پیا

میزان "حق بهره‌وری" در این کارخانه بیلا رقمی حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان بوده است. اما امسال از حق بهره‌وری خبیری نخواهد بود. مبارزه کارگران برای دریافت این حقوق ۲ ماه بطول می‌انجامد و طی آن دیرعامل با رها در جمع کارگران مورد مواخذه قرار میگیرد. بالاخره در روزهای آخر اسفند موافقت میکنند که بطور علی الحساب مبلغ ۲ هزار تومان بحساب کارگران واریز شود و وعده میدهد که مابقی در شروع سال جدید به کارگران پرداخت شود.

بازخواست مدیریت در

کارخانه آردل

بدنبال چند ماه اعتراض پراکنده کارگران در مورد پرداخت حق بهره‌وری، کارگران با تشکیل یک اجتماع، مدیریت را برای پرداخت حق بهره‌وری مورد باخواست قرار دادند. مدیریت که از ترس بالا گرفتن خشم و اعتراض کارگران در اجتماع حاضر شده بود ابتدا مسئله جنگ و کمبود مواد اولیه را بهانه قرار داد و بالاخره در مقابل باخواست کارگران جواب داد که مسئله قطع حق بهره‌وری در دست آنها نیست و به سازمان صنایع مربوط میشود.

ماشین سازی تبریز

بنا به یک خبر مدیریت این کارخانه اعلام میکنند که بعلمت عدم سوددهی کارخانه، پرداخت ۸۵۰۰ تومان پاداش منتفی است. با

مبارزه هزاران کارگر کفش ملی

و نتیجه چنین اعلام شد: ساعت کار روزانه ۹/۵ ساعت، از ساعت یکریخ سه تا ۳ و ربع بعد از ظهر خواهد بود و برای هفته گذشته پول آنها پرداخت نخواهد شد. همراه با رسمیت دادن به افزایش ساعات کار از طریق مذاکرات، مدیریت کفش ملی با همراهی پنهان و آشکارشورها و انجمنهای اسلامی و دخالت مستقیم ارگانهای سرکوب رژیم - دادستانی مرکز، تلاش وسیعی را برای درهم شکستن اعتراض و روحیه مبارزه - جوشی کارگران آغاز کرد. شکردهای مدیریت به این منظور عبارت بود از: ترتیب دادن سخنرانیهای زنجاننی مدیرعامل و نماینده دادستانی در کارخانه‌های مختلف مجتمع برای تهدید و مرعوب کردن کارگران؛ مستقر کردن یک شعبه دادستانی مرکز در مجتمع کفش ملی برای پیگرد و بازجویی؛ احضار و دستگیری شماری از کارگران توسط دادستانی اوین و بالاخره دست زدن بیک رشته اخراج.

مقاومت و مبارزه اعتراضی کارگران از روز ۱۱ خرداد به بعد عمدتاً بشکل تحریم ساعات جدید صبحانه و غذا ادامه یافت. از روز یازدهم علی‌رغم اینکه برای مدت یک هفته ساعات کار طبق روال ۸ ساعت معمول اعلام شده بود، مدیریت همچنان زمان صبحانه و غذا را بنا به روزگار ۱۰/۵ ساعته به اجراء درمی‌آورد. روز یازدهم زمان صبحانه ساعت ۷ صبح اعلام شد و گفته شد در غیر این ساعت صبحانه داده نخواهد شد. بسیاری از کارگران از رفتن برای صبحانه خودداری کردند و ساعت ۸/۴۰، زمان معمول صبحانه در مقابل رستوران اجتماع کردند. مدیریت در بسیاری از کارخانه‌ها ناچار شد که به راه جمعی کارگران گزیدن بگذارد. در روزهای انجام مذاکرات، بویژه روزهای ۱۶ و ۱۷ خرداد، درگیری بر سر زمان غذا و سمت بیشتری داشت. مخالفت و تحریم ساعات جدید، برای همه کارگران به معنای اعلام مخالفت با افزایش ساعات کار بود. در روز ۱۶ خرداد، در شرکت فارس ساعت ۷/۵ زنگ صبحانه به صدا درآمد، کسی بمدای زنگ پاسخ نداد. ساعت ۸/۵ مجدداً زنگ زده شد، اینبار رضیبهی جواب ماند. ساعت ۹ کارگران با نظم به طرف رستوران

حرکت کردند. در مقابل اظهار کارگری مبنی بر اینکه صبحانه داده نمی‌شود، کارگران اعلام کردند که تا ظهر در رستوران خواهند ماند. کارگری مجبور به لغو دستور خود شد. در روز ۱۷ خرداد مدیریت کارخانه شاهد ناچار شد که دستور بدهد زنگ صبحانه را ساعت ۹ به صدا درآورند.

پس از اعلام رسمی نتایج آخرین دور مذاکرات، کارگران کفش ملی مخالفتشان را با نتایج مذاکرات و رسمیت یافتن افزایش ساعات کارتها از طریق تحریم ویر هم زدن سخنرانیهای زنجاننی توانستند به نمایش بگذارند. روزهای ۱۹ و ۲۰ خرداد، زنجاننی در معیت اسکورت و نگهبانسی، سخنرانیهای بدون اطلاع قبلی در کارخانه‌های مختلف ترتیب میداد که در برخی کارخانه‌ها با شعارهای مرگ بر زنجاننی، مانند شرکت فارس، و با تبدیل سخنراننی به محل ابراز اعتراض کارگران، مانند شرکت پویا روبرو شد. پس از دستگیری و بازداشت تعدادی از کارگران در روزهای آخر خرداد، کارگران کارخانه پویا تلاش کردند که مبارزه متقابل را برای آزادی دستگیرشدگان و علیه شرایط پلیسی سازمان دهند. کارگران پویا در ۲ تیر ماه به یک اعتصاب یکروزه دست زدند. در روز این اعتصاب، کارفرما با همدستی سرپرستان و عناصر شورا و انجمن اسلامی کنترل وسیعی را در سطح مجتمع ایجاد کرد. در میان تک و تالی عناصر انجمن و شورای اسلامی، سرپرستان برای کنترل کارگران در پای ماشینها حاضر شدند، خطوط تلفنی در سطح مجتمع قطع شد و به این ترتیب با جلوگیری از ارتباط و تجمع کارگران، امکان گسترش اعتصاب سلب شد.

بنا به آخرین خبرها، علاوه بر بازجویی، دستگیری و بازداشت شماری از کارگران، مدیریت کفش ملی یک رشته اخراج را نیز از اوایل تیرماه آغاز میکند و حدود ۳۰ نفر از چند شرکت گروه، مانند پویا، صنعتی، کاشوچوک، شاهد و چکمه ملی اخراج شده‌اند.

مبارزه کارگران کفش ملی در پاسخ به هجوم کارفرما، با وجود آغاز شورانگیز

۶ ساعت کار و دو روز تعطیلی متوالی در هفته خواست کارگران است

اخبار کارگری

مبارزه برای دریافتی های سالانه

اعتراضات و تجمع کارگران مدیریت و اداره عقب نشینی میشود و تعهد میکند که پاداش پرداخت شود.

کارخانه فیلیپس:

توقف کار، بازخواست مدیریت در مجمع عمومی و تحصن

کارگران فیلیپس در روز سوم اسفند، پس از چند بار مراجعات جمعی به کارفرما، مجمع عمومی خود را تشکیل دادند و با احترام مدیریت به مجمع عمومی رسا او را برای پرداخت دریافتی پایان سال و میلی که چند ماه قبل از دستمزدها کم شده بود مورد بازخواست قرار دادند. مجمع عمومی در این روز بدون نتیجه پایان یافت.

در روز ۱۹ اسفند کارگران در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان به مدت نیم ساعت در سالن غذاخوری تحصن میکنند و پس از پایان ساعت کار، اعتراض خود را با اجتماع در مقابل دفتر مدیریت ادامه میدهند. یکی از اعضای شورای اسلامی از جانب مدیریت وعده میدهد که بجای ۴۰۰ تومان طلب کارگران و یک دستگاه تلویزیون که همه ساله به عنوان دریافتی آخر سال به کارگران داده میشد، ۱۰ کیلو برنج و ۳ کیلو روغن در اختیار کارگران قرار خواهد گرفت. کارگران در اعتراض به اتاق مدیریت وارد میشوند (و از اتاق بیرون میروند) و سپس با مانع شدن از حرکت سرویسها، اجتماع اعتراضی خود را تا ساعت ۳/۲۵ بعد از ظهر ادامه میدهند. روز ۲۳ اسفند کارگران مجدداً حرکت اعتراضی خود را از سر میگیرند و در این روز تا ساعت ۹ صبح از شروع کار خودداری میکنند. این حرکت اعتراضی با وعده مجدد دادن برنج و روغن و حاضرین سداران به کارخانه خاتمه می یابد.



مبارزه هزاران کارگر کفش ملی

خود و حرکت هزاران کارگر در یک مبارزه واحد، در ادامه نمیتواند به اهداف خود برسد و کارگران کفش ملی بدون آنکه میتوانند پیشروی اولیه خود را تحکیم کنند، از مقابله با حملات بعدی نمایندگان سرمایه و رسمیت یافتن افزایش ساعات کار درمی مانند. با اینحال حرکت کارگران کفش ملی که پس از یک دوربیکا سازی ها و شدیدترین حملات دولت و کارفرما پایان علیه جنبش کارگری، هزاران کارگر را در مبارزه ای واحد به میدان آورد، بحق در همه محیطهای کارگری با شور و اشتیاق استقبال شد و کارگران این مبارزه را نشانه ای از شکل

گرفتن تصمیم و اراده مستحکمتر در صفوف طبقه تان برای مقابله ای متحد با پورشهای رژیم سرمایه یافتند. مبارزه کارگران کفش ملی، علیرغم آنکه در این وهله نتوانست به موفقیت دست یابد، مانند هر مبارزه مهم کارگری که هزاران کارگر را در مقابل رژیم سرمایه قرار میدهد، با نقاط قوت و ضعف خود درسهای برای مبارزات بعدی بر جا میگذارد که باید مورد توجه فعالین قرار گیرد. مبارزه کارگران کفش ملی چنانچه درسهای راهم با مطالبه خود و هم با نقاط ضعف و قوت شیوهها و اشکال سازمان-یابی اش به همراه آورده است.

آمادگی دفاع از کار ۸ ساعته، ضرورت اتکاء به مجمع عمومی و مجهز بودن در مقابل مذاکرات، درس های مبارزه کارگران کفش ملی است!

۸ ساعته، امری است که توده کارگران باید برای آن آماده و مجهز باشد و مبارزه کارگران کفش ملی با قوت و برجستگی آنرا اعلام کرده است.

سازمانیابی مبارزه کارگران کفش ملی مبارزه کارگران کفش ملی، کارگران چندین کارخانه مجتمع را در بر گرفت. مبارزه واحد کارگران چند کارخانه، در قبایس با مبارزات کارگری چند ساله که عموماً محدود به یک کارخانه و یا بخشی از یک کارخانه بوده است تجربه ای تازه است. کارگران کفش ملی در آغاز برای گسترش مبارزه اعتمادی خود به کارخانه های دیگر مجتمع، از شیوه ای استفاده کردند که در جنبش بین المللی کارگری به اسم پیکت شناخته میشود: حرکت بخش فعال اعتماد در دعوت کارگران دیگر بخشها برای پیوستن به اعتماد و مراقبت از تداوم اعتماد با طریق اجتماع گروههای از کارگران اعتمادی در مقابل کارخانهها و قسمتها. یقیناً استفاده از شیوه پیکت امری است که میبورد و باید در مبارزات کارگران ایران نیز رسم شود و لازمست که توده کارگران با دیگریند که این شیوه را سازمان یافته و موثر بکار بگیرند. اما آنچه در حرکت کارگران کفش ملی خود نمائی میکند، اینست که تجمع کارگران چه در سطح کارخانه های مختلف و چه در سطح کل مجتمع هر بار تبدیل به اجتماع

مطالبه مبارزه کارگران کفش ملی. مبارزه کارگران کفش ملی طرح و دفاع از مطالبه ای را پیش می کشد که در اوضاع کنونی بویژه، اهمیتی عملی و برجسته یافته است: دفاع از روزانه کار ۸ ساعته! جنگ و سیاستهای اقتصادی رژیم اسلامی با وجود آوردن مشکلات ارزی، کمبود مواد اولیه، فقدان اعتبارات و دلایل دیگری از این قبیل بسیاری از کارخانهها و مراکز تولیدی را از فعالیت عادی باز میدارد. دولت و سرمایه داران قادر به تهیه امکانات برای فعالیت عادی صنایع و کارخانهها نیستند و اینجا و آنجا ناچارند که ظرفیت تولید و گاه ساعات تولید کارخانه در روز را کاهش دهند. روشن است که در چنین موقعیتی با کاهش ساعات تولید سرمایه دار بخشی از منافعش را از دست میدهد. و اینهم، همانطور که مورد کفش ملی نشان داد، روشن است که به محض آنکه امکانات کافی به چنگ افتاد، برای جبران منافع از دست رفته در تلاش برای افزایش ساعات کار کارگر برمی آید. سرمایه از قبیل استثماری کارگر زندگی میکند و بالا بردن استثماری از طریق افزایش ساعات کارگر، اولین چیزی است که به فکر منفعت جوی هر سرمایه دار رخطور میکند. در این اوضاع مختل شدن تولید سرمایه داری در کشور و تکوتای دولت و سرمایه داران، دفاع از روزانه کار

اخبار کارگری

اخباری درباره تعاونی

سرقت در تعاونی های فیروزکوه و روغن نباتی جهان

هیئت مدیره مستعفی کارخانه شن و ماسه ریختهگری فیروزکوه موجودی نقدی تعاونی کارگران را سرقت کرد. این هیئت مدیره اوایل سال ۶۵ استعفا داد و تعاونی کارگران را با سرمایه ده هزار تومان تحویل داد. کارگران ۱۵۰ هزار تومان بابت سهام به تعاونی پول پرداخت کرده بودند و انتظار داشتند حداقل موجودی نقدی معادل بهای سهام، بدون سود، به آنها بازگردانده شود. کارگران خشمگین از این سرقت آشکار، اعتراض کردند و با ۱۷۰ امضاء بر علیه هیئت مدیره قبلی به دادگاه شکایت بردند.

دادگاه تشخیص داد که هیئت مدیره قبلی، ۷۰ هزار تومان از پول تعاونی را بسرقت برده است. هیئت مدیره تعاونی مصروف کارخانه روغن نباتی جهان، اوایل بهمن ماه سال گذشته اعلام کرد که ۲۱ هزار تومان از اموال تعاونی، یعنی ۴۵۰ کوپن روغن بسرقت رفته است. کارگران ادعای هیئت مدیره را نپذیرفته و اعلام کردند که از هنگامی که شرکت تعاونی توسط بنیاد مسکن اداره میشود، این سرقتها صورت میگردد و سرقت اخیر نیز توسط خود هیئت مدیره و شرکا پشان، صورت گرفته است.

ایجاد تعاونی ها وسیله ای است برای دسترسی به وسایل معیشت به قیمتی ارزانتر، اما برای آنکه تعاونی ها بتوانند این خدمت را به آنجا برسانند و برای آنکه محل اختلاس، سرقت و سودجویی و با دزدی از کارگران نشوند، لازم است که همه جا تعاونی ها تحت اداره و کنترل مجمع عمومی کارگران قرار بگیرد. هر جا که تعاونی ها وجود دارند و با تاسیس میشوند لازمست به توده کارگران عواقب عدم

آمادگی دفاع از کار ۸ ساعته

بی شکلی میشود که فادربه سازمان دادن مبارزه خودنیست. بجای بحث و تنظیم و اعلام روشن خواسته ها، بجای متحد شدن و تصمیم گیری اجتماع کارگران در چگونگی پیشبرد مبارزه، بجای گذاشتن قول و قرارها، روشن کردن چگونگی مواجهه با مدیریت و با تصمیم گیری و انتخاب راه برای آگاه کردن کارگران کارخانه های دیگر از مبارزه و جلب حمایت آنان، تمام انرژی اجتماع کارگران صرف راهپیمایی و تظاهرات میگردد. تجربه بارها نشان داده است و تجربه کارگران کفش ملی با ردیگر تا کید میکنند که تجمع کارگران بدون آنکه تمام هم و غم خود را در درجه اول صرف سازمانیابی خود و چند و چون پیشبرد مبارزه اش کند، هر چند هم که در لحظات حضور خود با تظاهرات راهپیمایی نمایندگان سرمایه راهبراس ببیند از دست، بالاخره مبارزه را به نوکران سرمایه و حیللهای آنان خواهد باخت. در کفش ملی نمایندگان سرمایه، نه از طریق هجوم به راهپیمایی و تظاهرات کارگران، بلکه در میدان مذاکره تحت اسم کارگران است که مقاصد خود را به پیش می برند.

مبارزات موفق کارگری در سه ساله اخیر، شیوه و ظرف لازم سازمانیابی مبارزه را معرفی کرده است: تبدیل هر تجمع اعتراضی کارگران به یک مجمع عمومی که در آن شرکت و دخالت متحدتوده کارگران در پیشبرد مبارزه تا میسر میگردد؛ خواست و مطالبه کارگران مریح و روشن تنظیم میگردد و به شکل قطعنامه اعلام میشود بنحوی که تک تک کارگران بتوانند بطور فورموله، روشن، بدون ابهام و متحد، الشکل از مطالبات مشترک خود دفاع کنند. در مورد چگونگی دنبال کردن خواسته ها با شرکت و دخالت توده کارگران تصمیم گیری میشود، سخنگویان اعتراض و خواسته های کارگران مشخص میشوند، در صورت لزوم با موریات و اختیارات آنان برای مذاکره و شکل گزارش دادن آنها به کارگران معین میگردد. کارگران ضمن معرفی نمایندگان منتخب خود با صدور قطعنامه ویژه ای حمایت بیدریغ و فعال خود را از نمایندگان خود، در مقابل هر نوع تهدید اعلام میکنند و... بی تردید این رسم سازمانیابی مبارزات

کارگری توسط مجمع عمومی، رسمی است که باید هر چه بیشتر ارتقاء یابد، همه جا معمول گردد و آنجا که کارگران چندین کارخانه قدم در مبارزه ای واحد می گذارند، تلاش شود که تجربیات و دستاوردهای غنی تری در زمینه ارتباط مجامع عمومی مجزا، مجمع عمومی واحد و هر جا که ممکن و ضروری است، ایجاد هیئتهای مشترک و واحدی از سازمان و با نمایندگان مجامع عمومی کارخانه های دخیل در اعتراض، به رسم و سنت مجمع عمومی افزوده شود. متأسفانه بخاطر ناآشنائی توده کارگران و نبودن آمادگی فعالین در ارتقاء به مجمع عمومی در یک مبارزه گسترده تر، در حرکت اخیر کفش ملی این شیوه سازمانیابی غایب است و تلاش چشمگیری هم برای بکار بستن آن مشهود نیست. از این رو مبارزه کارگران کفش ملی با وجود آنکه با نیرومندی و حرکت متحدتوده کارگران آغاز میشود به زحمت میتواند اهداف خود را پی بگیرد و در برابر شرکتهای نمایندگان سرمایه از دست یافتن به یک توفیق جدی در اهداف خود در میماند. بجاست که این درسهای مبارزه هزاران کارگر کفش ملی را یکبار ردیگر بطور خلاصه تا کید کنیم.

اول) توده کارگران برای دفاع از روزانه کار ۸ ساعته باید مجهز و آماده باشد. کارگران باید بدانند در هجوم وحشیانه دولت و کارفرمایان علیه جنبش کارگری، این دستاورد قانونیت یافته کارگران نیز مضمون نیست.

دوم) باید کوشید که هر تجمع اعتراضی کارگران تبدیل به یک مجمع عمومی شود و مبارزه نقشه مند توده کارگران از طریق مجمع عمومی سازمان یابد. دست زدن به تظاهرات و راهپیمایی تنها در مرحله اولیه بسیج و جلب حمایت همه کارگران مفید واقع میشود. بدون سازمانیابی و اتحاد توده کارگران در پیشبرد و تداوم مبارزه، نمیتوان صرفاً به تظاهرات و راهپیمایی اکتفا کرد. شیوه های مبارزه کارگری در اساس با دخالت فعال و متشکل کارگران در تداوم مبارزه کارگران مشخص میشود. همه مبارزات دسته جمعی ابتدا با همصدائی و تجمع کارگران آغاز

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم!

اخبار کارگری

اخباری درباره تعاونی

کنترلشان را با دآوری کنیم تا سوءاستفاده‌های موجود نتوانند موجب سرخوردگی آنها از همکاری و مشارکت با یکدیگر شود. از کارگران بخواهیم که اداره تعاونی را تنها به هیئت مدیره منتخب خود بسپارند، برای اداره تعاونی مقرارت ویژه‌ای را بتصویب برسانند و در مجامع عمومی خود مرتباً از هیئت مدیره حسابرسی کنند.

کارگران سودتعاونی را برای کمک به خانواده و همکار خود اختصاص دادند.

اواخر فروردین ماه هیئت مدیره تعاونی مصرف شرکت آردل از کارگران خواست که جهت بررسی سودسالیانه کارخانه در مجمع عمومی تعاونی شرکت کنند. ابتدا مدیر تعاونی از کم شدن سود تعاونی داد سخن سرد داد و سپس اضافه کرد که سود موجود را به نسبت سرما به اعضای تعاونی تقسیم میکنند. وی با لاف زدن به کارگران پیشنهاد نمود که سود سال گذشته را نیز که در تعاونی موجود است کارگران به جیبه‌ها کمک کنند و کسانی که موافق هستند دستشان را بالا ببرند. به جز ۲ تا ۳ نفر از انجمنی‌ها هیچکدام از کارگران دست خود را بالا نبردند.

یکی از کارگران بعنوان اعتراض بلند شد و جواب داد: "مگر زور داری، دلمسان نمیخواهد".

به این ترتیب مدیر تعاونی موفق به جکیری از کارگران برای جیبه‌های جنگ نشد و بجای آن کارگران توافق کردند که این پول را برای کمک به خانواده ۲ تن از کارگران بدهند.

رادیاتور ایران:

تحریم انتخابات فرمایشی

انتخابات هیات مدیره تعاونی مصرف در کارخانه رادیاتور ایران اوایل خرداد ماه توسط نهادها و ارگانهای سرما به چون انجمن اسلامی، شورای اسلامی، مدیریت و وزارت کار ترتیب یافت. کاندیدها از پیش توسط آنها دست چین شدند. عکس کاندیدها به تابلو

آمادگی دفاع از کار ۸ ساعته

می‌شود. آنچه برای تداوم و استمرار مبارزه‌های است این است که این حرکت دسته جمعی در هر قدم بتواند تعهدات و مسئولیت‌های مشخص تک تک شرکت کنندگان را تعیین تر نماید و همه آنها را تا رسیدن به انتهای متعهد نگهدارد. مجمع عمومی ظرفی است که این امکان را بخوبی برای رهبران عملی و سازمان دهندگان اعتراض فراهم میکند. باید برای آشنائی توده کارگران با این رسم و تبدیل کردن آن به یک سنت و ارتقاء آن در دل مبارزات و سمعتر کارگری فعالانه کوشید.

مبارزه کارگران کفش ملی یکبار دیگر تازید کرد که با پدیده مسئله مذاکره در مبارزات کارگری توجه جدی تری داشت. در اینجا جا دارد به یکی از ابتکارات موثر کارگران اروپای شرقی اشاره کنیم که میتوان برای غنشی سازی برتری نمایندگان

برای حفظ امکان دخالتگری توده معترض که قدرتش تنها با من پیشروی و پیروزی جنبش است ما نیز علاوه بر تشکیل مجمع عمومی و فورموله کردن خواست کارگران به شکل قطعنامه‌های روشن که در مذاکرات نیز مبنای حرکت نمایندگان کارگران باشد، علاوه بر تعهد گرفتن از توده کارگران در مجمع عمومی که نمایندگان خود را با جدیت از اخراج، دستگیری و مجازات محافظت کنند و علاوه بر آنکه نمایندگان خود را با علم و آگاهی بر توان و قدرت آنها در مجمع عمومی با رای خود انتخاب میکنند ما بیدخواهیم:

جلسات مذاکره نمایندگان کارگران و کارفرما در ساعات کار فرما در روزانه و در محوطه کارخانه برگزار شود. همه کارگران بهنگام مذاکره در محوطه کارخانه گرداگرد محل مذاکرات

جلسات مذاکره نمایندگان کارگران و کارفرما در ساعات کار روزانه و در محوطه کارخانه برگزار شود.
همه کارگران بهنگام مذاکره در محوطه کارخانه گرداگرد محل مذاکرات تجمع نمایند.
صحبت‌های جلسه بطور زنده از بلندگوهای محوطه برای استماع همه کارگران پخش شود.

تجمع نمایند.
صحبت‌های جلسه بطور زنده از بلندگوهای محوطه برای استماع همه کارگران پخش شود.

به این ترتیب بی آنکه توده کارگران به اتاق‌های مذاکره راه یافته باشند حاضر و ناظر بودن توده کارگران را در طول مذاکرات تأمین کرده ایم.

در خانه‌ها با ورود به کارگران مبارز و رزمندگان کارخانه‌های مجمع کفش ملی از همه آنها میخواهیم که برای آزاد کردن همزمان دستگیر شده و بسزاکا بر گرداندن رفقای اخراج شده خود دست از مبارزه برندارند. علاوه از همه کارگران در سراسر ایران میخواهیم که بطور جدی از مبارزه کارگران کفش ملی برای جلوگیری از افزایش ساعات کار و آزادی رفقای دستگیر شده حمایت کنند. کارگران پیشرو، رهبران عملی و سازمان دهندگان اعتراضات توده‌ای ما، ارزشمندترین داراییهای ما هستند که با پدیده‌های در تلاطم مبارزات همانند چشم خود از آنان محافظت کنیم.

سرما به بهنگام مذاکرات مفید و کارساز باشد. این ابتکار از این قرار است که کارگران خواسته‌اند صحبت‌های جلسه مذاکره نمایندگان دوطرف بطور زنده از بلندگوهای محوطه پخش شود تا توده کارگران اعتمادی بطور همزمان در جریان مذاکرات قرار بگیرند. ما همیشه بهنگام پیش آمدن مذاکره در متن یک اعتراض توده‌ای با یک مشکل جدی روبرو میشویم. از یکسود صورتیکه نمایندگان با حرارت و مطالب خواسته توده‌های خشمگین در جلسات مذاکره صحبت کنند، خطا اخراج، دستگیری و مجازات آنها را تهدید می‌کند و از سوی دیگر در صورتیکه بخواهند در چهارچوب انتظارات جلسه صحبت کنند در واقع مجبور به پشت پا زدن به خواست کارگران و نادیده گرفتن رادیاتور ایران خواهند شد. نتیجه اینست که تقریباً در همه موارد مذاکره منجر به توافقی بسیار شایسته تر از سطح خواسته‌ها و توقعات کارگران معترض و متحد شده در بیرون جلسه میگردد.

برای حفظ کردن بی‌ترسیری روحیه نمایندگان منتخب خود در طی مذاکرات و

اخبار کارگری

اخباری درباره تعاونی

اعلانات زده شد و اساساً انتخابات از طرف وزارت کار کرج برادر و دیوار نصب گردید. کارگران نسبت به دخالت انجمنی ها و شورا شبیه و ترکیب کاندیدا های معرفی شده اعتراض داشتند و کاندیدا های مستقل نیز بعنوان اعتراض خود را از انتخابات کنار کشیدند. کارگران در اعتراض به این امر با ریختن رای سفید به صندوقها، انتخابات را تحریم کردند.

اما در مقابل مدیریت و عناصر کارفرما با اقداماتی نظیر نوشتن اسامی کاندیدا های مورد نظر خود روی برگه انتخابات کارگران کم سواد توانستند با آراء قلیلی انتخابات را به نفع خود خاتمه دهند.

دیگر خبرها

ایندامین:

مبارزه برای تشکیل

مجمع عمومی

همانطور که در شماره پیش "کمونیست" با اطلاع رساندیم، از دیماه سال گذشته صبحانه کارگران، بدنبال صدور بخشنامه ای در مورد تغییر ساعات کار، قطع شد. زمان صرف صبحانه معمولاً یکی از فرصت هایی بود که کارگران ضمن آن مجمع عمومی شان را برگزار میکردند. مدیریت ایندامین به انحاء مختلف کوشیده است تا مانع برگزاری مجمع عمومی کارگران شود ولی تلاشهای او همگی با ناکامی روبرو شده است. اخیراً مدیریت رسماً اعلام نمود که "برگزاری مجمع عمومی از این پس مجاز نخواهد بود". اما علیرغم ممنوع اعلام شدن تشکیل مجمع عمومی از طرف مدیریت، کارگران ایندامین با اکتفا به نیروی متحد خود، بی اعتناء به دستور مدیریت همچنان مجمع عمومی خود را برگزار کرده اند.

بدنبال این مبارزات کارگران ایندامین، مدیران چارشد که برقراری صبحانه را مجدداً بهیچرود طبق خبر رسیده از نهم خرداد صبحانه دوباره معمول شده است ■

اول ماه مه سال ۶۶:

ابتکار کارگران در برگزاری مراسم مستقل کارگری

با افراشتن پرچم آزادی برابر حکومت کارگری

طبقه کارگران جای خود را در صفوف پیشرو طبقه کارگر جهانی باز خواهد کرد.

از پیام دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران بمناسبت اول ماه مه

آوری کردند و با تدارک برگزاری مراسم کارگری به استقبال این روز رفتند. طیف گسترده تری از کارگران و خانواده های کارگری نسبت به سالهای گذشته، در برگزاری این مراسم شرکت کردند و در تدارک این روز فعالیت نمودند. با توجه به اینکه امسال روز کارگر روز تعطیلی اکثر کارگران بود، بسیاری از آنها با برگزاری مراسم مستقل کارگری در اشکال مختلفی چون پخش و خرید شیرینی و گل و میوه، دورهم جمع شدن، نصب پلاکار و شعار نویسی، صحبت درباره اهمیت این روز و بحث در باره مسائل کارگری روز اتحاد طبقه کارگر را جشن گرفتند. معادف شدن با زده اردیبهشت با دوم رمضان ماه ممنوعیت خورد و خوراک نیز نتوانست مانعی جدی در مقابل برگزاری جشن کارگری بمناسبت این روز تبدیل شود.

پرچم سرخ

کارگران کشاورزی و رامین

کارگران کشاورزی و رامین: کارگران کشاورزی و رامین از سه روز پیش از اول می، پرچم سرخی که بر روی آن نوشته شده بود: "اول ماه مه روز جهانی کارگران و زحمتکشان تبریک میگوئیم" بر سر در محل کار نصب کردند.

کناره زاینده رود

صحنه جشن کارگران

اصفهان: در اصفهان ارگانهای سرکوبگر رژیم در هراس از برگزاری اول ماه می در ماه رمضان و نگران از بهریش خند گرفته شدن ممنوعیت خورد و خوراک توسط مردم از پیش

اول ماه مه سال ابتکار کارگران در برگزاری مراسم مستقل کارگری بود.

امسال روز جهانی کارگر با روز جمعه یعنی روز تعطیل بسیاری از کارخانه ها معادف شد. رژیم در این سال نیز تلاش کرد بهر طریق که شده از برگزاری مراسم مستقل کارگری بمناسبت روز جهانی کارگر معافیت بعمل آورد و از پیش تدارک این کار را دیده بود.

سیاست رژیم در مقابل با روز جهانی کارگر امسال، پرهیز از کشمکش و هیاهو و عقب نشینی از تاکتیک براه انداختن دستجات حزب الله بنام کارگران در روز کارگر بود. دولت امسال علناً و رسماً اعلام کرد که روز جهانی کارگر را به رسمیت می شناسد. معادف شدن روز جهانی کارگر با روز جمعه به جمهوری اسلامی این امکان را داد تا تلاش کند بدون آبرو ریزی و در سکوت از برگزاری مراسم دولتی بگذرد، بهیچ شکسته اسلام را در این روز نیافرازد و صرفاً به پخش چند پیام در نماز جمعه اش و با مشغول کردن خود به برگزاری "مراسم اعزام به جبهه ها" اکتفا کند و دل خوش دارد که متخفیر شدن کارگران در روز تعطیل این روز را در ذهن کارگران به فراموشی سپارد. کارگران ایران که سال گذشته را با بیکار شدن وسیع و فلاکت بی سابقه و تحمل مشقات بسیار پشت سر گذاشتند، امسال با برگزاری مراسم مستقل کارگری در بسیاری از کارخانجات و محله های کارگری، عزم خود را برای تحکیم اتحاد در میان خود و کارگران دیگر کشورهای جهان به نمایش گذاشتند.

کارگران پیشرو در بسیاری از کارخانه ها و محلات کارگری اهمیت و معنای طبقاتی این روز را به سایر همزنجیرانشان یاد

اخبار کارگری

مقاومت علیه بیکارسازی

در سیمان درود.

تیرماه سال گذشته با زخیرید کارگرانی که کمتر از ۲۰ سال سابقه کار دارند در کارخانه سیمان درود، طرح شد. طبق این طرح میبایست مبلغ ناچیزی به با زخیرید شده‌ها پرداخت شود و بدون هیچگونه حق و حقوق دیگری بیکار نشوند و حتی ورفته تا ششماه سابقه کار نیز به آنها داده نشود. کارگران متحداً در مقابل با جراد آمدن طرح بیکار سازیها در کارخانه شان اعتراض و مقاومت کردند و در جلساتی که با این منظور تشکیل دادند به نمایندگان شان اعلام کردند که زبیر با این طرح نخواهند رفت. ناکامی مسئولین در اجرای بیکار سازیها در این کارخانه، نیروهای سرکوبگر رژیم را برای دخالت مستقیم بمیدان آورد. تعدادی از کارگران دستگیر و عده دیگری اخراج شدند. دستگیرشدگان که از کارگران کارخانه سیمان شماره ۲ بودند، بمدت ۳ روز در زندان سپاه پاسداران درود حبس شدند و پس از خروج از زندان، تعدادی اخراج و تعدادی به سایر قسمتها انتقال یافتند. مسئولین قادر نگشتند که کارگران با سابقه را اخراج کنند و در مورد آنها به انتقال یافتن به سایر قسمتها، رضایت دادند.

تفرقه ملی مانع پیشبرد موفق

مبارزه شده است.

مبارزات کارگران "شرکت تاور" در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدها و بسدی شرایط کار، به دنبال رخ دادن حادثه‌های برای یکی از کارگران حین کار، حادثه‌دوبه اعتصابی دو روزه منجر گشت. این اعتصاب که میتوان آنرا اولین حرکت اعتراضی جمعی کارگران این شرکت محسوب کرد، به‌دو نتیجه خاتمه یافت.

فعالیت "شرکت تاور" که بل کثی برق فشارقوی است و کارگران آن عمدتاً عرب و لر هستند که متأسفانه تحت تا شهرت تبلیغات تفرقه افکنانه بورژوازی از دو دستگی در صفوفشان رنج می‌برند. برای مثال هریک تعاونی جداگانه‌ای دارند. حمله به سطح معیشت کارگران این شرکت به درجه‌ای است

اول ماه مه سال ۶۶:

خود را آماده کرده بودند تا مراقب باشند که آداب و رسوم مذهبی اکیدار رعایت شود. اما عرصه ۱۱ اردیبهشت مردمی که در کنار "زاینده رود" در پارک این منطقه به گردش آمده بودند تا همدقا بله، پاسداران سرمایه با اشرا ت برگزاری اول می توسط کارگران بودند. در این روزگوشه‌ای از پارک - نزدیک سیوسه پل - با سایر نقاط گردشگاه تفاوت چشمگیری داشت. چند پلاکاردها در رنگ با شاعرانه‌ای چون "گرامی با درو زجهانی کارگر"، "روزجهانی کارگر را به عموم کارگران ایران تبریک می‌گوئیم" و "۱۱ اردیبهشت با آوارا تحا دجهانی طبقه کارگراست" جلوه زیبا و باشکوهی به این قسمت پارک داده بود. این پلاکاردها از بعد از ظهر تا شب در این مکان نصب شده مانده بود و ارگانهای کنترل و پاسداران رژیم تا شب متوجه غیردولتی بودن این پلاکاردها نشده بودند تا اینکه ساعت ۸ شب چندا توموبیل کمیته بمقدمه محو کردن اشرا ت روزجهانی کارگر به این منطقه از پارک آمدند. اعتراض خانواده‌هایی که بطور اتفاقی کینا رهم بساط گسترده بودند موجب درگیری پاسداران با این خانواده‌ها شد و پاسداران تعدادی را دستگیر کردند. اعتراض گسترده‌ای که از میان جمعیت علیه این دستگیریها صورت گرفت موجب عقب نشینی پاسداران شد و دستگیرشدگان آزاد شدند. با افزایش تعداد پاسداران و "حزب الهی"ها "سرانجام پلاکاردهای غیر دولتی در بزرگداشت روز کارگر پاشین کشیده شد. پاسداران ضمن پاشین کشیدن پلاکاردها به درجه‌ای گنج و منگ شده بودند که تعدادی از پلاکاردهای دولتی چون "حق تعالی مبداء کار است" راهم که متعلق به "خانه کارگر" این نهاد دولتی ضد کارگری بود پاشین کشیدند. این امر موجب اختلافاتی در میان نهادهای رژیم گردید و "خانه کارگر" امفهان به کمیته این شهر، علیه این اقدام شکایت برد.

نازیاف: تحریم مراسم کارفرما

و جشن مستقل کارگران

نازیاف: در کارخانه رهنمندی "نازیاف" کارفرما هر ساله روز کارگر در میان کارگران شیرینی پخش میکرد. امسال کارگران تصمیم گرفتند برناما و شیرینی مدیریت بمناسبت روز کارگر را تحریم کنند و

خود مراسم شان را برگزار کنند. به دنبال این تصمیم، کارگران روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت با خرید شیرینی و بستنی و توزیع آن در میان خود اول می را جشن گرفتند. در این روز کارفرما چندین با افرادی را بمیسان کارگران میفرستد تا آنها را راضی کنند که پول شیرینی و بستنی مدیریت را قبول کنند. کارگران که با فریبکاری مدیران و کارفرمایان در اینگونه موا ردا آشنا بند "صدقه" آنها را رد میکنند و مانع از آن میشوند که سرما به داران بتوانند با تکیه زدن بر فقر و فلاکتی که گریبان کارگران را گرفته است، با پرداخت پول روز کارگر را از محتوا تهی کنند. آنها استدلالشان در رد کردن صدقه کارفرما این بود که: این روز روز ما است نه روزا تحا دکارگر و کارفرما. امروز روزا تحاد کارگران بر علیه سرما به داران است.

پروقیل نیمه سیک: جشن اول ماه می در این کارخانه امسال نسبت به سالهای گذشته با استقبال بیشتری از جانب کارگران روبه رو شد. اکثر کارگران با شرکت در پرداخت پول جهت خرید شیرینی حمایتشان را از روزجهانی نشان دادند. اول می در پروقیل نیمه سیک ۹ اردیبهشت برگزار شد و کارگران این روز را در محل کار با پخش شیرینی و صحبت در باره روز کارگر جشن گرفتند.

خبری از یک نمونه جشن

کارگران ساختمانی

تعدادی از کارگران ساختمانی اول ماه می را عصر این روز، با تجمع، صرف شام، گرامی داشت یا دکارگران پیشرو و کمیونستهای جانبها خته، صحبت در باره این روز، و بحث در باره مسائل کارگری برگزار کردند.

تعدادی از کارگران ساختمانی از چند روز مانده به روزجهانی کارگر به پیشوا زاین روز رفتند و با یکا برناما میریزی و برگزاری این روز را بدست گرفتند. لیست کارگرانی که میبایست به این مراسم دعوت شوند تهیه شد و در مورد چگونگی برگزاری مراسم بحث و تبادل نظر بعمل آمد. ساختمان نیمه کاره‌ای - محل کار تعدادی از کارگران - بعنوان محل برگزاری مراسم انتخاب شد و تعدادی از کارگران این روز را بدست گرفتند. روز جمعه همچون سایر روزهای سال میتوان در روز کارگر کارگران ساختمانی باشد. یافتن کاربرای کارگران ساختمانی به درجه‌ای دشوار است که روز

اخبار کارگری

که برخی از کارگران حتی حقوق [دستمزدهای] ۵ ماه قبل خود را نیز دریافت نکرده اند. وجود اعتراض در میان کارگران علیه وضعیت دستمزدها و تبعیض افتادن پرداخت آن، زمینه‌ای بود که با سقوط یکی از کارگران از ارتفاع - حین کار - و اعتراض کارگران به بیمه نبودن کارگران مذکور به یک حرکت جمعی اعتراضی منجر شد. دور روزا عصاب و طرح مطالبات کارگران پها مداین حرکت خود بخودی بود.

چندی پیش یکی از کارگران این شرکت هنگام کار از ارتفاع سقوط کرد و از ناحیه سرمجروح گردید. کارگر مجروح توسط همکارانش به درمانگاه شرکت و از آنجا به بیمارستان منتقل شد. کارگران در بیمارستان اطلاع یافتند که کارگر مذکور بیمه نیست و شرکت ۸ - ۹ ماه به شرکت بیمه، حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده است. فردای این روز بسیاری از کارگران دست از کار کشیدند و مطالباتشان را که عبارت بود از: "۱- همه کارگران باید بیمه شوند. ۲- حقوقها بموقع پرداخت شود. ۳- حق سختی کارگران کارگران پرداخت شود" طرح کردند.

مدیریت برای اجرای مطالبات کارگران ۱۵ روز مهلت خواست اما عملاً با استفاده از تفرقه‌ای که بین کارگران وجود داشت و با تهدید کردن برخی از کارگران با نفوذ، تا چند ماه پس از اعتصاب وعده خود را عملی نکرده است و تا رسیدن خبر هنوز برخی از کارگران دستمزده ۵ ماه پیش خود را دریافت نکرده اند.

اعتراض کارگران پارس متال برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

مدیریت را عقب نشانند. اوایل سال جاری کارگران پارس متال با اعتراض به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل اعتراض کردند و از هر قسمت نماینده‌ای انتخاب و نزد مدیریت فرستادند. مدیریت در مذاکره با نمایندگان بهانه همیشگی، کمبود بودجه

اول ماه مه سال ۶۶:

تعطیل معنایی در این میان ندارد و روز جمعه هم روز کار است کارگران این روز را تعطیل نکردند زیرا خطرات دست دادن کار برای آنها بی‌گانه است. خطرات دیدن می‌کرد و جود داشت. پس مراسم عصر جمعه ۱۱ اردیبهشت برگزار شد تا رمضان هم بهانه‌ای برای دخالت نیروهای سرکوبگر رژیم نشود. بهر روز در این روز در ساعت مقرر حدود ۲۰ کارگر کارگاههای مختلف ساختمان‌های در محل برگزاری مراسم تجمع کردند. محل برگزاری مراسم از پیش توسط برگزارکنندگان "آب و جاروب" شده بود و با پوستروگل بنحویز با سی ترشین شده بود. مراسم ساعت ۶/۳ عصر با یک دقیقه سکوت به نشانه گرامی داشت کارگران پیشرو و کمونیستهای جا نباخته آغاز شد ابتدا چند کارگر در مورد تاریخچه روز کارگر، اهمیت این روز و جایگاه آن در مبارزات طبقه کارگر و همچنین درباره شعارهای بین المللی کارگران صحبت کردند. کارگر دیگری در مورد ضرورت اتحاد کارگران و نحوه متشکل شدنشان صحبت کرد. و مراسم با بحث پیرامون مسائل و مبارزات کارگری، تشکلهای کارگری، صرف ثواب و بالاخره پیمان بستن تک تک کارگران برای برگزاری جشن اول ماه مه سال بعد در هر جا که باشد، پایان یافت.

ماشین سازی تبریز:

کم کاری به نشانه اتحاد

در این کارخانه کارگران به نشانه اتحاد و گرامی داشت اول مه، روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت دست به کم کاری زدند. کم کاری از بخش تولید آغاز شد و در سایر بخشها به درجائی عملی گردید.

در مقابل این حرکت کارگران، بعد از تعطیل، روز شنبه کارفرما ۲ نفر کارگر را به جرم "ایجاد اختلال در میان کارگران مسلمان" ۱۵ روز تا یکماه تعلیق کرد. کارگران به محض اطلاع از اقدام مدیریت، با رهادر محیط کارخانه اجتماع کردند و در این اجتماعات با اعتراض به تعلیق همکاران خود، مدیریت و انجمن اسلامی را مورد بازخواست قرار دادند.

پارس الکتریک:

پارس الکتریک: کارگران این کارخانه ۸ اردیبهشت برای خرید شیرینی و گل پول جمع آوری کردند و روز کارگران ۹ اردیبهشت برگزار کردند. کارگران دو قسمت از کارخانه با بخش شیرینی و گل در قسمتهای خودشان و با بخش شیرینی و گل در قسمتهای کارخانه، برگزاری جشن را آغاز کردند. بدنبال این حرکت کارگران سایر قسمتها که می بینند همکارانشان گل و شیرینی به قسمت آنان آورده اند، همان روز تعدادی را برای خرید شیرینی و بستنی به خارج کارخانه فرستادند و آنان نیز به بخش شیرینی و بستنی و صحبت درباره روز جهانی کارگران، این روز را جشن گرفتند.

نمایش اتحاد کارگران در رادیاتور ایران

کارگران "رادیاتور ایران" نیز برای خنثی کردن موانع و سدهای اسلامی که در مقابل برگزاری روز جهانی کارگران قرار گرفته بود - تعطیل رسمی روز جمعه ۱۱ اردیبهشت و مساف شدن آن با رمضان - برگزاری این روز را ۲ روز جلو (پیش) انداختند.

انجمن اسلامی و مدیریت که سال گذشته شاهد برگزاری مراسم مستقل اول می توسط کارگران بودند اما سال خود را در رهت مدیریت برگزار کردند. جشن کارگران ظاهر کردند. کارگران "رادیاتور ایران" سال گذشته این روز را با جمع آوری پول و خرید شیرینی و توزیع آن جشن گرفتند. اما سال در "رادیاتور" دو مراسم جداگانه برگزار شد. جشن کارگران و مراسم انجمنی ها.

کارگران روز سه شنبه ۸ اردیبهشت با جمع آوری پول و خرید شیرینی و بستنی به استقبال اول ماه می رفتند هنگامیکه کارگران مشغول جمع آوری پول بودند یکی از افراد "شورای اسلامی" گفت: لازم نیست این کار را بکنید، مدیریت میخواهد خودش آنرا تقبل کند. کارگری در پاسخ گفت: این روز، روز کارگران است روز مدیریت نیست، ما احتیاج به صدقه نداریم.

روز چهارشنبه ساعت ۹ صبح در اکثر قسمتها

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

اخبار کارگری

را طرح کرد. نمایندگان کارگران رادرجریان مذاکره قرار دادند. سرانجام برافشاندن کارگران مدیریت ناچار شد اجرای طرح را بهذیردوا واخرا ردیبهشت ازجانب مدیریت اعلام شد که طرح طبقه بندی اجرا خواهد شد.

افسست تهران :

اعتراض علیه باج گیری جنگی

اول سال جدید یکی از سرکردگان رژیم سخنرانی درافت تهران برگزار کرد سخنران درباب برکت رمضان ولزوم کمک بیشتر کارگران به جبهه ها به مواعظ پرداخت کارگران که متاسفانه بدلیل عدم آما دگی به جلسه سخنرانی کشیده شده بودند، تلاش کردند جلسه سخنرانی را به محلی برای اعتراض علیه باج گیری جنگی تبدیل کنند. در این جلسه هر کارگری اعتراضی کرد و گوشه ای از زندگی مشقت بار خود را بازگو کرد. کارگران همچنین در این جلسه، اعتراضات به ۲۰۰ تومانی که مدت ها ست از حقوقها پشان برای کمک به جبهه ها کسر میشود را اعلام کردند.

مقاومت کارگران در مقابل

گسترش میلیتاریسم در کارخانه ها

همه چیز در اختیار جنگ ارتجاعی ایران و عراق، این شعار میلیتاریستی جمهوری اسلامی، کارگران رادرا کارخانه ها برای خدمت به جبهه ها تحت فشار ویژه ای قرار داده است. تبدیل نوع تولید کارخانجات به تولید تسلیحات تحت فشار قرار دادن کارگران جهت تمکین به بیگاری برای جنگ و جبهه ها، کسر دستمزدها و سرکشی کردن کارگران بخاطر جنگ، اعزام اجباری کارگران به جبهه ها و شرکت اجباری آنها در کلاسهای آموزش نظامی طرق پیشبرد سیاست میلیتاریستی جمهوری اسلامی در کارخانجات است.

در شرایطی که بیش از نیمی از بودجه کشور برای پاسخویی به نیازهای جنگ ارتجاعی ایران و عراق و حفظ ادا مکاری ما شیمن جنگی رژیم و قریب ۲۰ درصد آن جهت تامین هزینه ارگانهای سرکوبگری چون زندانها، دادگاهها کمیته ها و پاسدا رانش تخصیص یافته و بیش از

اول ماه مه سال ۶۶:

شیرینی و بستنی پخش شد. ساعتی به ساعت "شیرینی مدیریت" هم توزیع شد. ساعت ۱ بعد از ظهر این روز، سوت کارخانه بصدا در آمد و از بلندگوها اعلام شده که: انجمن اسلامی بمناسبت روز کارگرو شهادت مطهری، مراسم سخنرانی برگزار کرده "وا ز کارگران دعوت شد تا در این مراسم شرکت کنند عدم حضور و شرکت کارگران در سخنرانی ترتیب داده شده انجمن به درجه ای بود که انجمنی هانا چا شدند که ملتسانه ز کارگران بخوانند در مراسم شرکت کنند. آنها بمیان کارگران رفته - و می گفتند که: "ما این جشن را برای شما ترتیب داده ایم، چرا شرکت نمیکنید؟". کارگران اکثر آنها به درختهای محوطه کارخانه رابه شنیدن یا وه های سخنرانان رژیم ترجیح دادند.



اجتماعات بزرگ کارگری و وحشت رژیم

در اول ماه مه سنندج

اردیبهشت در حال آماده باش کامل بسر برده و درگشت های گوناگون در دستهای دوازده نفری ملحق به کلاشنکف به کوچه و خیابان ریخته و با زرسی بدنی مردم رادسطح وسیعی آغا ز کردند. شب های نهم و دهم چندین محله شهر را بوسیله نیروهای پیاپی ده محاصره و تاسی از شب عابرین رادستگیر میگردند. نیروهای رژیم در دهم اردیبهشت، درهای ورودی تمام مدارس و دبیرستانهای شهر را اشغال کرده و به تفتیش وسائل دانش آموزان پرداختند. اداره کار رژیم نیز، همچون دیگر ارگانهای سرکوب رژیم، از قافله عقب نماند و بعد از اینکه نمایندگان کارگران را برای تامین جا و مکان برای برپائی مراسم نادم اردیبهشت سردوانده بود، در این روز رسماً برگزاری هر نوع مراسم مستقل کارگری را ممنوع اعلام کرد.

فعالیت سیاسی واحدهای پیشمرگان کومه له، از روز نهم اردیبهشت شروع شد. رفقای پیشمرگ در تاریخ نهم و دهم، در روز روشن و با همکاری مردم، اعلامیه ها و تراکت های ویژه اول ماه مه را در اکثر خیابانها و محلات فقیرنشین پخش کردند.

● برقراری حکومت نظامی کنترول و بازرسی های وسیع، نتوانست خللی در اراده کارگران برای برپائی مراسم این روز بوجود آورد.

● برگزاری مراسم مستقل کارگری، رژیم و ارگانهای سرکوبگرش را بهت زده و هراسان نمود

● در یک اجتماع ۲۰۰۰ نفری کارگران قطنای دهم ۱۸ ماده به تصویب رسید.

● جنگ ارتجاعی ایران و عراق، بیکار سازی وستمگری نسبت به زنان محکوم شد.

در فاصله هشتم تا یازدهم اردیبهشت ماه، شهر سنندج تا هجوش و خروش کارگران و زحمتکشان این شهر برای برگزاری هر چه

با شکوه تر مراسم روز جهانی کارگر بود.

کارگران سنندج همراه با فراخوانهای وسیع رادیوهای حزب کمونیست، فعالیت سیاسی واحدهای پیشمرگ در داخل شهر مراسم اول

ماه مه را تدارک دیدند و جمهوری اسلامی با تمام توان خود و با یکا رگیری تمام ارگانها

و نهادهای سرکوبگر خود، نتوانست از برگزاری چندین اجتماع بزرگ کارگری جلوگیری

کند.

نیروهای مسلح رژیم از هشتم تا دوازدهم

تهران

رانندگان یکی از سرویسهای تاکسی رانی تهران با جمع آوری پول و خرید شیرینی و بستنی به استقبال اول ماه می رفتند و روز جهانی کارگرا روز ۹ اردیبهشت برگزار کردند. این سرویس تاکسی رانی ۵۰ راننده دارد، از هرا راننده ای ۱۰ تومان برای برگزاری مراسم جمع شد.

رانندگان با تجمع و صرف شیرینی و بستنی این روز را جشن گرفتند. بسیاری از اهالی و مغازه داران محل در جشن رانندگان شرکت کردند.

جشن و مسابقه

بنا به گزارش رسیده کارگران جنرال... استیل، سینتا، ولنت ترمز و سینا دارا اول ماه رادرمحیط کار جشن گرفتند و با خرید و پخش شیرینی این روز را گرامی داشتند. در کارخانجات سینتا ولنت ترمز علاوه بر این جشن، مسابقات ورزشی نیز بمناسبت این روز برگزار شد.

اخبار کارگری

طبقه کارگر ایران پرچم آزادی، برابری و حکومت کارگری را بر خواهد افراشت!

رفقای کارگر!

را برای متحد شدن و متشکل گشتن به نمایش گذاشتند. علاوه بر این، جنب و جوش رهبران و پیشروان کارگری برای التیام ضربات وارد شده بر جنبش کارگری، برای غلبه بر ضعف ها و برای معمول کردن راه و رسم تشکل و اتحاد طبقاتی در میان توده های کارگر، با نیرومندی و وسعت ادا می یافت. این تلاش ها با پدید آمدن شمر بنشینند و به شمر خواهد نشست. ما بر آنیم که طبقه کارگر ایران علی رغم مشقت با رترین اوضاعی که اکنون بر شرایط زندگی و مبارزه اش حاکم شده است، خواهد توانست در گام های بعدی نه فقط وضعیت حاضر در ایران را در هم کوید، بلکه با برافراشتن پرچم "آزادی، برابری، حکومت کارگری"، جای خود را در پیشروترین صفوف طبقه کارگر جهانی باز خواهد کرد و با نیرومندی سهمش را در تحقق شعار "کارگران جهان متحد شوید" ادا خواهد کرد.

با نداشتن دوباره روز جهانی کارگر، شما کارگران انقلابی را به این راه فرا میخوانیم. باشد که اول ماه سال، روز مستحکم کردن اتحاد در صفوف پیشرو کارگران ایران، روز مستحکم کردن هر چه بیشتر عزم و اتحاد توده های کارگر در مبارزه شان برای شعارهای ۴۰ ساعت کار، بیمه بیکاری، آزادی اعتصاب و قطع بی درنگ جنگ، قدیمی دیگر برای در اهتزاز آوردن پرچم "آزادی، برابری و حکومت کارگری" به نیروی اتحاد و قسدرت صفوف میلیونی توده های کارگر باشد!

بخشی از پیام دفتر سیاسی بمناسبت اول ماه مه سال ۶۶

آن توحش فدکا رگری که اکنون در سراسر جهان به خملت مشغله دولت ها و سیاست های بورژوازی بحران زده بدل شده، در ایران امروز حدود مرز نمی شناسد. قرار گرفتن ارتجاع پان اسلامیتی در راس حکومت، فقر و فلاکت عمومی، وحشیانه ترین اشکال استعماری علیه زنان، اختناق قوی خونین و با لایحه جنگی ضد مردمی که زندگی صدها و صدها هزار از مردم ستمکش را بلعیده است، بربریت نظم سرمایه داری در ایران امروز را ترسیم کرده است. رژیم اسلامی برای ادا معیبات خود آشکارا زندگی مردم ستمکش را قربانی میکند و به تمام مشقات سرمایه داری، از بیکاری و فقر گرفته تا معمول کردن وحشیانه ترین استثمار کارگر، ابعادی غیر قابل تحمل داده است و ابتدایی ترین حقوق توده های کارگر را برای اتحاد و تشکل و دست زدن به اعتراض علیه استثمار روستم موجود، سلب کرده است.

اما در این دشوارترین و تاریک ترین اوضاع نیز مبارزه همچنان ادا می یافته است. در سال گذشته، علیرغم پورش وسیع بیکار سازی ها که طبقه کارگر را در سراکس عمده تجمع و مبارزه و در معرض سنگین ترین حملات قرار داده بود، اعتراضات و اعتصابات کارگری از پای ننشست. در برخی واحدهای تولیدی، کارگران تجربه اعتصاب وسیع و عمل متحد خود را در مقیاسی که تاکنون بی سابقه بود آزمون کردند و در بسیاری از کارخانه ها اعتراضات جمعی و اعتصابات هر چند کوتاه مدت، تداوم عزم و اراده کارگران ایران

نیمی از تولیدات واحدهای تحت پوشش صنایع سنگین برای تامین نیازهای جبهه های جنگ اختصاص داده شده، جمهوری اسلامی در تکمیل و تعمیق هر چه بیشتر سیاست میلیتاریستی اش حمله بیشتر به رفاه توده های کارگران و زحمتکشان و کشیدن بیشتر سرمایه چنان آنها را هدف خود قرار داده است. مبارزه علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و مقاومت در مقابل فشارهای ویژه میلیتاریستی در کارخانجات، عملیه یکی از عرصه های مبارزه روزمره کارگران با رژیم اسلامی سرمایه تبدیل شده است. اخبار رسیده حاکی است که در بسیاری از کارخانجات، کارگران در مقابل فشارهای جنگی رژیم، مقاومت میکنند و جمهوری اسلامی عملاً موفق به اجرای بسیاری از اهدافش نگردیده است. استفاده از فریب و تیرینگ برای جلب رضایت کارگران برای خدمت و کمک به جبهه ها بیای نگرنا توانی رژیم در مقابل مقاومت کارگران علیه سیاستهای میلیتاریستی در کارخانجات است.

چیت ممتاز: بهمن ماه سال گذشته هنگامیکه کارگران چیت ممتاز حقوق هایشان را دریافت میکردند، مسئول کمک به جبهه ها، هم چگون گدایان موقع شناس، مقابل کارگران نمایان شد و برای کمک به جبهه ها از کارگران استمداد طلبید. برای مثال از کارگری پرسید که: "تو چقدر پرداخت میکنی؟" کارگر پاسخ داد: "هیچ، زیرا خودم احتیاج دارم". بیکبری باج گیری جمهوری اسلامی بحدی بود که کمک به جبهه ها به موضوع تفریح و تسمخر کارگران تبدیل شد. تعدادی از کارگران هم چون کسانی که به گدایان صدقه میدهند با شوخی و تسمخر، به مسئول کمک به جبهه ها که اینک شدیداً شرمگین شده بود، سکه های ۲۰ و ۵۰ ریالی میدادند. افتتاح شرکتی مسئول کمک به جبهه ها بحدی بود که یکی از کارگران با این دلیل که "اگر پول نمیداد بهتر نبود" مورد مواخذه قرار گرفت.

کارگران چیت ممتاز همچنین در مقابل اعزام به جبهه ها مقاومت کرده اند و عجز و لایه مسئولین برای اعزام آنها موثر نیافتاده است.

اجتماعات بزرگ کارگری ... روزیازدهم اردیبهشت، سیامی شهریکلی دگرگون شده بود. جنب و جوش کارگران و دیگر زحمتکشان و توده های ستمدیده از بغداد زظهر این روز شروع شد. کارگران و دیگر زحمتکشان، دسته دسته بطرف نقاط برگزاری اجتماعات و گردماشی ها در حرکت بودند. بزرگترین اجتماع کارگران، با جمعیتی متجاوز از ۲۰۰۰ نفر، در ساعت دو بعد از ظهر در پاساژ عزتی برگزار شد. این مراسم با یک

دقیقه سکوت بیا دکارگران شیکاگو و دیگر کارگران جهانباخته شروع شد و سپس پیام هیئت برگزاری مراسم قرائت گردید. آنگاه یکی از کارگران در مورد ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری و نیز ضرورت شرکت زنان در همه شئون اجتماع پایه های مردان به سخنرانی پرداخت. پس از پخش چند ترانه و موسیقی، یکی دیگر از کارگران در مورد تاریخچه روز کارگر سخنانی ایراد کرد. رشته سخن را رفیق کارگر دیگری با پرداختن به

اخبار کارگری

بنزخاورد: مدیریت این کارخانه در فراخوانی کارگران را جهت اعزام به جبهه های جنگ دعوت کرد. برای اعزام شوندگان کلاسهای آموزش نظامی ترتیب داده شده ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر از پرسنل کارخانه جهت شرکت در این کلاسها تعیین شدند. کارگران بنزخاورد در مبارزه ای انفرادی و بهخدا دست جمعی در مقابل اعزام به کلاسهای آموزش نظامی مقاومت کردند و تنها تعداد معدودی حاضر شدند در این کلاسها شرکت کنند.

تحریم انتخابات شوراهاى اسلامى در مخزن سازى

اوایل خردادماه (۲۲ خرداد) نمایندگان وزارت کار و کارکنان برای انجام انتخابات شورای اسلامی به این کارخانه میروند. انتخابات جهت انتخاب هفت نفر از اعضای شورای اسلامی بود که قبل از تعیین شده بودند. کارگران نیز همگی با ریختن رای سفید به صندوق رای گیری از انجام انتخابات جلوگیری کردند. علاوه بر این کارگران به شرایط سخت کار خود قطع ساعات استراحت و چای خوری اعتراض کردند که موفق به بازپس گرفتن حق استراحت و چای خوری در فواصل کارگردیدند.

کارخانه مخزن سازی با آکروساز، در ۵ کیلومتری اهواز واقع شده است و سازماندهی مخزن های فشار قوی است. تعداد کارگران این کارخانه حدود ۱۰۰ نفر میباشد.

اعتراض کارگران نورد لوله اهواز به افزایش قیمت کوبین غذا

بدنبال بخشنامه مدیریت مبنی بر افزایش قیمت کوبین غذا زمزمه های اعتراض در میان کارگران آغاز گشت تا اینکه در اواخر خردادماه تعدادی از کارگران هنگام تحویل سهمیه غذای خود، بعنوان اعتراض به قیمت

اجتماعات بزرگ کارگری...

کارخانجات فرسایش و ضرورت کاهش ساعات کار، ممنوعیت کار کودکان، آماده نمودن تسهیلات لازم برای پرورش فرزندان کارگران مانند بهداشت و درمان، بدست گرفت. پس از وی رفیق کارگرد دیگری در مورد بیمه بیکاری و نبود امنیت شغلی در کارگاههای خصوصی سخنرانی کرد. وی در ادامه سخنانش به مسئله جنگ پرداخت و اظهار داشت که جنگ و سربازی باعث گردیده است که کارفرمایان بویژه در کارگاهها هر چه بیشتر و شدیدتر به استثمار کارگران بپردازند و این شرایط امکان هر گونه اعتراض و مبارزه ای را از کارگران سلب کرده است. وی گفت که جنگ ایران و عراق باعث تشدید مشقات کارگران شده و به بهانه این جنگ ویرانگریهای گسترده ای و مالیاتهای گزاف به عنوان گوناگون و کمبود مواد اولیه پیش از پیش گسترش یافته است. این رفیق کارگر با اظهار اینکه "ما کارگران و مردم خواستار قطع جنگ هستیم"، حاضرین را به شور و شوق انداخت و این شعار را سوی جمعیت چندین بار تکرار شد. پس از پایان یافتن سخنان وی، نماینده ای از طرف کارگران به اجرا درآمد و در طول مراسم شعاری چون "بیمه بیکاری برای کارگران"، "کارگران جهان اتحاد، اتحاد!"، "چاره رنجبران اتحاد است"، "جنگ ایران و عراق، جنگ سرما به - داران است"، از طرف حاضرین مدام تکرار میشد.

در پایان این مراسم قطعنامه ای در ۱۸ ماده قرائت شد که مورد تأیید و تصویب کارگران شرکت کننده قرائت گرفت. این مراسم

با شکوه در ساعت ۶ بعد از ظهر با شعارهای کارگری و انقلابی و شعارهای زنده بساد حزب کمونیست ایران، زنده بساد کومله و شادباش روز اول ماه مه، با شور و شوق فراوان به پایان رسید.

در مراسم دیگری کارگران کارخانه پوشاک سنندج - که اکثر آنها زنان تشکیل میدهند - در اجتماع با شکوهی روزجهانی کارگرا گرامی داشتند. چند نفر از کارگران دربارها اتحادجهانی طبقه کارگر سخنرانی کردند. کارگران در این سخنرانی ها درباره دستمزد، بیمه بیکاری و همچنین تأریخچه روز اول مه صحبت کردند. پس از صرف چای و شیرینی، کارگران درباره موضوعات مختلف از قبیل جنگ ارتجاعی ایران و عراق و مطالبات آن، بیکاری و گران، به بحث و سخنرانی پرداختند. این اجتماع با شکوه در میان سرور و شادمانی کارگران به پایان رسید.

در کارخانه ناهونیز کارگران علی رغم مخالفت اداره کار و مدیریت کارخانه، با برگزاری مراسم روزجهانی کارگرا گرامی داشتند.

زنان مبارزان انقلابی شهر سنندج نیز در بعد از ظهر روز ۱۱ اردیبهشت، به سوی محلی که از قبل برای گردهمایی تعیین شده بود، برای افتادند. در این محل بیش از ۳۰۰ نفر از زنان انقلابی و کمونیست گردآمده بودند. محل برگزاری مراسم، با ستاره سرخ و تزیینات دیگر و همچنین عکسهای از جانبائیان گنگان راه آزادی و سوسیالیسم آراسته شده بود.

این مراسم، با بخش سرودهای انقلابی

مراسم اول ماه مه در کارخانه فیلیپس

شود. روزهای سه شنبه و چهارشنبه از کارگران قسمتهای مختلف تفریحی و تفریحی - تفریحی اینکار جمع آوری شد.

روز چهارشنبه روزی که کارگران برای بزرگداشت روزجهانی شان تعیین کرده بودند، عملاً کار انجام نشد در این روز کارگران بدور هم جمع شدند و با صرف شیرینی و بستنی روزجهانی کارگرا گرامی داشتند.

کارگران فیلیپس به پیشوا برگزاری اول ماه می رفتند و این روز را زودتر از موعد در محل کارشان جشن گرفتند.

۱۱ اردیبهشت جمعه بود، کارگران فیلیپس پنجشنبه نیز تعطیل بودند. آنها از پیش برگزاری روزجهانی کارگرا برای روز چهارشنبه ۹ اردیبهشت تدارک دیدند - یعنی آخرین روز پیش از رمضان - برای خرید شیرینی و بستنی میبایست پول جمع آوری



آزادی، برابری، حکومت کارگری

اخبار کارگری

با لای کوبین غذا و مقدار کم آن، ظرفهای خود را با خشم بر زمین انداختند و اعتراض نمودند. در ادامه این حرکت، تعدادی دیگر از کارگران نیز با آنها را تکرار کردند و همه آنها اعتراض کارگران در سالن غذا خوری کارخانه پیچید.

بدنبال اعتراض کارگران، مدیریت وارد عمل شد و اعتراض آنها را بهانه‌ای برای اخراج تعدادی از کارگران و منتقل کردن تعدادی دیگر از آنها به قسمت‌های دیگر کارخانه قرار داد.

اعتصاب سه روزه کارگران راه سازی پیمان برای افزایش دستمزد

روز ۲۴ اردیبهشت ماه بخشی از کارگران شرکت راه سازی پیمان که در کردستان مشغول ترمیم جاده‌ها به نام دو آب است بدنبال یک تصمیم مشترک، علیه شرایط نامساویکار و با خواست افزایش دستمزد به میزان ۲۰ تومن، کاهش ساعات کار و مقرر داشتن استراحت در فواصل کار، دست به اعتصاب زدند. کارفرما در ابتدا نسبت به خواست کارگران بی‌اعتنائی کرده و به شدت در مقابل آن می‌ایستاد. اما کارگران مصممانه به اعتصاب ادامه داده و بر خواسته‌هایشان پای می‌نشانند. سرانجام پس از سه روز اعتصاب، کارفرما ناچار میشود بخشی از خواسته‌های کارگران را بپذیرد. بنا به خبر رسیده کارفرما تعهد کرده است که دستمزد کارگران را ۱۰ تومن افزایش داده و استراحت در فواصل کار را برای کارگران مقرر کند.

برنامه
حزب کمونیست ایران
را بخوانید

اجتماعات بزرگ کارگری...
آغاز شد و سپس نوارهای ضبط شده از برنامه‌های رادیوئی صدای حزب کمونیست و صدای انقلاب ایران به معنای سبب اول ماه مه، پخش گردید. سپس تراکت‌ها و اعلامیه‌های کمیته حزب در ناحیه سنندج درباره اول ماه مه برای شرکت کنندگان قرائت شد و حاضرین درباره روز جهانی کارگر، همبستگی هر چه بیشتر در برابر رژیم اسلامی و فشارهای آن و همچنین بر لزوم مبارزه علیه جنگ ایران و عراق صحبت کردند. در این مراسم صندوق کمک مالی برای کومه‌له قرار داده شده بود. این مراسم در ساعت ۶ بعد از ظهر پایان یافت و زنان انقلابی و کمونیست سنندج به نشانه همبستگی با کارگران و به نشانه عزمان در مبارزه برای رهایی دست به یک راهپیمایی به سوی خیابان فردوسی و میدان انقلاب زدند.

اجتماعات و گرد هم آیی‌های دیگری نیز در چندین محله برپا شد. غروب روز دهم اردیبهشت ماه، در ادامه کوه آبدرد و قلعه سلط بر جاده اسفالت پاسداران و مزدوران رژیم برای جلوگیری از برپائی آتش‌های ویژه اول ماه مه، همه جا را تحت کنترل خود گرفته بودند. اما بعضی تا ریک شدن هوا شعله‌های آتش یکی پس از دیگری سر بر کشید و منطقه را روشن کرد. کارگران و مردم آزاده بر فراز کوه آبدرد آتشی به شکل عدد ۱۱ برافروخته بودند تا یادآور شوند که فردا ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر است. در ساعت ۸ و ده دقیقه بعد از ظهر بر قلعه آبدرد بزرگ و در ساعت ۸ و بیست دقیقه بر فراز قلعه کوچک و در ساعت ۸ و سی دقیقه بر فراز آبدرد کوچک همراه با خواندن سرود انترنا سیونال و سرودهای انقلابی، آتش افروخته شد و به همراه آن پرچم سرخ به اهتزاز درآمد. بر فراز کوه آبدرد اجتماع کارگران گرد آمده بود که یکی از آنان درباره لزوم اتحاد و همبستگی طبقه کارگر، درباره ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری سخنانی ایراد کرد. این مراسم با شعرهای زنده باد حزب کمونیست ایران، زنده باد کومه‌له به پایان رسید. در محلات مختلف شهر در نقاط مرتفع شهر، شعله‌های آتش یکی پس از دیگری سر بر کشید و تلاش مزدوران برای خاموش کردن آنان بجائی نمی‌رسید و با خاموش شدن هر آتشی، آتش دیگری در نقطه دیگری از شهر

برافروخته میشد. این وضعیت نیروهای رژیم اسلامی را سخت سرسیمه و در مانده کرده بود. با مداد روز ۱۱ اردیبهشت، از ساعت ۳ و ۴ صبح، جمعیت وسیعی از مردم سنندج بطرف کوه آبدرد بر راه افتادند و در ساعت چهار و نیم با مداد، هنگام روشن شدن هوا، با افروختن آتشهای بزرگ، فرار سیدن سپیده دم اول ماه مه را اعلام نمودند بدین شیوه در واقع از نخستین لحظات روز کارگر، مراسم جشن و شادی با اجتماع روبه افزایش کارگران و مردم سنندج در پای کوه آبدرد آغاز شد.

در این محل هزاران تن از کارگران و مردم آزاده، شهر جمع شده بودند. پرچم سرخی در دست یک کارگر در میان نوای سرود انترنا سیونال به اهتزاز درآمد. با آغاز برنامه‌های رادیوئی صدای حزب کمونیست، حاضرین در اجتماع خود به این برنامه گوش فرادادند. در ادامه این مراسم، جمعیت در حالیکه سرود می‌خواندند و شعار میدادند به طرف شهر بر راه افتادند. پیشاپیش صفوف جمعیت پرچم سرخی با نام کومه‌له که بر آن شعار "گرامی باد ۱۱ اردیبهشت، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر نقش بسته بود، در اهتزاز بود.

قطعه‌نامه مراسم سنندج در همین شماره بطور کامل چاپ شده است.

در روستاهای اطراف سنندج نیز، کارگران مراسم اول مه را در اجتماعات پر شور برگزار کردند.

سحرگاه روزیازده اردیبهشت حدود ۳۰۰ کارگر زن و مرد از روستاهای "آویهنک" و "دادانه" در یکی از کوه‌های اطراف منطقه دور هم دیگر جمع شده و به بحث و مشورت درباره مسائل و مشکلات مشترک خود پرداختند. در این مراسم تعدادی از کارگران روستاهای "بزان"، "رشنش" و "دانیکش" نیز شرکت کردند. این مراسم با شعرهای زنده باد روز جهانی کارگر، زنده باد حزب کمونیست ایران، زنده باد کومه‌له به پایان یافت. طبق همین خبر در یکی از ارتفاعات منطقه بنام "هواره برزه" حدود ۱۸۰ تن از زنان و مردان کارگر روستای آویهنک طی مراسم دیگری به بزرگداشت روز جهانی کارگر پرداختند. در بقیه روستاهای دیگر "زاورود" و "کلاترزان" زنان و مردان کارگر، با دست کشیدن از کار و دور هم گرد آمده و با برپائی مراسمهای ویژه‌ای این روز گرامی داشتند.

بیمه بیکاری حق مسلم کارگران است

دریافت ما یحتاج جیره بندی شده

با مبارزه و اعتراض مردم عملی شد.

ازظهر یکی از کارمندان بانک ملی به مردم اعلام کرد که "کوپن موجود نیست" مردمی که با صرف ساعات طولانی با انتظار کوپن ایستاده بودند خشمگین فریاد اعتراضشان بلند شد. زنی با عصا نیت از میان جمعیت هر آنچه که شایسته خمینی بودند تاراش کرد. مردم که منتظر چنین فرصتی بودند تظاهرات اعتراضی برپا کردند که طی آن شیشه های بانک ملی توسط مردم خرد شد. عابریین زیادی با شایسته های مردم به آنها پیوستند. مزدوران کمیته و شهربانی که برای دخالت خود را به صحنه رسانده بودند جرأت دخالت نداشتند و به تظاهرات مردم نزدیک هم نشدند. اعتراض مردم به جان آمده قزوین پس از مدتی خاتمه یافت اما خبر آن و سیما در شهر قزوین پخش شد.

اصفهان:

"قلعه شاه" که اکنون نام آن به "شهرک امام" تغییر یافته در ۲۵ کیلومتری اصفهان و در جاده نجف آباد واقع شده است. اکثر ساکنین این شهرک کارگران صنعتی اصفهان هستند. در شمارای اخیر، این شهرک بعنوان شهر محسوب نشد و با این دلیل کوپنهای شهری در این منطقه توزیع نگردید. توزیع نشدن کوپنهای شهری و محسوب کردن جمعیت روستایی بمعنی حذف امکان دسترسی کارگران و زحمتکشان این منطقه به مرغ و تخم مرغ جیره بندی شده دولتی است. گوا اینکه فقر به درجه ای پیدا میکند که معمولاً کوپن این نوع اجناس نه صرف تغذیه خانواده کارگران و زحمتکشان بلکه با پول معاوضه میشود تا "ومله پینه" هزاران نیازمندی شده دیگر این خانواده ها شود. اهالی زحمتکش این منطقه با رها صدای اعتراضشان را علیه این تحمیل فقر روز افزون بلند کرده اند. روز چهارشنبه ۲۶ فروردین مردم بجان آمده در جاده نجف آباد - اصفهان تجمع کردند و با انداختن درخت در جاده، راه بندان ایجاد کردند و مانع عبور مرور اتوبوسها گشتند تا صدای اعتراضشان را بگوش دیگران برسانند. روز ۲۷ فروردین جاده کاملاً توسط مردم بست و خودروها بندان چندین ساعت بطول انجامید کودکان این خانواده های زحمتکش وظیفه

در اعتراض به عدم توزیع کوپن، راه بندان ایجاد کردند و یکی از جاده های اطراف روستا را بمدت چند ساعت بستند.

تهران:

اوایل اسفند ماه سال گذشته تعدادی از اهالی بجان آمده تهران که تلاشهای روزانه آنان برای گذران زندگی و تهیه ما یحتاج اولیه، مانع شده بود که به موقع و در فرصت تعیین شده کوپن های دولتی را دریافت کنند و مهلت توزیع کوپنها سپری شده بود، با مراجعات مکرر به ستاد بسیج اقتصادی خواهان تمدید شدن مهلت توزیع کوپن ها شدند. اعتراضات و مراجعات مکرر و پراکنده و پسا سخای "سربالا" و بی نتیجه ستاد بسیج، به اعتراض مردم شکل متمرکزتری داد. یکی از روزهای اواخر سال گذشته تعداد کثیری از مردم معترضی که از دریافت کوپن محروم شده بودند در مقابل ستاد بسیج اقتصادی گرد آمدند تا صدای اعتراضشان را بگوش مقامات برسانند. مردم خشمگین علناً به رژیم و خمینی بعنوان مسببین اصلی مشکلاتشان ناسزا میگفتند. خشم مردم و بی تفاوتی دست اندرکاران رژیم موجب حمله به ستاد بسیج اقتصادی شد. شیشه های ستاد توسط تجمع کنندگان شکسته شد. ما موریین شهربانی این گماشتگان درجه دوم رژیم وظیفه حضور در اعتراضات بوده ها را بعهده گرفتند اما آنها نیز عکس العملی نشان ندادند و مداخله نکردند. مزدوران ستاد بسیج اقتصادی در وحشت از گسترش مبارزات مردم و عده دادند که پس از تعطیلات با ردیکر موعده توزیع کوپن برای کسانی که موفق به دریافت آن نشده اند تمدید خواهد شد.

روز ۱۵ فروردین ماه مردم موفق شدند به کوپن های توزیع شده دسترسی پیدا کنند و آنرا دریافت کنند.

قزوین:

یکی از روزهای توزیع کوپن ما یحتاج، تعداد زیادی از اهالی قزوین برای گرفتن کوپن ها بشان در مقابل درب بانک مرکزی صف کشیده بودند. اکثر آنها از صبح زود و حتی بدون خوردن صبحانه منتظر نوبت بودند. صف هر لحظه طویل تر میشد. بالاخره ساعت ۲/۳۰ بعد

فقرو فلاکت و گرانی سرسام آوری که در حال حاضر رقم میلیونها کارگر و زحمتکش ایران را کشیده، دریافت اجناس کوپنی و جیره بندی شده را به یکی از مطالبات کارگران و زحمتکشان تبدیل کرده است.

در حال حاضر دستمزدها و حقوق ناچیزی که به کارگران و زحمتکشان در مقابل کارشاق و طاقت فرسا پرداخت میشود، به سادگی قابل مبادله با ما یحتاج اولیه زندگی نیست و تهیه ابتدایی ترین مواد لازم برای ادامه زندگی یکی از مشکلات روزمره ای است که کارگران و زحمتکشان با آن دست بگریبانند. تلاش برای تبدیل دستمزدها چیز به ضروریات زندگی نه تنها تمام اوقات غیرکاری کارگران و زحمتکشان، خانواده و کودکان آنها را میگیرد بلکه درگیری و کشمکش بر سر خرید این وسایل خود صحنه های روزمره ای در صف های طویل خرید ما یحتاج کوپنی است.

سرما به داری ایران در شرایطی که ۷۰ درصد بودجه دولتی اش را به جنگ و تانک میسوزاند، هزینه های ارگانهای سرکوبگرش اختصاص داده است، هر روز به بیانه و به طریقی یکی از کالاهای ضروری را برای کارگران و زحمتکشان که امکان استفاده از بازار سیاه و قیمتهای سرسام آور آنرا ندارند، دور از دسترس و سرو گرانتر میکند.

اخبار رسیده حاکی است که اعتراضات مردم علیه یورش عنان گسیخته به سطح معیشتشان، اینجا و آنجا شکل گرفته و بعضاً موفق شده پیشروی بیشتر رژیم در حمله به سطح معیشت را متوقف کند. یکی از زمینه ها و عرصه های مقاومت روزمره مردم علیه تحمیل فقر و فلاکت بیشتر، تلاش برای دریافت کوپن و اجناس کوپنی و جیره بندی شده است. طبق گزارشات رسیده، تعدادی از اهالی تهران که موفق به تهیه کوپن نشده بودند، در اعتراض به سپری شدن مهلت توزیع کوپن، ستاد بسیج اقتصادی را تحت فشار گذاشتند و با تجمع و حمله به ستاد بسیج موفق شدند مهلت توزیع کوپنها را تمدید کنند. همچنین تعدادی از اهالی قزوین که پس از انتظار طولانی در صف توزیع کوپن، موفق به دریافت آن نشده بودند با برپائی تظاهرات به بانک مرکزی حمله میکنند. علاوه بر این حرکت های اعتراضی، اهالی زحمتکش یکی از روستاهای اطراف اصفهان



در کردستان انقلابی...

مروری بر فعالیت های نظامی پیشمرگان کومه له

در مجموعه این دو عملیات موفقیت آمیز، ۱۸ نفر از مزدوران رژیم به اسارت درآمده و این غنا ثمر بدست رفقای پیشمرگ افتاد: کلاشینکف ۷ قبضه، ز-۳ ۱۲ قبضه، برنو ۳ قبضه، خشاب ۷۶ عدد، فشک بیش از ۳۰۰۰ عدد، نارنجک دستی ۱۴ عدد و مقادیری وسائل نظامی دیگر.

رفقای پیشمرگ بعد از انجام این عملیات همگی همراه با اسرا و غنا ثمر جنگی، منطقه عملیاتی را ترک گفتند.

تعرض پیروز مندا شه پیشمرگان کومه له به یک ستون نظامی رژیم در بانه

در جریان عملیات بزرگ گردان بانه، یک ستون نظامی مرکب از ۵ خودرو به کمین پیشمرگان افتاد.

در این عملیات اجساد ۱۵ کشته و زخمی و لاشه ۵ دستگاه خودرو منهدم شده در میدان تبرید بجا ماند.

مسئول دفتر فرماندهی قرارگاه مقدم نیروی زمینی و مسئول طرح و برنامه ستاد سپاه پاسداران کرمانشا در این نبرد به هلاکت رسید.

جاده سقز - بانه، یک از مهمترین خطوط لجستیکی جمهوری اسلامی برای اعزام نیرو به مرزها و گسترش جنگ ارتجاعی در منطقه کردستان است. در تاریخ سوم خرداد ماه، این محور مهم نظامی شاهد تعرض پیروز مندا پیشمرگان کومه له به یک ستون نظامی جمهوری اسلامی مرکب از ۵ خودرو بود.

بعد از ظهر روز سوم خرداد، واحدهایی از پیشمرگان کومه له از گردان بانه، طبق طرح دقیق و گسترده، بمنظور بیدار شدن و

انهدام نیروهای رژیم در مسیر جاده بانه - سقز، اقدام به یک کمین گذاری کردند. رفقای پیشمرگ در حفاصل گردنه، خان و پاپکا های "خاپوره ده" و "کیلنه سین" واقع در نزدیکی شهر بانه، کمین های گسترده ای برقرار کردند. ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر، ستون بزرگ نظامی رژیم موسوم به "ستون اعزامی نیروی صاحب زمان" که از سقز به طرف بانه در حرکت بود، به کمین پیشمرگان افتاد و وزیر آتش متراکز سلاحهای پیشمرگان، بسرعت آرایش خود را از دست داد. همزمان با از کار افتادن خودروها، تعرض پیشمرگان بسپاه

عملیاتی مسلحانه رفقای پیشمرگ کومه له بود. در این مدت سه مقرنیروهای رژیم به تصرف رفقای پیشمرگ درآمد. چندین بار در داخل شهرهای سنندج، مریوان، بانه، میا باد و سردشت دست به عملیات زدند. همچنین دهها عملیات کمین گذاری و حمله به مقر مزدوران توسط پیشمرگان به اجرا درآمد و چندین تعرض رژیم در نواحی مختلف درهم شکسته شد. در مجموعه این عملیات، صدها تن از مزدوران رژیم کشته و زخمی، دهها قبضه سلاح و مهمات بدست پیشمرگان افتاد و چندین دستگاه خودرو منهدم گردید. حزب ما در این مدت ۱۹ تن از یاران خود را از دست داد.



سه مقرنیروهای رژیم درنا حیه مریوان به تصرف درآمد.

رفقای پیشمرگ در ساعت ۱۱ و نیم شب، پس از آنکه تمام راههای ورودی بسقز روستای "ریخان" را زیر کنترل خود درآوردند، با آتش شدید و متمرکز خود، مقاومت مزدوران رژیم مستقر در این روستا را سرعت درهم شکستند و تمامی افراد آن را به اسارت گرفتند. سپس از انتقال غنا ثمر اسرا، مقر مزدوران به آتش کشیده شد.

در ساعت ۱۲ نیمه شب، چند واحد دیگر از پیشمرگان، مقرنیروهای رژیم در روستای "کال" را مورد حمله قرار دادند. مزدوران مستقر در این مقر که بغا طرصدای تیراندازی در روستای مجاور در حال آماده باش کامل بودند، دست به مقاومت زدند اما در مقابل تعرض شدید پیشمرگان تاب مقاومت نیاورده و این مقر نیز به تصرف رفقای پیشمرگ درآمد. همزمان با اجرای این عملیات، یکی از رفقای پیشمرگ از بلندکوی مسجد به سخترانی پرداخت و مردم روستا را به مبارزه علیه پاپکا های رژیم و سیاست ننگبانی و تسلیح اجباری فراخواند.

در تاریخ نهم خرداد، چند واحد از رفقای پیشمرگ کومه له از گردان کاک فواد، مقر مزدوران رژیم در روستای "کلکه جار" واقع در ۸ کیلومتری شهر مریوان را به محاصره خود درآورده و سپس آن را بطور کامل تصرف کردند. در این عملیات، آتش از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده و سه تن از آنان به اسارت درآمدند. ۱۰ قبضه سلاح همراه با مقادیری تجهیزات و وسائل تدارکاتی و اسلحه دشمن به غنیمت گرفته شد. همچنین یک دستگاه خودرو، یک قبضه مسلسل سنگین، مقداری سلاح سبک و مهمات در مقر مزبور منهدم شد. این مقر از طرف مزدوران رژیم برای وادار کردن مردم به ننگبانی اجباری دادر شده بود.

طی دو عملیات جداگانه دیگر که از سوی رفقای گردان کاک فواد بمناسبت ۲۱ خرداد - روز پیشمرگ کومه له تدارک دیده شده بود، بطور همزمان دو مقرنیروهای رژیم به تصرف درآمد.

در کردستان انقلابی...



پیشمرگان افتاد. در میان کشته‌های رژیم، جنازهٔ مسئول دفتر فرماندهی قرارگاه مقدم نیروی زمینی در غرب کشور و مسئول طرح و برنامهٔ ستاد سپاه پاسداران کرمانشاه بنام جعفر کریمی شنا ساشی گردید. پیشمرگان بر تمام اسناد و مدارک این مزدوردست یافته و آنها را همراه با یک قبضه کلاشینکف از میدان نبرد خارج کردند. رفقای پیشمرگ پس از اجرای بیروزمندان عملیات همگی سالم منطقهٔ عملیاتی را ترک گفتند. اجرای این عملیات گسترده در یکی از مهمترین جاده‌های مواصلاتی رژیم و در نزدیکی شهر بانه اختلالاتی در نقل و انتقالات نیروهای رژیم بوجود آورده است.

گروه ضربت رژیم در مریوان تار و مار شد.

روز دوم خردادماه، پیشمرگان کومه‌له، یک گروه ضربت دیگر رژیم را در حومهٔ شهر مریوان بین روستاهای "بالک" و "شارانسی" به کمین انداخته و با بهلاکت رساندن ۱۸ نفر، آن را تار و مار کردند. در میان کشته‌شدگان، جنازهٔ فرماندهٔ عملیاتی یکی از محورهای منطقه بنام ابراهیم گرجی شنا ساشی شد. متأسفانه در این نبرد حزب ما یکی از یاران دلسوز خود، رفیق عمر خوشنوا را از دست داد.

نارنجک دستی و سلاحهای سبک - بر روی سر نشینان آن آغاز شد. نیروهای رژیم در اوج سراسیمگی، با بجای گذاشتن خودروهای منهدم‌شده، برای نجات خود از مهلکه تلاش میکردند. پیشمرگان که بطور کامل بر میدان نبرد مسلط بودند، هر دم بر شدت عملیات خود می افزودند.

در جریان این عملیات، پیشمرگان موفق شدند تعداد زیادی از خودروهای رژیم را از کار انداخته که لاشهٔ ۵ دستگاه آن در میدان نبرد بجای ماند. همچنین تعداد زیادی از مزدوران بهلاکت رسیده که جنازهٔ ۱۵ کشته بدست

روز اول خردادماه، واحدها ساشی از پیشمرگان کومه‌له از گردان کاک فواد، یک پایگاه نظامی رژیم در حومه شهر مریوان را به مدت نیم ساعت با سلاحهای سبک و نیم سنگین مورد حمله قرار دادند. در ادامهٔ این عملیات یکی از گروههای ضربت رژیم که برای کمک افراد مستقر در پایگاه به منطقه درگیری اعزام شده بود، زیر ضربات سنگین پیشمرگان، با بجای گذاشتن ۵ کشته و تعدادی زخمی تا چار از عقب نشینی شد.

تعرض پیشمرگان کومه‌له به سه مرکز نظامی رژیم در شهر مریوان

پیشمرگ وارد شهر شده و ساختمان شهرانی را مورد حمله قرار دادند. در جریان این عملیات دو خودرو نظامی رژیم منهدم گشت. در طول عملیاتهای این دوروز، ساکنین محلات شهر مریوان، با شعارهای "زنده باد حزب - کمونیست ایران" و "زنده باد کومه‌له"، به گرمی از پیشمرگان استقبال کردند.

در تاریخ ۲۳ خردادماه نیز چند واحد از رفقای گردان کاک فواد دبرای سومین بار وارد شهر مریوان شده و مورد استقبال گرم مردم شهر قرار گرفتند. رفقای پیشمرگ با به کنترل درآوردن چند خیابان و محلهٔ شهر، با ساکنین آن به گفتگو پرداختند. رفقای پیشمرگ پس از ۲ ساعت حضور در شهر و پیوسته تراکت و پوسترها، تبلیغی، در میان بدرقهٔ گرم اهالی همگی سالم شهر را ترک گفتند.

رفقای گردان کاک فواد، در تاریخ ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ماه پس از عبور از میمان زنجیره‌ای از پایگاههای و قرارگاههای نظامی رژیم، طی دوروز متوالی، نیروهای رژیم مستقر در شهر مریوان را زیر ضربات سنگین خود قرار دادند.

روز ۲۹ اردیبهشت ماه، رفقای پیشمرگ با به کنترل درآوردن ۲ محلهٔ شهر مریوان، بطور همزمان قرارگاه بزرگ رمضان و محصل استقرار نیروهای بسیجی در این شهر را مورد تعرض خود قرار دادند. تلفات نیروهای رژیم بحدی بود که آمبولانسها در سطح شهر بطور مرتب در رفت و آمد بودند. رفقای پیشمرگ پس از اجرای این عملیات، همگی سالم شهر را ترک گفتند.

روزی ۱۰ اردیبهشت ماه، با ردیگر رفقای

دوستون نظامی رژیم در ناحیهٔ بانه زیر ضربات سنگین پیشمرگان کومه‌له قرار گرفت.

در دو عملیات موفقیت آمیز که بمناسبت روز پیشمرگ کومه‌له توسط پیشمرگان گردان بانه در جاده‌های بانه - سقز و بانه - مریوان به اجرا درآمد، دوستون نظامی بزرگ رژیم متحمل تلفات و خسارات قابل توجهی گشت. چند واحد از پیشمرگان گردان بانه، در شب ۲۹ خردادماه، در جادهٔ بانه - سقز در ۱۰ کیلومتری شهر بانه، به کمین نیروهای رژیم نشستند. در ساعت ۱۰ شب یک خودرو دشمن با تعدادی سرنشین به کمین افتاد و زیر آتش سلاحهای پیشمرگان از کار افتاد. دو همسفر سرنشینان آن کشته یا زخمی شدند. پیشرو نیروی کمکی رژیم با آتش پیشمرگان متوقف شود و رهبران او ایل درگیری با دادن تعدادی کشته و زخمی با به فرار گذاشتند. این بار یک ستون نظامی شامل ۱۰ خودرو به طرف منطقهٔ درگیری وارد شد. رفقای پیشمرگ با آرایش جدید خود، در ساعت یازده و نیم شب از فاصلهٔ چندمتری ستون نیروهای دشمن رازیر آتش سلاحهای خود گرفتند که بدستمال آن نیروهای رژیم سراسیمه با فرار رگذاشتند.

در این عملیات که مجموعاً دوساعت و نیم طول کشید، چهل تن از نیروهای رژیم کشته و زخمی و چهار خودرو آن در هم شکست. رفقای پیشمرگ همگی سالم منطقهٔ عملیاتی را ترک گفتند.

در تاریخ ۲۸ خردادماه نیز، پیشمرگان گردان بانه، در یک عملیات موفقیت آمیز دیگر، یک ستون دیگر از نیروهای رژیم که مرکب از زدها خودرو نظامی بود، در جادهٔ بانه مریوان به کمین انداختند. رفقای پیشمرگ در یک کیلومتری شهر بانه و در ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر، ستون نظامی رازیر آتش سلاحهای خود گرفتند و تلفاتی بر مزدوران رژیم وارد آوردند. رفقای پیشمرگ همگی سالم منطقهٔ نبرد را ترک کردند.



در کردستان انقلابی...

دادند. یک خودرو دشمن با چند سرنشین به کمین رفقای پیشمرگ افتاد که زیر آتش سلاحهای آنان منهدم گشت. بدنهای این عملیات ۵، خودروها مل نیروهای کمکی رژیم به منطقه عملیاتی نزدیک شدند که با تعرض بی امان پیشمرگان پیشروی آنان متوقف گردید. در این نبرد، یک خودرو رژیم از کار افتاد و حداقل ۳ مزدور به هلاکت رسیدند. رفقای پیشمرگ پس از انجام این عملیات همگی سالم شهر را ترک گفتند.

پیشمرگان تیپ ۱۱ سنندج تعرض وسیع نیروهای رژیم را درهم شکستند.

پیشمرگ در این عملیات، ۲ قبضه اسلحه، B . K . C . (تیربار قناسه)، ۸ قبضه کلاشینکف با مهمات مربوطه و یک دستگاه بیسیم کوله پشتی را به غنیمت گرفتند. نام اسرا و کشته های رژیم از دیوهای انقلاب اعلام شده است.

مناقصانه حزب ما، در این نبرد ۲ تن از یاران دلسوز و فداکار خود، رفقی پحیی اما مقلی و توفیق مرادی را از دست داد.

در تاریخ ۱۳ خرداد ماه، مزدوران جمهوری اسلامی، با اطلاع از حضور رفقای پیشمرگ کومه له از تیپ ۱۱ سنندج در اطراف شهر مریوان، یورش وسیعی را علیه آنان تدارک دیدند. رفقای پیشمرگ با بدست گرفتن ابتکار عملیات با چندین حمله سریع، واحدهای از نیروهای رژیم را محاصره و سپس تا روما ر کردند. در جریان این نبرد حداقل ۱۵ نفر از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند که جنازه ۸ تن از آنان در میدان نبرد بجای ماند و سه نفر نیز به اسارت درآمدند. رفقای

حمله پیشمرگان کومه له به یک مقر نیروهای رژیم در شهر مهاباد

در تاریخ ۱۶ خرداد ماه، رفقای پیشمرگ کومه له از گردان ۲۴ مهاباد، پس از پشت سر گذاشتن چندین پایگاه و مقر مزدوران رژیم، وارد شهر مهاباد شدند. پیشمرگان در ساعت هشت و نیم بعد از ظهر در حالیکه مردم هنوز در محلات و خیابانهای شهر در رفت و آمد بودند، در محله مجبورآباد این شهر مستقر شدند. مردم شهر با مشاهده رفقای پیشمرگ بدور آنان حلقه زده و با آنان به گفتگو پرداختند. نیروهای رژیم در این محله، علیرغم حضور وسیع و استقبال مردم از پیشمرگان، از وجود آنان در منطقه بی خبر ماندند. رفقای پیشمرگ مقر نیروهای رژیم در این محله را از هر طرف زیر آتش سلاحهای سبک و نیمه سنگین خود قرار دادند. مزدوران رژیم چنان غافلگیر شده بودند که تا نیم ساعت امکان هیچگونه عکس العملی را نیافتند. پس از اینکه رفقای پیشمرگ همگی سالم منطقه عملیاتی را ترک نمودند، اسامیه و بی هدف، دوروبر خود را به رگبار بستند. از میزبانان تلفات رژیم در این عملیات گزارش شدی در یافت نگردیدیم.

پیشمرگان گردان بانه، تعرض همزمان چندین گروه ضربت را درهم شکستند.

از گروههای ضربت که بمنظور جمع آوری جنازه های پاداران قتل نزدیک شدن به مواضع پیشمرگان را داشت، با آتش سلاح پیشمرگان ناکام ماند. سرانجام پس از هفت ساعت و نیم نبرد، نیروهای رژیم اسامیه و نکست خورده، بطرف پایگاه نظامی مستقر در منطقه عقب نشینی کردند. در جریان این نبرد، تعدادی از مزدوران رژیم کشته و زخمی و دو خودرو آنان از کار افتاد. به رفقای ما آسیبی وارد نگشت.

روز ۲۶ اردیبهشت ماه، نیروهای رژیم مرکب از چندین گروه ضربت، در بلندیهای روستاهای اطراف شهر بانه، تعرض همزمانی را علیه پیشمرگان کومه له آغاز کردند. نیروهای رژیم در بلندیهای مشرف بر این روستا مستقر شده و بمنظور محاصره رفقای پیشمرگ به سوی این روستاها، دست به پیشروی زدند. پیشمرگان کومه له، با ابتکار عملیات را در دست گرفته و با یک حمله متقابل ضمن وارد کردن تلفاتی به مزدوران رژیم، یورش آنان را کاملاً درهم شکستند. تلاش یکی

حمله پیشمرگان کومه له به یک مقر نیروهای رژیم در داخل شهر بانه.

۱۰ شب در بین مرکز شهر و محله "کانی ملا احمد" اقدام به کمین گذاری کردند و یک واحد دیگر، پست بازرسی منطقه را با سلاح سبک و نیمه سنگین زیر ضربات خود قرار

چند واحد از رفقای پیشمرگ گردان بانه، در شب هفتم خرداد ماه، با عبور از میان دهها مقر و پایگاه رژیم بداخل شهر بانه نفوذ کردند. یک واحد از رفقای پیشمرگ در ساعت

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد!



در کردستان انقلابی...

حمله به

قرا رگا ههای مزدوران رژیم دیواندره:

ساعت ۹ صبح روز ۱۷ اردیبهشت، واحدهائی از گردان کاوه، یک پایگاه نظامی رژیم در فاصله ۲ کیلومتری شهردیواندره را با اسلحه سبک و پرتاب نارنجک مورد حمله قرار دادند. افراد مستقر در پایگاه وحشتزده برای حفاظت خود و جلوگیری از پیشروی پیشمرگان، به انفجار تله‌های مین گذاری شده اطراف پایگاه دست زدند. در این عملیات تلفات و خسارات زیادی به سرکوبگران مستقر در پایگاه وارد آمد. مورد حمله همگی سالم منطبقه نبرد را ترک گفتند.

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه نیز مقر تازه تاسیس رژیم در یکی از روستاهای منطقه "خورخوره" دیواندره زیر آتش سلاح‌های پیشمرگان گردان کاوه قرار گرفت و تلفاتی به مزدوران وارد گشت. همین گزارش حاکیست که پایگاه نظامی رژیم در نزدیکی روستای "دزکوهان" از توابع خورخوره دیواندره مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت که در نتیجه آن ۲ تن از افراد پایگاه به هلاکت رسیده و خساراتی به استحکامات نظامی مقر وارد گشت. شب چهارم خردادماه، پایگاه "دره شیخان" نیز مورد حمله پیشمرگان گردان کاوه قیصرار گرفت و متحمل تلفات و خساراتی شد.

بانه: پیشمرگان کومله در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه پایگاه نظامی "سورین" را مورد تعرض خود قرار دادند که در نتیجه آن حداقل ۴ تن از مزدوران کشته و زخمی شدند. در تاریخ ۲۰ خردادماه نیز مقر سرکوبگران جمهوری - اسلامی در روستای "مجیسه" واقع در ۵ کیلومتری شهر بانه مورد تعرض رفقای گردان بانه قرار گرفت و تلفاتی به مزدوران وارد گشت.

سقز: در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه رفقای گردان ۲۶ سقز، پایگاه رژیم در روستای "کا ریزه" واقع در ۳ کیلومتری شهر سقز را به مدت ۲۰ دقیقه زیر آتش سلاح‌های خود گرفتند. در این عملیات استحکامات دشمن آسیب دید و تلفاتی به نیروهای مستقر در پایگاه وارد گشت.

سنندج: در تاریخ هفتم خردادماه، چند واحد از پیشمرگان گردان آریز، یکی از مراکز نظامی رژیم را در روستای "جانوره" بمدت نیم ساعت با سلاح‌های سبک و نیمه سنگین آتش باران کرده و تلفات و خساراتی به نیروهای دشمن وارد کردند.

مهاباد: چند واحد از رفقای پیشمرگی گردان ۲۴ مهاباد، ساعت ۱۲ شب نوزدهم خردادماه، پایگاه "خال دلیل" واقع در ۸ کیلومتری شهر مهاباد را با سلاح‌های سبک و نیمه سنگین مورد حمله قرار دادند. شش بیستم خرداد نیز، چند واحد دیگر از پیشمرگان، مقر نیروهای رژیم مستقر در روستای "حاجی علیکنند" واقع در ۱۲ کیلومتری شهر مهاباد را زیر آتش شدید و مستقیم خود قرار دادند. در جریان این عملیات تلفاتی به نیروهای رژیم وارد گشت و پیشمرگان همگی سالم منطقه عملیاتی را ترک گفتند.

سردشت: یک واحد از پیشمرگان گردان سردشت، در تاریخ ۲۴ خردادماه، بمدت ۲۰ دقیقه استحکامات و نیروهای مستقر در روستای "سپیداری" را زیر آتش سلاح‌های خود گرفتند. در این عملیات خساراتی به استحکامات وارد گشت و چند تن از مزدوران کشته و زخمی شدند.

عملیات

کمین گذاری پیشمرگان

دیواندره: در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه، رفقای پیشمرگ از گردان کاوه در مسیر جاده "قرول - زرینه" به کمین نیروهای رژیم نشستند. یک خودرو گشتی سپاه با سواران به حلقه کمین رفقای پیشمرگ افتاد و زیر آتش سلاح‌های آنان قرار گرفت. در نتیجه این عملیات خودرو از کار افتاد و ۵ نفر از سرنشینان آن کشته و زخمی شدند.

سنندج: صبح روز ۲۲ اردیبهشت ماه، پیشمرگان کومله، شب ۱۱ سنندج، در دو کیلومتری شهردر مسیر جاده اصلی سنندج - سقز، به کمین نیروهای رژیم نشستند. یک اتومبیل گشتی به کمین پیشمرگان افتاد که در نتیجه آتش آنان، ماشین از کار افتاد و ۴ تن از مزدوران کشته و زخمی شدند. این عملیات در میان زنجیره‌ای از پایگاه‌ها و مراکز نظامی جمهوری اسلامی و در یک قدمی با دکان بزرگ شهر بانه جراه درآمد.

سقز: ساعت ۹/۵ شب ۱۵ اردیبهشت ماه رفقای گردان ۲۶ سقز، در دو کیلومتری شهردر محور جاده اصلی سقز - سنندج، یک خودرو نظامی رژیم را به کمین انداخته و پس از انهدام آن، تمام سرنشینان آن را به هلاکت رساندند.

در تاریخ ۱۰ خردادماه نیز رفقای گردان ۲۶ سقز در ۸ کیلومتری شهردر مسیر جاده سقز - بانه، با گروهی از نیروهای رژیم درگیر شده و پس از به هلاکت رساندن حداقل سه نفر، آنان را متواری ساختند. نیروهای کمکی از شهر سقز و پایگاه‌های اطراف منطقه عملیاتی را زیر آتش سلاح سنگین و نیمه سنگین خود قرار دادند که در جریان آن رفیق صالح احمدی جان باخت.

همچنین در تاریخ ۲۳ خردادماه، چند واحد از رفقای گردان ۲۶ سقز در ۱۰ کیلومتری شهردر نزدیکی کوره پزخانه "قیلسون" یک واحد از افراد پایگاه دشمن را به کمین انداختند که در نتیجه آتش پیشمرگان، چند تن از این مزدوران به هلاکت رسیدند.

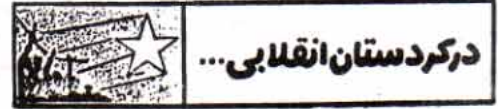
بانه: در تاریخ اول خردادماه، در نتیجه تعرض یک واحد از رفقای گردان بانه به تعدادی از مزدوران رژیم در یکی از روستاهای مسیر جاده سقز - بانه، چند تن از آنان کشته و زخمی شدند.

حمله به گروه‌های ضربت

دیواندره: در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه، چند واحد از پیشمرگان گردان کاوه، یکی از گروه‌های ضربت رژیم را در روستای "شمسه" واقع در مسیر جاده دیواندره - سقز غافلگیر کرده و افراد آن را زیر آتش سلاح‌های خود قرار دادند که در نتیجه آن تعدادی از مزدوران کشته و زخمی و بقیه متواری شدند.

بانه: در تاریخ چهارم خردادماه، محل استقرار گروه ضربت رژیم در روستای "خاپوره" مورد حمله یک واحد از رفقای گردان بانه قرار گرفت که در نتیجه آن تلفاتی به مزدوران وارد گشت.

در تاریخ دهم خردادماه نیز رفقای پیشمرگ، یک گروه ضربت جمهوری اسلامی را در روستای "سرونج" واقع در ۱۰ کیلومتری شهر بانه را غافلگیر کرده و تعدادی از آنان را به هلاکت رساندند.



در کردستان انقلابی...

سقز: رفقای گردان ۲۶ سقز، در تاریخ هشتم خرداد ماه یک گروه ضربت رژیم در روستای "حاجی ممان" واقع در سرشیوسقز را زیر آتش سلاحهای خود گرفته که در نتیجه آن تلفات زیادی به این مزدوران وارد گشت.

در تاریخ ۴ خرداد، رفقای پیشمرگ بار دیگر بمنظور ضرب زدن به گروه ضربت مزبور، وارد روستای "اسحاق آباد" شدند و در اطراف روستا اقدام به کمین گذاری نمودند. مزدوران رژیم بمحض مشاهده کمین پیشمرگان سراسیمه متواری گشتند اما پیشمرگان به تعقیب آنان پرداخته و تلفاتی بر آنان وارد ساختند.

سنندج: در تاریخ ۱۶ خرداد ماه، چند واحد از رفقای گردان آریز، در روستای "کلچیر" با مزدوران گروه ضربت "چانوره" درگیر شده و آنان را مورد حمله خود قرار دادند. نیروهای رژیم سراسیمه دست بفرار میزنند. همزمان با این تعرض، یک واحد دیگر از رفقای پیشمرگ با سلاحهای سبک و نیمه سنگین با نگاه مزدوران رژیم مستقر در پشت روستا را مورد حمله خود قرار دادند.

در هم شکستن تعرضات رژیم

سنندج: در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه دهستان از نیروهای جمهوری اسلامی، با اطلاع از حضور یک واحد از پیشمرگان کومله در روستای "تنگ باغ" واقع در منطقه سارال سنندج، این منطقه را به محاصره خود در آوردند. رفقای پیشمرگ حلقه محاصره را در هم شکسته و از روستا خارج شدند. بدنبال آن یکی از ارتفاعات منطقه را نیز از دست نیروهای مزدور رژیم خارج کرده و منطقه عملیاتی را ترک گفتند. در این نبرد تعدادی از مزدوران به هلاکت رسیدند. متأسفانه در این جریان رفیق محسن فرومند، عضو حزب کمونیست ایران و مسئول دسته سازماندهی سارال و یکی از رهبران زحمتکشان نواحی جنوب کردستان و رفیق صدیق حسینی پیشمرگ رزمنده کومله جان باختند.

در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه نیز رفقای پیشمرگ کمین نیروهای رژیم در یکی از روستاهای اطراف شهر سنندج را در هم شکستند و پس از وارد کردن تلفاتی به آنان سالم منطقه عملیاتی را ترک گفتند.

همچنین در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه، پیشمرگان گردان آریز، حلقه محاصره نیروهای رژیم را طی نبرد ۴ ساعته در هم شکستند و سالم از منطقه عملیاتی دور شدند.

در تاریخ ۱۶ خرداد ماه، چند واحد از پیشمرگان تیپ ۱۱ سنندج، با یک گروه گشت مزدوران رژیم در ارتفاعات روستاهای "ما موله" و "دری" مواجه گشتند. مزدوران رژیم با بجای گذاشتن یک کشته بداخل پایگاه نظامی مستقر در منطقه عقب نشینی کرده و تقاضای نیروی کمکی کردند. رفقای پیشمرگ با نیروی کمکی نیز درگیر شده که سرانجام بعد از ۳ ساعت درگیری آنان را نیز به عقب نشینی واداشتند. در این درگیری تلفاتی بر نیروهای رژیم وارد گشت و رفقا همگی سالم میدان نبرد را ترک کردند.

در تاریخ ۱۷ خرداد ماه، تعداد زیادی از مزدوران رژیم، ارتفاعات روستای "لاوسان" واقع در بخش کوماسی مریوان را اشغال کردند. چند واحد از پیشمرگان تیپ ۱۱ سنندج به مقابله با مزدوران شتافتند. پیشرویی دشمن در مقابل تعرض رفقای پیشمرگ متوقف شد. با رسیدن نیروی کمکی، نیروهای رژیم با آرایش جدیدی، تعرض دیگری را سازمان دادند که آنهم بسرعتم درهم شکسته شد. در جریان این نبردها تا ساعت ۷/۵ بیدار ظهر و بعد تا ساعت طول کشید، تلفاتی بردشمن وارد گشت و رفقای پیشمرگ همگی سالم منطقه عملیاتی را ترک گفتند.

روز بعد نیز، رفقای پیشمرگ گردان آریز، با یک طرح چسورانه، حلقه محاصره مزدوران رژیم در اطراف روستای "نسل" در نزدیکی جاده سنندج - مریوان را درهم شکستند. در جریان این درگیری تعدادی از مزدوران رژیم کشته و زخمی و ۲ تن به اسارت درآمدند و سه قبضه سلاح به غنیمت گرفته شد. متأسفانه در این نبرد رفیق احمد بهرامی عضو حزب کمونیست ایران و فرمانده دسته جان باخت.

در تاریخ اول خرداد ماه، سه تن از رفقای گردان کاوه در یکی از روستاهای بخش "اوباتو" دیواندره، بهنگام اجرای یک ماوریت بمنظور دستگیری یکی از مالکین مرتجع منطقه و همکار رژیم، به وسیله جنا پتکاران جمهوری اسلامی محاصره شده و

برگها بسته شدند. رفقا رشید ممری عضو حزب کمونیست و معاون دسته و ایوب صفائی عضو حزب کمونیست و مسئول دسته در این واقعه در دم جان سپردند و رفیق پدال آقائی عضو حزب کمونیست و فرمانده پل در حالیکه زخمی شده بود به وسیله این جنایتکاران تیرباران شد. در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه، رفیق امین کریمی عضو حزب کمونیست ایران و معاون فرمانده دسته در حالیکه برای اجرای یک ماوریت تشکیلاتی از مسیر جاده "مران علیا" از توابع دیواندره عبور میکرد، با عده ای از مزدوران گروه ضربت تکاب روبرو شده و از هر طرف محاصره گشت. رفیق امین پس از یک ساعت و نیم مقاومت قهرمانانه در برابر یورش مزدوران، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت.

در تاریخ ۱۳ خرداد ماه یک واحد از رفقای پیشمرگ گردان کاوه، در روستای "ککوسان" از توابع خورخوره دیواندره، کمین نیروهای رژیم را با یک حمله سریع درهم شکستند و پس از وارد کردن تلفاتی به آنان، منطقه عملیاتی را سالم ترک گفتند.

بانه: در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه، مزدوران گروه ضربت، رفقای پیشمرگ گردان ۲۶ سقز را در روستای "کنده سوره" را مورد حمله قرار دادند. رفقای پیشمرگ با یک تعرض حساب شده، با پیشروی بسوی ارتفاعات محل نبرد، موفق شدند در مدت کوتاهی مزدوران گروه ضربت را از موضع خود عقب رانده و در اطراف مستقر شوند. در جریان این نبرد رژیم بمقام مواضع پیشمرگان را زیر آتش سلاح سنگین گرفته بود که در نتیجه آن رفیق رحیم کریمی جان باخت. در این درگیری تلفاتی بر نیروهای رژیم وارد گشت که جنازه ۲ تن از آنان در میدان نبرد بجای ماند.

روز ۵ خرداد ماه، یک واحد از پیشمرگان کومله، به هنگام اجرای ماوریتی در روستای "ساوان" بانه با گروهی از مزدوران جمهوری اسلامی درگیر شدند که در جریان آن ۲ تن از افراد رژیم به هلاکت رسیدند. در این درگیری متأسفانه رفیق کریم فتحی، عضو حزب کمونیست ایران و معاون فرمانده دسته جان باخت.

در تاریخ ۲۰ خرداد، چند واحد از رفقای پیشمرگ گردان بانه، در ۱۰ کیلومتری جاده بانه - سقز، به وسیله نیروهای رژیم محاصره و مورد یورش قرار گرفتند. حمله متقابل رفقای پیشمرگ باعث هلاکت رسیدن چند نفر و متواری گشتن بقیه شد.

مجازات سه تن از اعضای جمهوری اسلامی در سنندج، مریوان و سردشت

در تاریخ ۷ خرداد، پیشمرگان کومه‌له از گردان سردشت، وارد این شهر شده و ملامحمد عظیمی امام جمعه مزدور سردشت را اعدام انقلابی کردند. این مزدور، در اجرای سیاستهای جمهوری اسلامی در کردستان و سرکوب جنبش انقلابی کردستان نقش فعالی داشت. تبلیغ مسترورسی بنفع جمهوری-اسلامی و بر علیه جنبش انقلابی کردستان، کمک فعال به اجرای سیاست سرکوبگری، تسلیح اجباری و کوچ اجباری، از اقدامات او بودند. نا مبرده قبلا نیز توسط کومه‌له دستگیر شده و با تهدید همکاران با رژیم آزاد شده بود.

همچنین در تاریخ ۵ خردادماه، یک واحد از رفقای پیشمرگان کومه‌له، در داخل شهر سنندج، بر روی یکی از مزدوران قدیمی و سرشناس رژیم در سنندج بنام حاج مسعود غمیان آتش گشودند. از دحام مردم و شلوغی خیابان به سوی امکان داد تا جان کشف خود را نجات دهد.

در تاریخ سیزدهم اردیبهشت ماه، پیشمرگان کومه‌له از گردان شوآن، برای دستگیری مزدور مشهور روستای حسن آباد بنام محمد حسنی در فاصله بین منزل این مزدور و مقر نیروهای رژیم اقدام به یک کمین گذاری کردند. هنگام عبور این مزدور از این مسیر، پیشمرگان از وی خواستند که خود را تسلیم کند ولی با مقاومت وی روبرو گشتند. پیشمرگان با شلیک گلوله او را به سزای اعمال ننگین اش رساندند. این مزدور خود فروخته از سال ۵۹ رسماً در خدمت رژیم بوده و مسئولیت مقر مزدوران محلی مستقر در روستای حسن آباد را بر عهده داشت و در اجرای سیاستهای ضد انقلابی رژیم در کردستان نقش مهمی گرفته بود.

همچنین در تاریخ ۲۴ خردادماه، واحدی از رفقای پیشمرگان گردان کاک فواد طی یک عملیات، ظاهر هوشیاری، یکی از فرماندهان عملیاتی رژیم در منطقه مریوان را به کمین انداخته و بی آنکه مجال کوچکترین حرکتی به وی بدهند، او را به هلاکت رساندند.

دهها تن دیگر به صفوف پیشمرگان کومه‌له پیوستند

بنا به گزارش مرکز آموزش پیشمرگان، در تاریخ ۱۷ اسفند، بمناسبت روز جهانی زن، طی مراسم ویژه‌ای دهها نفر دیگر به صفوف پیشمرگان کومه‌له پیوستند. این عده از نواحی مختلف کردستان به مرکز آموزش مراجعه کرده بودند. در میان پیشمرگان جدید تعدادی از مبارزین و انقلابیون شهرهای نقاط مختلف ایران و شماری از سرپازان فراری وجود داشتند. با تسلیح این گردان، در طول سال گذشته مجموعاً هفت گردان از کارگران و زحمتکشان و انقلابیون پس از طی دوره‌های آموزشی وارد صف پیشمرگان کومه‌له شدند.

همچنین در تاریخ ۷ خردادماه، طی مراسم ویژه‌ای دهها تن دیگر از مبارزان و زنان زحمتکش، پس از طی دوره آموزشی سیاسی - نظامی خود، مسلح شده و به صفوف پیشمرگان کومه‌له پیوستند.

یکی از عوامل رژیم با اسلحه و مهمات خود را تسلیم پیشمرگان کومه‌له کرد.

روز ۲۸ خردادماه، یکی از افراد مسلح رژیم بنام ارکان فاتحی از افراد گروه ضربت نوذر با سلاح و مهمات خود را تحویل پیشمرگان کومه‌له داد.

عملیات مین گذاری پیشمرگان

در تاریخ دوم خردادماه، یک تراکتور متعلق به نیروهای دشمن در مسیر پگاه رژیم در نزدیکی روستای "دهوان" در ناحیه دیواندره، با مینی که توسط رفقای گردان کاک فواد گذاشته شده بود، برخورد کرده و منهدم گردید. در تاریخ چهارم خردادماه نیز در اثر برخورد عده‌ای از مزدوران رژیم با یک تله انفجاری که توسط رفقای پیشمرگان گردان کاک فواد در نزدیکی پگاه فاتح در آبادی گذاشته شده بود، حداقل ۲ تن از نیروهای رژیم به هلاکت رسیدند.

در کردستان انقلابی...

وبالآخره در تاریخ ۲۷ خردادماه، یک واحد دیگر از پیشمرگان گردان بانسه در روستای "مرقد" در نزدیکی شهر بانسه، با کمین مزدوران گروه ضربت روبرو میشوند. در این درگیری تعدادی از مزدوران کشته و زخمی شدند که مزدور مشهور عطا بهرامی جزو کشته شدگان است. رفقای پیشمرگان همگی سالم به ما موریت خود ادامه دادند.

مها بساد: در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه، چند واحد از رفقای گردان ۲۴ مها بساد، در ناحیه بانسه مورد یورش نیروهای رژیم قرار گرفته و در طی نبردی ۴ ساعته، بعد از وارد کردن تلفاتی به مزدوران، آنان را وادار به عقب نشینی نمودند. متأسفانه در جریان این درگیری رفقا خالد خضرپور، عضو حزب کمونیست ایران و عضو علی البدل کمیته ناحیه مها بساد بنا سرداد در پیش عضو حزب کمونیست و همایون حلمی پیشمرگان انقلابی کومه‌له جان باختند. مریوان: در تاریخ نهم خرداد، چند واحد از رفقای گردان کاک فواد در روستای "لسی" واقع در ۵ کیلومتری پادگان مریوان با نیروهای جمهوری اسلامی مواجه شدند. پس از یک درگیری کوتاه، تلفاتی بر نیروهای رژیم وارد گشت و سپس متواری شدند. در جریان این درگیری متأسفانه رفقا عثمان حقیقت، عضو حزب کمونیست و عضو کمیته ناحیه مریوان و علی اصغر متمدنی پیشمرگان فداکار کومه‌له جان باختند.

سقز: رفقای گردان ۲۶ سقز در جریان یک نبرد ۱۵ ساعته در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه در منطقه سرشیوسقز، یورش گسترده یک ستون نظامی جمهوری اسلامی را بطور کامل درهم شکستند. در جریان این درگیری حداقل ۱۰ تن از مزدوران رژیم زهای درآمدند. رفیق اسما عیلمظفی نیز از پیشمرگان سقز و فداکار کومه‌له در این نبرد جان باخت.

بنوکان: یک واحد از رفقای پیشمرگان گردان ۳۱ بنوکان که برای انجام ما موریتی عازم روستای "حوتاش" واقع در سرشیوسقز بودند، در شب ۲۴ خردادماه با گروهی از افراد دشمن در داخل روستا روبرو گشتند. در همان لحظات اول درگیری، مزدوران رژیم با بجای گذاشتن یک کشته بطرف پگاه مستقر در پشت روستا متواری گشتند و رفقای پیشمرگان همگی سالم به ما موریت خود ادامه دادند.



در کردستان انقلابی...

نگاهی به مبارزات توده‌های مردم کردستان در بهار سال ۶۶

جمهوری اسلامی، نا توان از در هم شکستن اراده مصمم توده‌های مردم زحمتکش کردستان و نا توان از تشبیت سیاستهای ضد انقلابی خود، با عربان ترین شیوه‌های ممکن، فشار و زورگوشی را بنهایت درجه رسانده است. در بهار را سال نیز، شهرها و روستاهای کردستان شاهد رویارویی و مبارزه مصممانه توده‌های زحمتکش علیه سیاستهای ضد انقلابی جمهوری اسلامی بود. فراوسیع جوانان دستگیر شده از جبهه‌های جنگ ارتجاعی و مراکز نظامی رژیم، مقاومت وسیع علیه سرکشی و زکیم

کوچ اجباری، دست زدن مقرر در روستاها، نگاهبانی اجباری و مبارزه برای دریافت خسارات جنگی، اعتراض علیه وضعیت زندانیان سیاسی، برپایی مراسم‌های علمی و توده‌ای علیه جمهوری اسلامی، عرصه‌های وسیعی از مقاومت و مبارزه توده‌های زحمتکش است که سیما ی سیاسی مبارزات توده‌های کردستان را در چند ماه گذشته نشان میدهد. ما توجه شما را به فشرده اخبار این مبارزات جلب میکنیم.

سیاست سرکشی و زکیم در کردستان، یک سیاست ورشکسته است.

اخبار مبارزات توده‌های مردم علیه سرکشی و زکیم نشان دهنده این واقعیت است که جمهوری اسلامی در این سیاست خود، در کردستان با ناکامی مواجه شده است. توده‌های ستم دیده کردستان چه با اعتراض و مقابله با این سیاست، چه با فراهم کردن شرایط و امکان فرار جوانان دستگیر شده، و چه با فرار خود آنان از مراکز نظامی رژیم و جبهه‌های جنگ در کردستان، به مقابله سر سختانه‌ای علیه سرکشی و زکیم دست زده اند. اخبار زیر گوشه‌هایی از این واقعیت را نمایش میدارند:

در تاریخ ۷ فروردین ماه، نیروهای رژیم در شهر سنندج، همه‌چهاراها، خیابانها، محله‌های تجمع کارگران بیکار و راه‌های ورودی و خروجی شهر را بشدت زیر کنترل گرفتند و توانستند تعدادی از کارگران بیکار را دستگیر نمایند. همچنین در همین تاریخ طی یورش همزمانی به روستاهای نزدیک شهر و روستاهای بخش "سارال"، "ژاوه رود" و "کلانتران" باعث دستگیری عده دیگری از جوانان شد. اما بخش زیادی از دستگیرشدگان به کمک مردم محل موفق به فرار شدند و بقیه نیز از پادگان ژاندارمری سنندج، پایگاه نیروی هوایی تهران و پادگان عجب شیر دست به فرار زدند.

در تاریخ بیستم فروردین ماه، یورش نیروهای رژیم برای دستگیری جوانان به روستاهای اطراف مریوان باعث دستگیری عده‌ای از جوانان روستاهای "ویلسه"، "گماره لنگ" و "ماسی پیر" شد که اکثر آنان در نتیجه مقاومت و اعتراض دستجمعی زنان و مردان این روستا از چنگال مزدوران رها شد.

اطلاعیه تاریخ ۲۵ و ۲۱ فروردین ماه ژاندارمری ناحیه دیوانده برای معرفی جوانان به سرپازی، با بی اعتنائی آنان مواجه شد. درخواست مزدوران رژیم از مردم روستاهای بخش "قره توره"، "قلقالی" و "قمری" برای معرفی جوانان مشیول و توسل آنان به ارباب مردم و شورا های اسلامی روستاهای این مناطق، با مقاومت مردم و بی اعتنائی آنان بی جواب ماند.

روز ۲۱ فروردین ماه، تلاش نیروهای رژیم برای دستگیری جوانان روستاهای مسرچاده دهگلان - کامیاران، در اثر همکاری و کمک اهالی منطقه با شکست مواجه شد.

روز ۲۲ فروردین ماه، اهالی مبارز روستاهای "بابینجو" از توابع سنندج با تجمع در مقابل پایگاه نظامی رژیم در این روستا موفق شدند جوانان دستگیر شده را آزاد کنند. بنا به همین خبر تعداد ۱۵۰ تن از جوانان دستگیر شده منطقه "لیلاخ" سنندج از مراکز نظامی رژیم دست به فرار زدند.

مبارزه زنان و مردان زحمتکش روستای "نستان" از توابع سردشت در اول فروردین ماه، باعث آزادی ۱۶ نفر از ۲۰ نفر جوان دستگیر شده گردید. در اثر تیراندازی مزدوران رژیم، یک زن زحمتکش زخمی شد.

در تاریخ ۲۴ فروردین، نیروهای رژیم تعدادی از جوانان سنندج را در خیابان فردوسی دستگیر نمودند. مردم شهر بلافاصله با دادن شعار علیه جمهوری اسلامی با آنان کلاویز شده که در نتیجه آن همگی جوانان موفق به فرار شدند. در همین روز تعدادی از دستگیر شدگان در محله عباس آباد این شهر، با شکستن شیشه‌های ماشین حامل آنان، خود را از چنگال مزدوران رژیم آزاد کردند.

در تاریخ ۲۵ فروردین ماه، تعداد ۲۶۰ تن از جوانانی که در ناحیه سردشت دستگیر شده بودند از جبهه حاج عمران فرار کردند. همچنین در همین ماه سال گذشته نیز تعداد ۲۰ نفر دیگر از پادگان ۵۸ ذوالفقار تهران فرار کرده بودند.

یورش مزدوران رژیم مستقر در تکاب، در اوایل فروردین ماه به بخشهای "اوباتو" و "کرفتو" از توابع دیواندره به منظور دستگیری جوانان، در روستاهای بخش "کرفتو" و روستاهای "رحیم کزیاک"، "قوچاق"، "کانی شیرین" و چند روستای دیگر، با مقاومت مردم روبرو شد و رژیم تنها روز بعد با غافلگیری کردن مردم موفق شد تعدادی از جوانان این روستاها را دستگیر و روانه پادگان عجب شیر کند.

تعداد ۵۰ تن از جوانان شهید دیواندره که در فاصله ۱۶ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت توسط رژیم دستگیر و به مراکز آموزشی تهران اعزام شده بودند با کمک وسیع مردم تهران موفق شدند خود را از چنگ مزدوران رژیم آزاد سازند.

در تاریخ ۲۵ فروردین ماه تلاش نیروهای رژیم در خیابان ۲۵ شهریور سنندج منجر به دستگیری عده‌ای از جوانان گردید اما مردم مبارز شهر با محاصره ماشین حامل دستگیر شدگان تمامی آنان را آزاد ساختند.

بنا به اخبار رسیده تعداد ۲۰۰ نفر از جوانان دستگیر شده شهر سنندج و روستاهای اطراف موفق شدند از مراکز آموزشی و نظامی رژیم در تهران فرار کنند.



در کردستان انقلابی...

از اول اردیبهشت ماه، یورش وسیع نیروهای رژیم به خبا با آنها، محلات و میادین شهر با مبارزه و مقاومت وسیع مردم روبرو شد. بنا به این گزارش تلاش رژیم برای سرکوبگری در خبا با نهایی فرج سابق، اکباتان، محله سپورآباد و فیض آباد، در اثر مقاومت متحد جوانان و اهالی این مناطق ناکام ماند.

روز دوم اردیبهشت ماه تعداد ۳۰ نفر از جوانان دستگیر شده منطقه سرشیو مریوان با کمک مردم تهران فرار کردند. همچنین تعداد دیگری نیز از یگان نظامی رژیم در "گاران" مریوان دست به فرار زدند و مبارزه و اعتراض دستجمعی اهالی این منطقه باعث آزادی عده دیگری از دستگیرشدگان گردید.

هجوم وحشیانه نیروهای رژیم به شهرک "کاشی دینار" مریوان، باعث دستگیری ۳۰ تن از جوانان دستفروش شده که تمامی آنان با دست زدن به یکا اعتراض و با کمک و پشتیبانی اهالی آزاد شدند.

روز دهم اردیبهشت، عوام مسلح جمهوری اسلامی، روستاهای "دره هوان" واقع در بخش "خورخوره" سقز را مورد حمله قرار دادند. مردم مبارزان روستا، با سنگ و چوب آنان را از روستا بیرون کردند. در تاریخ ۲۶ اردیبهشت، با ر دیگر سرکله، این مزدوران پیدا شد و ۴ نفر را دستگیر کردند که با اعتراض شدید مردم و تجمع در مقابل پایگاه هر ۴ نفر آزاد شدند.

در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه، هجوم سرکوبگران رژیم به چهار راه خبا با ن فرج سابق و چهار راه باغ بمنظور شکست دادن جوانان، باعث تجمع و تظاهرات مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. مزدوران با مشاهده تجمع مردم، خود را از مرکز دور کردند. برپا شد تظاهرات و تجمعات علنی، اکنون دیگر به یکی از اشکال موثر مقاومت و مبارزه مردم علیه سرکوبگری تبدیل شده است.

روزی ام اردیبهشت ماه، مزدوران گروه ضربت، روستای "وشیره" واقع در سرشیو سقز را محاصره کردند. جوانان روستا با کمک مردم موفق به فرار شدند. روز بعد این مزدوران توانستند با غافلگیری کردن مردم، دو نفر را دستگیر کنند که هنگام فرار کردن آنان از روستا، با مقاومت یکبارچه مردم، ناچار از آزاد کردن آنان گشتند.

نیروهای رژیم در تاریخ ۴ خرداد، روستای "قامیشه" واقع در سرشیو مریوان را مورد حمله قرار دادند. مردم روستا ابتدا جوانان را از روستا خارج کرده و سپس با اعتراضات خود، مزدوران رژیم را وادار به ترک روستا کردند.

یورش رژیم به روستاهای "قره گویش" و "تاریکند" از توابع بوکان در هفتم خرداد، تنها باعث دستگیری ۲ تن از جوانان شد. بقیه جوانان روستا، پس از اطلاع از یورش رژیم خود را مخفی کرده و از دسترس مزدوران دور نگهداشتند.

در تاریخ ۸ خرداد ماه روستای "پشت تپ" واقع در اطراف مها با مورد هجوم نیروهای رژیم قرار گرفت. اهالی روستا به درگیری با آنان پرداخته و با مجروح کردن چند تن و شکستن شیشه های اتومبیل آنان را متواری ساختند. مزدوران رژیم تنها موفق به دستگیری یک نفر از جوانان روستا شدند.



مقاومت و مبارزه مردم علیه تسلیح اجباری و نگهداری اجباری

کرده و قاطعانه خواستار قطع فوری هرگونه فشار رومی حرمتی علیه مردم منطقه شدند. نمایندگان مردم در برابر یکا علیه سیاست تسلیح اجباری به شدت اعتراض کردند. مبارزه و مقاومت مردم این روستا ها علیه سرکوبگریها و تعدیات مزدوران جمهوری اسلامی ادامه دارد.

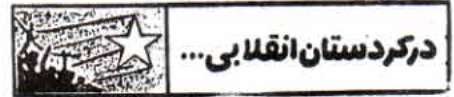
روزی ام اردیبهشت ماه، ۴۰ تن از اهالی روستای "آلی جان" از توابع دیواندره علیه سیاست نگهداری اجباری، جلومقر مزدوران جمهوری اسلامی دست به اعتراض زدند. همین گزارش حاکیست که روز ۴ خرداد ماه نیز ۲۲۰ تن از اهالی روستای "آواره" در اعتراض به نگهداری اجباری به شهرداریاندره رفته و در مقابل مقر سپاه با سداران تجمع کردند.

اهالی زحمتکش یکی از روستاهای بخش "بوئین" با نه در اردیبهشت ماه سال جاری در برابر سیاست تسلیح اجباری یکبارچه به مقاومت برخاستند. آنان پس از بیرون راندن ما مورین رژیم از روستا، با تشکیل مجمع عمومی، تصمیم به ادامه مقاومت در برابر این سیاست ضد انقلابی رژیم گرفتند.

نیروهای مزدور جمهوری اسلامی در چهارم فروردین نسبت به تعدادی از زحمتکشان چند روستای منطقه سوسنی در اطراف سردشت، دست به اهانته و آزار زدند تا آنها را وادار به مسلح شدن کنند. در این رابطه در تاریخ ۶ فروردین تعداد ۴۰ نفر از زحمتکشان منطقه بنما بندگی از سوی اهالی ۶ روستا، در برابر یکا رژیم در روستای "نلان" اجتماع

بعد از اینکه تلاشهای مزدوران رژیم در پاییز و زمستان ۶۵ برای سرکوبگری و اعزام آنها به جبهه های جنگ در منطقه پیرا شهر با شکست مواجه شد، رژیم در سال جدید با بکارگیری مترجمین محلی درصدد مسلح کردن مشمولین در محل برآمده است. بدینوسیله رژیم به تبلیغات گسترده ای در منطقه دست زده است و با این توطئه که مسلح شدن را به جبهه ها نخواهد فرستاد، در تلاش است تا بتدریج آنان را تحت عنوان "سرباز محلی" و "سرباز عشیره" در خدمت اهداف ضد انقلابی خود قرار دهد. رژیم جمهوری اسلامی هر چند از همکباری مترجمین محلی برخوردار است اما در هر قدم با مبارزه و مقاومت زحمتکشان شهر و روستاهای پیرا شهر مواجه است.

زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش!



گوشه‌هایی از

فشار مزدوران جمهوری اسلامی در کردستان و مبارزات مردم

روز بیستم اسفندماه گروهی از مزدوران محلی، یکی از جوانان روستای "موی" از توابع دیواندره را دستگیر و مورد شکنجه قرار میدهند. مردم مبارز روستا با بیمل و چوبدستی وبا دادن شمشیر علیه جمهوری اسلامی، به سمت پایگاه رژیم در این روستا دست به راهپیمایی زده و خواستار دستگیری و مجازات عاملین شکنجه شدند. مبارزات مردم روستا باعث شد تا مسئول اطلاعات سپاه دیواندره در جمع مردم ظاهر شده و اعلام کند که عاملین شکنجه را دستگیر و زندانی کرده‌اند. مردم مبارز همانجا اعلام میکنند که از این پس هیچگونه خشونت را از جانب مزدوران تحمل نکرده و بی جواب نخواهند گذاشت.

نیروهای رژیم در فاصله چهارم تا نهم فروردین اهالی روستاهای مران علیا و چندین روستای دیگر بخش "اوبا تو" از توابع دیواندره را برای پس دادن سلاح تحت فشار گذاشته‌اند. مزدوران رژیم با فریب و سوگند دادن مردم موفق میشوند در روستای "مران علیا" چند قبضه سلاح بدست آورند. این توطئه ردیبلان دشمن در بقیه روستاها با هوشیاری و مقاومت مردم خنثی شد.

همچنین در اوایل فروردین ماه، مزدوران گروه ضربت تکاب، به روستای "تازه آب" بزرگ از توابع دیواندره، رفته و پس از دستگیری ۴ نفر از اهالی، آنان را برای تحویل دادن اسلحه تحت فشار قرار دادند. خانواده دستگیرشدگان به همراه جمعی از اهالی روستا به شهر تکاب رفته و خواستار آزادی آنان شدند.

در روزهای آخر اسفند، یکی از ساکنین روستای "نژمار" از توابع مریوان، در اثر تیراندازی مزدوران، به قتل میرسد. مردم روستا همراه با ۱۰۰ خانواده، آواره ساکن روستا در اجتماع عمومی خود تصمیم گرفتند که بعنوان اعتراض به این جنایت وبا خواست مجازات عاملین جنایت و لغو ننگهایی که اجباری یک حرکت اعتراضی عمومی برپا کنند. در اجرای این تصمیم، اهالی روستا بلافاصله مدرسه، مغازه‌ها و حمام عمومی روستا را بستند و اعتماد عمومی را اعلام کردند.

جمعیت معترض دستجمعی در مسیر چاده، سنجق - مریوان با دادن شمشیرها، مبنی بر لغو ننگهایی اجباری و مجازات عاملین جنایت، دست به راهپیمایی زدند. تهدید و اوعصاب سرکوبگران جمهوری اسلامی و تلاشهای مرتجعین نتوانست مردم خشمگین، و معترض را از این حرکت انقلابی بازدارد. آنها یکپارچه اعلام کردند که تا رسیدن به خواست‌هایشان مبارزه خود را ادامه خواهند داد. مزدوران رژیم برای مرعوب کردن مردم به دستگیری و نفر متوسل شدند اما مردم خواست آزادی قسری آنان را به خواستهای خود اضافه کردند. مزدوران رژیم همه دستگیرشدگان را آزاد و ولی از جوابگویی به خواستهای اصلی مردم امتناع کرده، برای پایان دادن اعتماد و اعتراض عمومی مردم تلاش مینمودند. با اینهمه اعتراض یکپارچه مردم به مدت چند روز ادامه داشت.

مزدوران مستقر در روستای "نیکی کند" از توابع بوکان، روز اول فروردین بطرف جمعی از اهالی روستا که در پشت با آنها تجمع کرده و مشغول برگزاری مراسم توری بودند آتش کشیده و یک جوان ۱۸ ساله را به شهادت میرسانند.

رژیم جمهوری اسلامی که در اجرای سیاست کوچ اجباری مردم مناطق مرزی کردستان با مبارزه زحمتکشان این مناطق، ناکام مانده است، اخیراً درصدد برآمده است که در مرزهای نواحی پیرانشهر و سردشت، سیم خاردار بکشد و در چندین نقطه این کار را عملی کرده است. این اقدام ضد مردمی رژیم با هدف محدود کردن و ایجاد تشویشات برای کار و زندگی بخش قابل توجهی از زحمتکشان ساکن مناطق مرزی و با هدف به تمکین کشاندن آنان در مقابل سیاست کوچ اجباری صورت گرفته است.

در تاریخ دهم اردیبهشت ۲۰۰۰ تن از زحمتکشان روستای "ملوات آب" از توابع حومه شهر سنجق، در اعتراض به قسطی آب آنها میدنی با برپایی یک تجمع اعتراضی در مقابل مراکز دولتی در شهر سنجق برای چندمین بار علیه این اقدام رژیم دست به

مبارزه زدند. مردم معترض، با مشام شده بی اعتنائی کا رگزاران جمهوری اسلامی، به اعتراض خود گسترش بخشیده و در خفا با نهایی شاهپور و سیروس شهر سنجق دست به تظاهرات زدند. در جریان این تظاهرات مردم مبارز دوران رژیم درگیر شده و چند تن از ما مورین دولتی را زخمی کردند. مردم مبارز شهر به کمک تظاهرات کنندگان شتافته و خواستهای آنها را مورد دفاع قرار دادند. جمهوری اسلامی با مشام شده این وضع، عقب نشسته و به خواست آنان پاسخ داد.

در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ۵۰۰ تن از مزدوران سپاه پاسداران، به منظور استقرار پایگاه و وارد روستای "گل کند" از توابع "سوسنی" سردشت میشوند و بدین منظور به مدت سه روز در منزل یکی از اهالی روستا مستقر میگرددند. اعتراض و مبارزه مردم روستا این مزدوران را ناچار از ترک روستا میکند.

اهالی زحمتکش محله "اصحاب سفید" مهاجران در دادگاه مبارزه و اعتراض خود علیه سرقتها اعضای شورای اسلامی محله خود که در ۲۳ اردیبهشت ماه آن را آتش زده بودند، متوجه شدند که اداره آب و برق در بلا کشیدن این پول دست داشته است. شورای اسلامی محله مزبور، به بهانه لوله کشی از هزار خانواده مبلغی به میزان دوهزار تا دوهزار و پانصد تومان گرفته بودند. که از این مبلغ، مقدار ده هزار تومان بسرقت رفته بود. اوایل اردیبهشت ماه اهالی معترض، شهردار و فرماندار مهاجران را برای پیگیری این کلاهبرداری مورد اعتراض قرار دادند. اهالی تصمیم هستند تا به مبارزه متحد خویش علیه رژیم و شورای اسلامی تا متحقق کردن خواست خود ادامه دهند.

اخیراً خانواده‌های پیشمرگان در شهر و روستاهای سقز، تحت فشار جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. مزدوران رژیم خانواده‌ها را برای وادار کردن فرزندان نشان برای ترک صفوف پیشمرگان تحت فشار گذاشته و برای ارباب مردم، منزل یکی از این خانواده‌ها را مصادره نموده‌اند.

در تاریخ ۵ خرداد، تعدادی از مزدوران رژیم برای جلوگیری از کسب و کار دستفروشان وادیت و آزار آنها به خفا با سیروس شهر سنجق ریخته و با تحت فشار قرار دادن چند دستفروش که مشغول فروختن نان بودند، آنها را مجبور کرد. این فقر زحمتکش شروع کردند. مزدوران رژیم یکی از زحمتکشان معترض را



در کردستان انقلابی...

زیرمشت ولگدگرفتند، بقیه دستفروشان و مردمی که شا هدایین صحنه بودند با شما رهسای مرگ بر "جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر شهربانی" در محل حادثه تجمع می‌کنند.

مزدوران رژیم درخواست نیروی کمکی کرده و پس از مدت کوتاهی در مقابل حملات جسورانه و صف پیکار چه مردم تا بمقاومت نیاورده، با استفاده از فرصت چند نفر را دستگیر کرده و همراه خود بردند.

در تاریخ اردیبهشت ماه، اهالی زحمتکش روستای "احمدک" از توابع دیواندره مورد تهدید یک گروه گشتی نیروهای جمهوری اسلامی برای پس دادن زمینهای مصادره شده مالک روستا واقع میشوند. اهالی زحمتکش روستا، در مقابل این تهدید پیکار چه به مقابله برخاستند و فرمانده گروه مزبور را زیر کتک گرفتند. مزدوران وحشت زده دست به تیراندازی هوایی زده و تلافی نیروی کمکی کردند اما مزدوران مستقر در پیکاه از ترس شعله ورت شدند و ختم مردم، از اعزام نیرو خودداری کردند. مردم بیا ز روستا پس از زخمی کردن چند تن از افراد مسلح رژیم، موفق شدند آنان را از روستا پشان فراری دهند.

در روزهای ۶ و ۷ اردیبهشت ماه، ما مورین شهرداری بمنظور ویران کردن منزل یکی از اهالی حاشیه نشین شهر سنج به این منطقه گسیل شدند که با مقاومت مردم محله مزبور روبرو شده و شدت مفرط میشوند.

در تاریخ ۹ اردیبهشت ما مورین شهرداری این بار محله حاجی آبا در اشفال کرده و به قصد تخریب منزل یکی از زحمتکشان به آن حمله ور میشوند. مبارزه متحده مردم محله مزبور، مزدوران رژیم را فراری میدهد. در تاریخ ۱۵ اردیبهشت نیز ما مورین شهرداری یکی از زحمتکشان محله "غفور" را بدلیل خانه سازی در زمینهای اطراف شهر مزبور تهدید قرار دادند و روز بعد بقصد تخریب آن وارد محله میشوند. در حالیکه زنان و مردان محله خود را با سنگ و چوب مسلح کرده پیوسته مزدوران را مورد حمله قرار داده و آنیان را فراری دادند.

در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه فرماندهار مرپوان همراه ما مورین ژاندارمری، شهرک جوجه سازی واقع در ۵ کیلومتری شهر مرپوان را که محل اسکان صدها خانواده آواره جنگی

است محاصره کرده و در صد و پیران کردن بخشی از منازل و ساختمانهای این شهرک برآمدند. مقاومت و مبارزه متحده نه مردم، مزدوران جمهوری اسلامی و فرماندار مرپوان را فراری داد. در جریان این درگیری، مزدوران رژیم چند نفر را دستگیر نمودند.

روز ۲۸ فروردین ماه نماینده مزدور مجلس شورای اسلامی مرپوان همراه امام جمعه این شهر و جمعی دیگر از عوام رژیم، طی جلسهای با آوارگان مرپوان، مردم آواره را برای کمک به جبهه ها فرا خواند. این درخواست مورد اعتراض و نفرت عموم آوارگان قرار گرفت. مردم پیکار چه علام نمودند که نه تنها حاضر به هیچ کمکی برای جبهه ها نیستند بلکه رژیم با بدخا راتی را که در نتیجه این جنگ بر مردم آواره و ادگشته است، به پرازد. مردم مبارز مرپوان خواستار پرداخت "حق آوارگی" و بیمه بیکاری به کارگران بیکار و

قطع جنگ شدند. طبق آخرین خبر در ادامه این مبارزه تعدادی از مردم آواره مرپوان موفق به دریافت "حق جنگ زدگی" شده اند. مردم مبارز شهر سنج نیز در اوایل فروردین ماه، با اعتراض و تجمع خود در مقابل ادارات دولتی، خواستار پرداخت خسارات وارده بر اماکن مسکونی و مغازه ها در جریان بمباران دیماه و بهمن ماه ۶۵ شدند. مقامات رژیم تحت فشار و اعتراض مردم از اماکن آسیب دیده بازید کرده و میسزان خسارات وارده را تعیین کردند. آنها تعهد کردند که خسارات وارده را به مردم بپردازند. خواهند کرد. بدنبال این موفقیت مردم معترض در مقابل بنیاد دهنک شهر سنج تجمع نموده و بر پرداخت بی کم و کاست خسارات وارده بر اتریمبارانها با فشاری کردند.

استعفای دسته جمعی شوراهای اسلامی ۱۷ روستای مرپوان

اعلام نمودند که این گروهها امنیت مردم را از بین برده اند. شوراهای اسلامی مزبور، مهرهای خوار و با روشور را بعنوان اعتراض به مسئولین جهاد سازندگی و اطلاعات سپاه سداران مرپوان پس داده اند.

بنا به گزارش کمیته حزب درنا حیه مرپوان، اعضای شوراهای اسلامی ۱۷ روستای بخش "نامیان" و حومه شهر مرپوان در اعتراض به اعمال فساد نسانی و جنا پیکارانه رژیم استعفا داده و شوراهای اسلامی خود را منحل نمودند. اعضای مستعفی این شوراهای به حضور گروه ضربت در منطقه اعتراض کرده و

چند خبر کوتاه

بنا به گزارش مرکز آموزش پیشمرگان کومله، در تاریخهای ۲۱ و ۱۵ فروردین و همچنین هفتم اردیبهشت، مجموعاً ۷ تن دیگر از پیشمرگان حزب دمکرات، به صفوف کومله پیوستند.

در تاریخ ۹ خرداد، سه تن از اسرای جنگی که در جریان تصرف یک مقر نیروهای جمهوری اسلامی درنا حیه مرپوان دستگیر شده بودند آزاد شدند که یک نفر از آنان خواستار پیوستن به صفوف پیشمرگان کومله گردید.

همچنین در تاریخ ۲۰ خرداد، دوتن دیگر از اسرا که در درگیری ۱۳ خرداد تیسپ ۱۱ سنج دستگیر شده بودند، آزاد شدند.

در تاریخ ۷ خرداد ماه، مردم مبارز سنج بنا به فراخوان کومله، مراسم فرمایشی رژیم تحت عنوان پشتیبانی از

مسلمانان کرد عراقی را تحریم کردند. در همین روز خانواده های انقلابیون جانباخته و هزاران نفر از مردم مبارز شهر، در گورستان این شهر بر مزار یکی از رفقای جانباخته حزب کمونیست ایران اجتماع کرده و پیاد جانباختگان راه دمکراسی و سوسیالیسم را گرامی داشتند.

در تاریخ ۹ و ۱۰ خرداد، هزاران نفر از مردم شهر با نه و روستاهای اطراف به همراه جمعی از اهالی مبارز شهرهای سنج و سقز، اجتماع عظیمی را در گرامی داشت پیاد رزمنده کمونیست رفیق کریم فتحی در شهر پانه برپا داشتند. این مراسم به یک تجمع اعتراضی بزرگ علیه جمهوری اسلامی بدل شد. علیرغم تلاش مزدوران رژیم برای برهم زدن آن و اقدام به تیراندازی، این مراسم ادامه یافت. رفیق کریم فتحی - عضو حزب کمونیست ایران - در تاریخ ۵ خرداد در نبردی علیه نیروهای جمهوری اسلامی جان باخته بود.





گرامی باد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم

کمونیستها جان باختگان خود را در راه‌های از مقدس‌ترای و مذهبی نمی‌پسندند، زیرا جانباختگان در راه‌های لازم برای طبقه‌ای است که هر روز و هر ساعت نوجوانانش، پسران و دخترانش و میلیونها زن و مردش در کارخانه‌ها، معادن و مزارع و در کل بدویتی که بورژوازی آن را جا می‌ماند میدهد است، می‌میرند و زنده میشوند.

جان باختگان کمونیست گرامی و فراموش نشدنی اند، زیرا در راهی تا به آخر جنگیده و با زنا پستانده اند که خود گرامی و مقدس است؛ راه‌های طبقه کارگر و کل بشریت از نظام استعماری و سرمایه‌داری و بی‌افکندن جا معمای نوین و ناپسند انسان آزاد. اگر کمونیستها در زندگی هر روزه خود آموزگار و رگزاران در انقلاب‌ها شهبخش کمونیستی اند، کمونیستها کسی که قهرمانان در این راه به استقبال مرگ می‌شناختند گرامی‌ترین آموزگار و رگزاران است. زیرا آنان استعمال، زیبایی و ناپسندی بورژوازی و بی‌عاطی دستگیر و قهرورکوب و در برابر راه‌دهنده استوار کارگران انقلابی به روشنی‌ترین وجه به ثبوت میرسانند. گرامی باد جانباختگان راه سوسیالیسم!

درد ویرانگر کمونیستی که در سنگرهای کردستان انقلابی و در سیاه‌چالهای جمهوری اسلامی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند.

گرامی باد یاد

کارگر کمونیست رفیق هاشم سیریدی



سحرگاه روز ۲۶ تیرماه، قتل‌گاه اوین، شاه‌بخون در غلطیدن شمار دیگری از انقلابیون کمونیست بوسیله رژیم پادشاهی پهلوی به بود. جرمشان تنها دفاع از منافع طبقه کارگر و مبارزه در راه‌های از جنگال محنت و بردگی نظام سرمایه‌داری بود. حزب کمونیست ایران، در این روز یکی از یاران خود، رفیق هاشم سیریدی را از دست داد. وی کارگر مبارزی بود که چه در محل کار و روزندگی خود و چه در اسارتگاه رژیم پادشاهی جمهوری اسلامی و آگاه کردن هم طبقه‌ای‌های خود به منافع طبقاتی‌شان و تبلیغ سوسیالیسم باز ناپستاد.

رفیق هاشم در دامان یک خانسوادده کارگری در سال ۱۳۲۹ در اما مزاده‌ها شمرشت چشم بجهان گشود. پدرش کارگر ساده کارخانه شیرپا ستوریزه رشت بود. کار وقت فرسای پدرش، سطح پایین زندگی‌شان زندگی در دخمه‌ها و سیاه‌جوبهای نازی‌باد رشت، وی را از همان دوران کودکی با چهره کربه‌فرو فلاکت آشنا کرد. با نژاده‌ها له بود که با سوسیالیسم و راه‌های طبقه کارگر آشنا گردید و به مبارزه روی آورد. به همراه دوستان و همکلاسیهایش در راه‌های نماند نگاه کتاب و نظرات نقش فعالی داشت. وی با وجود کمی سن، توانایی و اخلاقیات خود را در ارتقاء آگاهی سیاسی - طبقاتی کارگران و زحمتکشان محلات نازی‌آباد ۱۳۰ آبسان و جوادیه شهر رشت در طول قیام ۵۷ بنمایش گذاشت.

پس از قیام بهمن ۵۷، به علت فقر خانواده، مجبور به ترک تحصیل شد و به عنوان کارگر فلزکار و پانام مستعار احمد عالی، در شرکت فیروزه‌یکا پرداخت. در ابتدای کارش به دلیل تماشا با ماشین، دچار ضربه مغزی شد و تا لحظه جانباختنش هیچوقت بهبود نیافت. رفیق هاشم در این دوره علی‌رغم تشنجات شدید عصبی و سردردهای مداوم، لحظه‌ای از مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری باز ناپستاد. وی ابتدا با گروه "اتحاد مبارزه در راه آزادی‌مان طبقه کارگر" ارتباط برقرار کرد و سپس به سازمان پیکار پیوست. رفیق هاشم در سال ۵۶ با مطالعه آثار مارکسیسم انقلابی به هواداری از آن گرایش پیدا کرد و از طریق "سازمان کمونیستی پیکار" به اتحاد مبارزان کمونیست پیوست و فعالیت کمونیستی خود را گسترش داد. وی در جریان ضربات سوم آبان ۶۲، به همراه عده‌ای بقیه در صفحه ۳۷

طی ماه‌های اردیبهشت و خرداد ۵۷ سال جاری حزب ما این یاران خود را از دست داده است.

۱- امین کریمی (عضو حزب کمونیست ایران)، در تاریخ ۶۶/۲/۱۷ در درگیری با مزدوران گروه ضربت تکاب در ناحیه دیواندره جان باخت.

۲- محسن فرومند (عضو حزب کمونیست و مسئول دسته سازماندهی رال سندج)

۳- صدیق حسینی پیشمرگ انقلابی کومله پیشمرگان انقلابی و دلسوز کومله که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه در جریان نبردی با عده‌ای از مزدوران رژیم در روستای "تنگ باغ" سندج جان باختند.

۴- رحیم کریمی پیشمرگ انقلابی کومله که در نبرد روز ۶۶/۲/۲۳ در نزدیکی روستای "کنده سوره" ناحیه نهدر حالیکه زخمی شده و به سارت در آمده بود در تاریخ ۶۶/۲/۲۷ در شهر نهدر جان باخت.

۵- خالد خضرپور (عضو حزب کمونیست و عضو علی‌البدل کمیته ناحیه مها باد)

۶- ناصر دفسر (پیش عضو حزب کمونیست)

۷- همامون حلمی پیشمرگ انقلابی کومله پیشمرگان فداکار و قهرمان کومله که در جنگ علیه یورش مزدوران رژیم در ناحیه نهدر جان باخت.

۸- اسماعیل مصطفی نژاد

پیشمرگ انقلابی کومله که در تاریخ ۶۶/۲/۲۸ در یک نبرد ۱۵ ساعته علیه یورش مزدوران رژیم در سرشویس قزجان جان باخت.

۹- ایوب صفائی (عضو حزب کمونیست و مسئول سیاسی دسته)



گرامی باد یاد
جانباختگان راه سوسیالیسم



گرامی باد یاد

رفیق اردشیر جوادی

دوره پرتلاطم بعد از ۲۵ خرداد ۶۰، آزمون و تجربه‌ای برای آن انقلابیون کمونیستی بود که از یک طرف در پیرویه تحولات فکری درون سازمان خود، پرچم مبارزه پیگیر علیه رژیسم و کورنش در برابر بورژوازی را برافراشتند و از طرف دیگر در اسارتگاه‌های رژیم، دشمنی را که در هیأت ترس، سردید و بی باوری به اصول اعتقادی شان ظاهر شده بود، به مصافی سخت و دردناک طلبیدند. رفیق اردشیر جوادی از تنهار این انقلابیون کمونیست بود. وی همچون یک انقلابی خستگی ناپذیر، مصممانه هر دو وظیفه کمونیستی خود را پاسخ گفت. او در این راه سختی‌ها، شکنجه‌ها و بلاخره جوخه اعدام را بر کمرش در برابر رژیم اسلامی سرمایه‌ترجیح داد و به خون خویش داغ ننگ براپورتونیست‌ها و توابینی زد که به سختگویی و مداخلان رژیم تبدیل گشته بودند.

در چهار زمین سالگرد جان باختن رفیق اردشیر، با مروری کوتاه بر زندگی و مبارزه‌اش، یاد او را گرامی و عزیز داریم.

رفیق اردشیر در سال ۱۳۳۸ در الیکودرز لرستان چشم جهان گشود. با وجود کمی سن، استعداد فراوانی برای فراگیری مارکسیسم از خود نشان داد. وی آرسن ۱۴ سالگی با مسائل سیاسی و با مارکسیسم آشنا شد. رفیق اردشیر در قیام ۵۷ فعالانه شرکت جست و فعالیت سیاسی خود را بطور سازمان یافته‌تری با پیوستن به سازمان "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" تداوم بخشید. وی بدلیل روحیه انقلابی و کمونیستی اش و رابطه نزدیکی که با کارگران و زحمتکشان داشت از احترام، نفوذ و محبوبیت فراوانی در میان آنان برخوردار بود. در سالهای ۵۸ و ۵۹ چندین بار دستگیر و هربار با اعتراض و پشتیبانی

توده‌های مردم آزاد شد. وجودش همواره برای پاسداران سرمایه و ارتجاع اسلامی غیرقابل تحمل بود. در سال ۶۰ برای چندمین بار دستگیر و این بار از سوی بیدادگانه‌های جمهوری اسلامی به ۱۰ سال زندان محکوم گشت. رفیق اردشیر با زیرکی و هوشیاری خاص خود در واسط همان سال توانست از زندان فرار کرده و خود را به تهران برساند. ورود او به تهران با شروع بحران سیاسی درون سازمان "رزمندگان" همزمان شد. وی جانبدار و مبلغ خط مارکسیسم انقلابی در درون رزمندگان بود و توانست با تلاش و پیگیری فراوان، با رفقای "اتحاد مبارزان کمونیست" ارتباط برقرار کند و فعالیت‌های کمونیستی و انقلابی خود را بصورتی سازمان یافته تداوم دهد. برای او مبارزه در صفوف مارکسیسم انقلابی، در راه برپایی سوسیالیسم پروپرانسه‌های نظام پیوسته سرمایه‌داری یک آرمان والا بود و با پیوستنش به اتحاد مبارزان کمونیست، به آن تحقق بخشید.

دیری نشاید که رفیق اردشیر در تانستان ۶۱، توسط مزدوران رژیم دستگیر و مجدداً به شکنجه‌گاه‌ها روانه گشت. وی با شهامت و دلآوری بی نظیری، با عشق و ایمان به راهی کارگران، با نفرت عمیق از سرمایه‌داری و نظام جمهوری اسلامی پاسدار آن، در برابر دژخیمان رژیم استوار ایستاد. پاسداران ارتجاع و سرمایه، که از شکنجه و اعصاب وی سدی نبرده بودند، خسته و ناامید پیگیر نیمه جان وی را در اردیبهشت ۶۲ به جوخه آتش سپردند. در چهار زمین سالگرد جان باختنش بر عزم و اراده استوارش ارج مینهم.



- ۱۰- رشید مری (عضو حزب کمونیست و فرمانده دسته)
- ۱۱- بداله آقایی (عضو حزب کمونیست و فرمانده پهل)
- در تاریخ اول خردادماه، در روستای "هما را" از توابع دیواندره، در جریان یک ما موریت تشکیلاتی از طرف مزدوران رژیم برگیا رسته شده و جان باخت.
- ۱۲- عمر خوشنواز
- پیشمرگ انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۶۶/۳/۲ در جریان درهم کوبیدن گروه ضربت در ناحیه مریوان جان باخت.
- ۱۳- کریم فتحی (عضو حزب کمونیست و معاون فرمانده دسته)
- پیشمرگ انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۶۶/۳/۵ در جریان ما موریتی در روستای "ساوان" ناحیه مریوان در دوران رژیم درگیر شده و جان باخت.
- ۱۴- عثمان حقیقت (عضو حزب کمونیست و عضو کمیته ناحیه مریوان)
- ۱۵- امیر (علی اصغر) معتمدی
- پیشمرگان انقلابی کومه‌له که در جریان مقابله با یورش چندین گروه ضربت رژیم به یک واحد پیشمرگان کومه‌له در روستای "لسی" ناحیه مریوان جان باختند.
- ۱۶- صالح احمدی
- پیشمرگ انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۶۶/۳/۱۰ در جریان درهم کوبیدن کمیته مزدوران رژیم در بیرون روستای "قشلاق" صالح بگ" در ناحیه سقز جان باخت.
- ۱۷- یحیی اما مقلی
- ۱۸- توفیق مرادی
- پیشمرگان انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۶۶/۳/۱۲ در جریان درهم کوبیدن دو گروه ضربت در ناحیه مریوان جان باختند.
- ۱۹- احمد بهرامی (عضو حزب کمونیست و فرمانده دسته)
- پیشمرگ انقلابی کومه‌له که در تاریخ ۱۸ خردادماه در جریان حمله نیروهای رژیم در روستای "نسل" ناحیه مریوان جان باخت.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گرامی بادید
جانباختگان راه سوسیالیسم

در اینجاست که در سال گذشته درجه‌های نیروی جمهوری اسلامی و در سپاه پاسداران رژیم جان باختند و دولتی تاکنون در "کمونیست" اعلام نشده است را به چاپ میرسانیم .

۱ - ا. بوبکر خیا ط

پیشمرگ فداکار کومه‌له که در تاریخ ۶۵/۳/۲۷ در جریان درهم شکستن حلقه محاصره تعداد زیادی از نیروهای جمهوری اسلامی در روستای "گانی جی‌زنی" ناحیه سفز همراه ۴ تن دیگر از همزمانش جان باخت .

۲ - خلیل مقدم‌نیا (عضو آزمايشی حزب کمونیست ایران و معاون فرمانده دسته) پیشمرگ انقلابی و آگاه کومه‌له که در تاریخ ۶۵/۵/۲۷ در جریان یک درگیری با نیروهای جمهوری اسلامی در روستای "درگاوان" ناحیه سفز در کنار جاده جان باخت .

۳ - حامد محمدی (عضو حزب کمونیست ایران و یکی از رهبران زحمتکشان فیض‌الله یکی بوکان)

پیشمرگ فداکار کومه‌له در تاریخ ۶۵/۶/۳۰ حین انجام ماموریتی در نزدیکی روستای "سلته‌کلتو" ناحیه سفز مورد اصابت گلوله مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفت .

۴ - عباس پاشایی (عضو آزمايشی حزب کمونیست ایران)

پیشمرگ فداکار روزمند کومه‌له که در تاریخ ۶۵/۸/۹ در جریان درگیری با نیروهای جمهوری اسلامی در روستای "درسپ" زخمی شد . روز بعد محل اختفای وی توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی کشف و سپس تیرباران گردید .

۵ - اسدالله محمدی (اسد نوره، عضو آزمايشی حزب کمونیست ایران)

پیشمرگ فداکار کومه‌له که در تاریخ ۶۵/۱۱/۲۴ در قروه اعدام شد . رفیق اسد در جریان یکی از عملیاتهای پیشمرگان کومه‌له در شهرستان سنج در تاریخ ۶۳/۱۰/۲۴ با سارت درآمده بود .

۶ - نجم‌الدین شیخ جگری

پیشمرگ فداکار روجور کومه‌له که در جریان درگیری با نیروهای جمهوری اسلامی در ۶۳/۳/۱۷ در منطقه مکرپان با سارت درآمده بود و در بهمن ماه ۶۵ بعد از ماهها تحمل شکنجه توسط جنایتکاران اعدام شد .

بقیه از صفحه ۳۵

گرامی بادید در فقیق هاشم ...

دیگری از رفقا دستگیر شد و در بیدادگاه سرمایه‌بده سال زندان محکوم گشتند . مزدوران رژیم در زندان اوین ، علاوه بر شکنجه‌ها و آزارهای جسمی و روحی ، از رساندن دارو و بوی جلوگیری کرده و مداوم آبی را با نا راحتی های مغزی و تشنجات عصبی دست به گریبانش آزار میدادند . تحمیق گران سرمایه ، به عیب می پنداشتند اگر وی را به سخنرانی در جمع زندانیان فرا خوانند ، خواهند توانست با وعده " فریبنده " رهائی از زندان ، او را به اظهار رندامت و پشتیباری وادارند . رفیق هاشم به آلمان کمونیستی خود فسادار ماند و در جمع زندانیان به نقد نظام سرمایه‌داری و افشای ماهیت ضد انقلابی جمهوری اسلامی پرداخت . جنایتکاران جمهوری اسلامی ، ناتوان از درهم شکستن اراده ، این رفیق کارگر و کمونیست ، در سحرگاه ۲۶ تیرماه ۶۳ ، وی را به همراه شمار دیگری از مبارزین کمونیست بجزوخه اعدام سپردند . عده زیادی از کارگران و زحمتکشان زادگاهش ، همانهایی که رفیق هاشم قلبش برای رهائی آنان می طپید و در میان آنان پرورده شده بود ، در مراسم یادبودش ، پیاده عزیزش را گرامی داشتند . ما نیز به همراه آنان در سومین سالگرد جانباختنش پیاده وی را گرامی میداریم و برادار ما ، راهش استواریم ■

بقیه از صفحه ۲۴

دریافت ما یحتاج جیره بندی شده ...

رساندن خبر اعتراض و دلایل آنرا به گوش مسافریان اتومبیل های متوقف شده بهمهده گرفتند و با این طریق پشتیباری مسافریان از این حرکت اعتراضی را جلب میکردند . اعتراض مردم زحمتکش "قلعه شاه" از جانب اکثریت مسافریان مورد حمایت قرار گرفت . مثلاً راننده ای گفت : " ما حاضریم در جاده متوقف بمانیم اما اینگونه حرکات وسعت پیدا کند " . حمایت مردم از این اعتراض روحیه مردم زحمتکشی را که برای مقابله با فلاکت بیشتر ایستاده بودند و مقاومت میکردند تقویت کرد . این حرکت اعتراضی با اقدامات پلیس راه و کمیته خاتمه یافت . پلیس راه و کمیته با خلوت کردن جاده و بازگرداندن اتومبیلها به مبدا حرکتشان اهالی و مزدم حامی آنها را متفرق کردند . از ادامه و نتیجه اعتراضات مردم قلعه شاه هنوز خبری دریافت نکرده ایم .

جنگ با پاسداران برای نجات بچه‌ها

روز ۱۸ فروردین ما پاسداران جمهوری - اسلامی به قصد شکار انسان برای گسیل به جبهه‌ها ، جوانانی را که در یکی از روستاهای اطراف اراک ، بنام خنداق مشغول بازی فوتبال بودند ، مورد حمله قرار دادند . دخالت و اعتراض مردم به این آدم‌ربایی کشید اسلامی ، که منجر به فراری دادن چند تن از جوانان از جنگ پاسداران شد ، صحنه دستگیری جوانان برای اعزام به جبهه‌ها را به جبهه جنگ مسلحانه و خونین بین مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم تبدیل کرد . در این جنگ نابرابر نیروهای رژیم با تیراندازی به مردم حمله کردند و زنان و مردان دهکده با بیل و داس و کلنگ و سنگ ما موران رژیم را مورد حمله قرار دادند . در این درگیری تعدادی از اهالی کشته و مجروح شدند چند تن از پاسداران جهل و سرمایه‌بده بدست مردم خشمگین بقتل رسیدند . غلبه مردم به مردم قادر گشتند و نیروهای سرکوبگر را خلع سلاح کردند و تا آخرین تیر در مقابل آنها مقاومت کردند ، اما سرانجام حضور نیروهای کمکی ، بکارگیری تیر و تفنگ های بیشتر و دستگیری و ضرب و شتم تعدادی از اهالی ، موجب متفرق شدن مردم شد .

یکی از شاهدان عینی میگوید : " بچه‌های ما در دهکده خنداق که فاصله اش تا اینجا تا محل درگیری ۱۲ کیلومتر است مشغول بازی فوتبال بودند که ناگهان دو اتومبیل پاسدار مسلح به میان زمین فوتبال آمدند . بچه‌ها که همگی مات و مبهوت شده بودند بازی را متوقف کردند . پاسداران از اتومبیل‌ها پشان پیاده شدند و شروع به دستگیری چندتن از بچه‌ها ، که بنظرشان مشمول آمده بودند ، کردند و کشان کشان آنها را بطرف اتومبیلها میکشیدند . ما هم که با چندتن از مردان آبادی در همان حواله بودیم با دیدن این وضعیت فوراً خود را به آنجا رساندیم ، به این کار اعتراض کردیم و خواستار آزادی آنها شدیم . پاسداران در پاسخ ما گفتند که : " اینها مشمولند و با پدیده خدمت سربازی بیرونند " . ما در پاسخ گفتیم که " اینها تحصیل میکنند " . یکی از پاسداران با لحن تهدید آمیزی گفت که " مجبورمان نکنید که به زور متوسل شویم " . پاسداران هم چنان

جنگ مقاومت بهار ۵۹

جلوهای از همبستگی و مبارزه مردم کردستان
علیه حاکمیت ارتجاع

بهار سال ۵۹، در تار ریخ دهه اخیر مبارزه طبقاتی ایران، مقطعی بود که در آن رژیم های اسلامی در تلاش تحکیم موقعیت خود در برابر ایران و فیصله بخشیدن به سرنوشت قدرت سیاسی در ایران از هیچگونه جناحیت و توحشی فروگذار نکرد. در این سال، بنی صدر بعنوان رئیس جمهور وقت که با پرچم نظم و قانون و راه اندازی چرخهای تولیدمیدان آمده بود، یکی از موانع اساسی خود را در وجود فضای دمکراتیک و آزادی فعالیت سیاسی بمحاذات قیام در برابر ایران و خصوصاً کردستان ملح میدید. در روز ۱۰م فروردین ماه، فرمان هجوم به کردستان در مراسم سالگرد جمهوری اسلامی بوسیله بنی صدر مزدور علناً اعلام گردید. در اکثر شهرهای کردستان تظاهرات و بسیعی علیه طرح حمله جدید به کردستان صورت گرفت و دریا نشی از خشم و انزجار توده های مردم را برانگیخت.

جمهوری اسلامی در اوایل فروردین ماه با اعزام دهها لشکر زرهی، حمله گسترده خود را به جنوب کردستان آغاز کرد. شهرهای سنندج، با نه، مریوان، دیواندره و سقز، پنج شهر عمده جنوب کردستان بودند که مورد این هجوم قرار گرفتند. مقاومت توده های وسیع طولانی در این شهرها در تار ریخ جنبش کردستان بی سابقه بود و رژیم بهای سنگینی را برای آن پرداخت. کومه له در سازماندهی و رهبری این مقاومت توده های گسترده نقش مهمی ایفا کرد. سازماندهی بیمارستانها و درمانگاههای مخفی برای مداوای زخمی ها، گروههای امدادسپاردر سطح جبهه ها، سازماندهی و تامین تدارکات نیروهای پیشمرگ، تقسیم و توزیع خواروبار و مواد خوراکی، اسکان مردم در نقاط امن از مهمترین تلاشهای بنکها و نهادها در توده های بودند که از سوی کومه له رهبری و هدایت میشد. بنکها و شوراهای محلات در

جنگ ۲۴ روزه سنندج نقش مهم و عمده ای ایفا کرد. مقاومت مسلحانه توده های در سنندج ۲۴ روز، در با نه ۳۷ روز و در شهرها سقز، دیواندره و مریوان نزدیک به ۲۰ روز طول کشید.

این مقاومت توده های هر چند با تحمل خسارات و قربانی فراوان توده های مردم و پیشمرگان انقلابی توأم بود، اما چنان درسی به سرکوبگران و جناحیتگران جمهوری اسلامی داد که هنوز خا طره این مقاومت همه جا نهب، لرزه بر اندام این مزدوران می اندازد. چندین فروند هیلکوپتر رژیم سقوط کرد، دهها تانک و صدها خودرو رژیم در جریان جنگ مقاومت توده ای یکماهه مردم جنوب کردستان درهم شکسته شد، هزاران نفر از مزدوران مسلح رژیم کشته و زخمی شدند و پادگانهای مریوان و با نه چندین بار تاسا مرحله سقوط پیش رفتند.

بعدا از یکماه مقاومت قهرمانانه و حماسی مردم این شهرها، در حالیکه تمام شهرها بشدت زیر بار ریش توپ و خمپاره و راکت هیلکوپترهای هوا نیرو قرار داشت، در شرایطی که شهرها کاملاً محاصره شده بودند در حالیکه این شهرها بشدت از لحاظ مواد غذایی و دارو در مضیقه بودند، پیشمرگان کومه له و سایر نیروهای سیاسی، موقتاً شهرها را تخلیه کردند، ستونها و لشکرهای اعزامی توانستند وارد شهرها شوند و در پادگانها مستقر گردند.

اکنون ۷ سال از آن روزهای حماسی میگذرد. در طی این هفت سال نه تنها رژیم نتوانسته است هیچگونه پیکاهای در میان توده های ستمدیده و انقلابی مردم کردستان بدست آورد، بلکه همواره در میان دریا نشی از نفرت و انزجار آنان به حیات تنگین خود ادامه میدهد. طی این هفت سال رژیم بعد از تسخیر شهرهای کردستان، بتدریج راه پیشروی خود را به سمت دهات بزرگ حاشیه شهرها تاسا

دور افتاده ترین روستاها با زکردا مسا هیچوقت نتوانست یک روز با خیال راحت و در امان از تعرض پیشمرگان بسربرد. بعد از هفت سال از اشغال کردستان، هنوز شهرها تا حد حضور فعال پیشمرگان انقلابی کومه له است و رژیم هیچگاه نتوانسته و نخواهد توانست راه نفوذ آنان را به شهرها سد کند. بی شک توده های محروم و ستمدیده کردستان که از ابتدای بر سر کار آمدن این رژیم منحوس، چیزی جز سرکوب خواسته های بحق و عادلانه، خودکشتار و قتل عام هاندیده اند، به همراه دیگر توده های ستمدیده و انقلابی ایران، این رژیم جناحیتگران را سدار سرما به راه بکورخواهند سپرد. در هفتمین سالگرد این مقاومت با شکوه و حماسی، با دتنام جانباختگان این مقاومت توده ای و وسیع را گرامی میداریم.



جنگ با پاداران ...

سعی داشتند جوانان را کشان کشان به داخل اتومبیلها ببردند و مانع می شدیم. یکی از پاداران فریاد زد که: "کتا بر وید و گرنه تیراندازی میکنم". در این هنگام ما موفق شدیم دو تن از جوانان را از چنگشان رها کنیم و آنها را فراری دهیم. دو تن از پاداران قصد داشتند جوانان را تعقیب کنند که ما مانع شدیم. یکی از آنها ایستاد و بظرف جوانان فراری تیراندازی کرد. یکی از آنها که علی نام داشت بر زمین افتاد. ما همگی بطرف آنها حمله ور شدیم و فریاد زدیم "قاتلها او را کشتید، بچه مردم را کشتید". با صدای شلیک گلوله و فریادهای ما مردم آبادی از واقع با خیر شدند. زن و مرد با داس و بیل و کلنگ حمله کردند. پاداران از ترس پا بفرار گذاشتند و ضمن فرار به سمت تیراندازی میکردند. تا آخرین گلوله با ما جنگیدند تا بلکه از مهلکه بگریزند اما ما موفق شدیم اتومبیلها را با سنگ و چوب خرد کنیم. مرتب بطرف ما تیراندازی میکردند. هنگامی که عزیزانمان را غرق در خون بر زمین افتاده می دیدیم جری ترمیشدیم. سرانجام پس از گذشت ۲ ساعت درگیری فشنگ پاداران به پایان رسید. تصمیم داشتند از تپه های اطراف فرار کنند اما ما با تعقیب آنها موفق شدیم در چند کیلومتری آبادی آنها را اسیر و خلع سلاح کنیم. به قصد کشتن آنها را زدیم. دو نفر از آنها در همان لحظات اول کشته شدند.

برنامه کومه له برای خود مختاری کردستان
را بخوانید

قطعه نامه کارگران سندج

آنچه در زیر میخوانید متن قطعه نامه کارگران سندج در مراسم اول ماه مه امسال است.

اتحادیه کارگری و برسمیت شناختن نماینده واقعی زنان در تمام شئون زندگی اجتماعی میباشیم.

۵) ما خواهان لغو اخراج بی رویه کارگران و لغو ماده ۳۳ قانون کار هستیم. زیرا این میراث رژیم گذشته به کارفرمایان اجازه داده است تا این چنین بواحی بتوانند به اهدافنا عادلانه شان برسند. نتیجه این ماده قانون کار، عواقب فجیع و اسفناکی برای کارگران و خانواده هایشان در جامعه میباشند. اخراج و بیکار نمودن عده کثیری از کارگران باعث میشود سرمایه داران نیروی کار ارزانتری در اختیار بگیرند و اردوی بیکاران همیشه وسیله ای بوده برای سرکوب کارگران ناغل. ما کارگران خواستار لغو این قانون ضدکارگری میباشیم.

۶) ما خواهان اقدامات قاطع جهت بیمه نمودن کارگران بطور اجباری میباشیم. و از سازمان تامین اجتماعی خواستار اقدامات درمانی بیشتر و قراردادادن پزشکان و درمانگاههای مجانی و مستقل در اختیار کارگران میباشیم. چون در خیلی موارد بعلت نبودن امکانات پزشکی کارگران دچار بیماریهای ناشی از کار طولانی میشوند. با توجه به اختیارات و درآمد هنگفتی که سازمان تامین اجتماعی در اختیار دارد و در بکار بردن آن سهل انگاری و کوتاهی ورزیده، ما خواستاریم از هر صنف کارگری یک نماینده در سازمان با تدات از نزدیک با مسئولین مربوطه همکاری نموده و در جهت رفع

چندین برابر قیمت به خودشان بفروشد. ۳) ما کارگران از وزارت کار و امور اجتماعی در مورد نبودن قانون کار واقعی برای کلیه کارگران اعم از زن و مرد و تکیه نمودن بر اطلاعات و بخشنامه های ضد و نقیض اعتراض داشته خواهان تدوین قانون کار مترقی و با مشارکت نماینده واقعی کارگران میباشیم، تا کارگران بتوانند در تعیین سرنوشت خود شرکت جویند و از وضعیت سرکشتگی و بلاتکلیفی نجات یابند. چون تمام فشارهای اجتماعی و مشکلات مختلف و گوناگون بر دوش کارگران میباشند.

۴) با توجه به اینکه زنان نیمی از جامعه ما را تشکیل میدهند، هیچ گونه امکاناتی برای فعالیت و دفاع از حقوق خود ندارند. لذا ما خواهان امکاناتی از قبیل مهد کودک شیرخوارگاه، مرخصی کافی در زمان بارداری، امکانات بهداشتی و انتخاب آزادانه شغل شرافتمندانه هستیم تا نیروی عظیم آنان بهره ر شود. ما خواستار برابری حقوق زنان با مردان میباشیم. ما خواستار مشارکت زنان در تشکلهای اجتماعی از جمله سندیکا،

۱) ما کارگران قاطعانه خواهان برسمیت شناختن اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت و تعطیلی کامل کارخانه ها و کارگاههای دولتی و خصوصی و در اختیار قرار دادن امکانات کافی برای برگزاری مراسم این روز تاریخی میباشیم.

۲) ما خواهان آزادی بی قید و شرط برای تشکلهای کارگری از جمله سندیکا و اتحادیه هستیم که کارگران بتوانند مستقلا و آزادانه در تعیین سرنوشت خود و قوانون خود تصمیم بگیرند و از طرف مقامات مسئول پشتیبانی کردند. نه سنگ اندازی شود. کارفرمایان تمام امکانات را در اختیار دارند، کارگران مجبورند برای کوچکترین مشکلات خود در اینجا و آنجا با موانع دست و پنجه نرم کنند. چرا سرمایه داران برای چپاول مردم زحمتکش آزادانه فعالیت میکنند؟ برای نمونه تمام امکانات جامعه بدست کارگران ساخته میشود و خودشان از مصرف و بهره برداری از آن محروم میباشند، ولی برعکس سرمایه داران برای بهره کشی از زحمتکشان هزاران وسیله در اختیار دارند تا دسترنج کارگران را به

بقیه، مما حبه از صفحه ۱۰

پیشروی جنبش کارگری در کردستان

اساساً به دو دلیل است؛ یکی اینکه بنا به خصلت، برخی از مبارزات و اعتراضات پراکنده صورت میگیرند و حول آنها به تنهایی تشکل سازی بوجود نخواهد آمد. تشکل سازی با پیداری بوجود نمی آید، مثل مبارزه علیه اجزایات محلی متنوع ارگانهای سرکوبگر رژیم با مبارزه علیه سر بازگیری یا اعتراض به پایگاه و مقرهای رژیم در محلات شهر و روستاها، یعنی بخشی از پراکندگی مربوط به تنوع و روزمره بودن بخشی از این مبارزات است. ثانیا فقدان تشکل های توده ای علنی با نیمه علنی از قبیل مجامع عمومی سازمان یافته، بلکه زحمتکشان و با تشکل های صنفی سازی زنان با دانش آموزان و جوانان و

می نماید. که تشکل های مبارزاتی برای هدایت مبارزات جاری از قبیل مبارزه علیه سر بازگیری، بسیج کبری و اجزایات سرکوبگرانه را بوجود آورده و سازمان دهیم و هم توازن قوای عمومی، نفوذ کومه له و فعال بودن شهرها و بویژه محلات زحمتکشی در شهرها اکنون بیشتر از پیش این زمینه و مکیان را فراهم می نماید که تشکل های دمکراتیک نیمه علنی و نیمه مخفی و با حتی در مواردی علنی سازمان داده شوند. و به این منظور تشکیلات علنی و رادیکال و انقلاب و فعالین تشکیلات مخفی ما هر کدام برای ایجاد تسهیلات این کار وظایفی را بعهده خواهند داشت لازم است همینجا بگویم که پلنوم برای نکته نیز تا کیدگذشت که طرح شعارها و مطالبات اشباتی در همه عرصه ها یک وظیفه عاجل سازمان کردستان حزب ما برای هدایت جنبش توده ای در این دوره خواهد بود.

با کمبود تشکل های صنفی - سیاسی کارگری، اینها هم یکی از دلایل اساسی ضعف کنونی جنبش عمومی هستند. رفع این کمبودها و برپایی چنین تشکل هایی که بر منافع پایداری و اقتدار اجتماعی متکی باشند و در طول آن سازمان یابند موجب میگردند که اقشار وسیعی از مردم با اتکاء به این تشکل ها، مشکلات و نیرومندتر به اعتراض و مبارزه بپردازند و هم به ابراز زمانی مناسبی برای سراسری کردن بیشتر مبارزات توده ای تبدیل شوند، به همین دلیل، پلنوم در ارزیابی خود از جنبش توده ای و وظایف مادر دوره آتی به این نتیجه رسید که اکنون بیشتر از قبیل زمینه برپایی سازمان دادن چنین تشکل هایی فراهم شده است. مثلاً مبارزات جاری که عمدتاً با شعارهای ما و تحت رهبری پیشروان متمایل به ما پیشبرده میشود، طبیعی است این امر کمک فراوانی

جرا حزب دمکرات به سیاست

جنگ علیه کومه له ادامه میدهد؟

شدید سیاسی و تشکیلاتی فروبرده است و همین منشا بحرانها، نارضایتیها و اختلافات وسیعی است که از مدتها پیش حزب دمکرات را در خود گرفته و هرازگاہی سرباز میکند.

در حال حاضر چرخش شدید به راست و خود را به سیاستها و مصالح بورژوازی مبرها لیستی متکی کردن، از دست دادن نفوذ سیاسی و تحمیل لطمات تشکیلاتی، و پافشاری در ادامه جنگ با کومه له، مسائل مبتلابه حزب دمکرات را تشکیل میدهند که بویژه با نزدیک شدن موعد برگزاری کنفرانس هشتم این حزب حدت خاصی بخود میگیرند. عناصر ریاگرا پشایی که این سیاستها و تدابیر آنها را نماندگی میکنند و در رأس آنها دبیرکل این حزب، بدون شک در صدد هستند، همانطور که تا کنون سنت رهبری حزب دمکرات بوده است، کنفرانس را به محلی برای سرکوب و تصفیه نارضایان و معترضین به این سیاستها تبدیل کنند و گرم نگاه داشتن تنور جنگ و حفظ و تشدید فضای فائز لیستی و جنگ طلبانه علیه کومه له را ابزاری برای تحقق این سیاست نمایند.

بهر رو تا آنجا که به سیاستهای حزب کمونیست در کردستان مربوط میشود باید گفت که در سطح کلی پیشبرداستوار سیاستهای عمومی ما و منجمله در برخورد به حزب دمکرات بهترین و موثرترین مقابله با هر نوع سیاست بورژوازی را تشکیل میدهد. در عین حال بطور مشخص در برخورد به حزب دمکرات و توطئه گریهای ضد انقلابی وی ما ضمن حفظ سیاست اصولی خود درقبال صلح که بر ملاحظات ما در مورد منافع جنبش کمونیستی و انقلابی، در سرا سرباران و منافع جنبش انقلابی مردم کردستان مبتنی است، با قاطعیت و جدیت هر چه تمامتر و با همان پشتکار روزمندگی در دفاع از منافع سوسیالیسم و طبقه کارگر، دفاع از دموکراسی و حقوق مردم زحمتکش، دفاع از جنبش انقلابی کردستان، با سخای ناپستهای به جنایتکاریهای ضد انقلابی حزب دمکرات خواهیم داد. ما در دوره کنونی در موقعیت بمراتب مساعدتری از گذشته برای مقابله با جنگ افروزیهای حزب دمکرات قرار داریم و بیگمان جز سوانحیها، ناکامیها و شکستهای سنگین ترهیچ چیز در انتظار ما نیست. خرد نوکران سرمایه داری نیست.

عبدالله مهتدی

۲۰ مرداد / ۶۶

قطعنامه کارگران سنندج

کمک مالی نمیکند، بلکه از اعتبار بانکی که بانکرهای کارگران در اختیار آنها قرار داده بود، سلب اعتبار نمودند و در نتیجه دست آنها و نیهی برای خرید بسته است. علاوه سهمیه ای که برای آنها و نیهی کارگران در نظر گرفته شده بود، به میزان ۵٪ از کالاهای تولید داخلی ذکر شده بود، اما در عمل به ۱٪ کاهش یافته است. در نتیجه تعاضبات و نیهیها در حالت ورشکستگی هستند. ماقاطعانه از مسئولین امر میخواهیم، امکانات لازم را در جهت رفع مشکلات تعاونیها در اختیار آنها قرار دهند.

۱۴) تعاضبات و نیهیها ممکن، ممکن یکی از اساسی ترین مشکلات و خواست مبرم کارگران است. لذا باید برخورد قاطع و صریح بشود. از جمله باید امکانات برای کارگران ایجاد شود تا بتوانند بنا بر بنا مهریزی درست طبق درخواست نمایندگان واقعی کارگران جهت رفع مشکل ممکن و در اختیار قرار دادن وام طبق ضوابط تعیین شده برای کارگران شاغل و بیکار، از مزایای ممکن برخوردار باشند.

۱۵) قرار دادن امکانات ورزشی در اختیار کارگران از قبیل سالن ورزشی و زمین برای فوتبال و مجوز قانونی بطور دائم با پرداخت دستمزد و مسایل فرهنگی و هنری کارگران از قبیل فیلمهای آموزنده برای خانواده کارگران و نمایش تئاتر.

۱۶) سواد آموزی بطور اجباری برای تمام کارگران فراهم نمودن امکانات آن زیرا که بیسوادی یکی از عوامل خطرناک جهت و نادانی در جامعه میباشد. ما خواهان اقدامات سریع و قاطع در این زمینه هستیم. ۱۷) ماقاطعانه خواهان ایجاد کار برای کلیه کارگران بیکار اعم از زن و مرد میباشیم و پیشنهاد میباشیم در جهت رفع این مشکل طرحهای تولیدی تعاضباتی تحت نظارت شکل های کارگری در جهت رشد و توسعه صنعت و تولید و بهبود وضع کارگران ایجاد شود.

۱۸) ممنوع کردن سربازگیری در محل کار کارگران از جمله کارخانهها، کارگاهها و منازل آنها.

مشکلات کارگران اقدام جدی نماید. باید متذکر شویم با توجه به اینکه مسئولین مملکتی با رها بیهیمه بیکاری را در مجلس و کمیسیونهای مربوطه مطرح نموده اند، اما لایحه بیمه بیکاری را بتصویب نرسانده اند. لذا خواستار تصویب بیمه بیکاری برای تمام کارگران بیکار و اجرای فوری آن میباشیم. هر چند بیمه بیکاری حلال مشکلات کارگران نیست.

۷) ماقاطعانه خواستار ممنوعیت کار برای کودکان زیر ۱۸ سال میباشیم زیرا جای کودکان در مدارس است و نه در گوشه کارگاهها.

۸) ما خواهان ۴۰ ساعت کار در هفته و اجرای ساعت کار ذکر شده در کارگاههای خصوصی و ممنوعیت قطعه کاری میباشیم. ما خواهان دو روز تعطیلی در هفته با پرداخت حقوق هستیم و تاکید میباشیم که ساعت کار در کارگاههای خصوصی رعایت نمیشود و در بعضی موارد به ۱۶ ساعت میرسد.

۹) دستمزدها متناسب با توجه به تورم اقتصادی و گرانی سرسام آور، کارگران برای معاش زندگی خود از مبلغ ناچیزی دستمزد برخوردار هستند، ما خواهان بالا رفتن دستمزد و قرار دادن امکانات رفاهی در اختیار کلیه کارگران میباشیم و خواهان ممنوعیت خسارت و بیهانه جوئیهای کارفرمایان که نیرنگ همیشگی آنها علیه کارگران میباشد هستیم.

۱۰) بهداشت کامل در محیط کار و تشکیل کمیته بهداشتی با مشارکت نماینده کارگران و برسمیت شناختن آن از طرف دولت.

۱۱) مکان مشخصی برای جلسه گرفتن کارگران جهت بررسی مسائل و مشکلات کارگران که در ماه حداقل یکبار تجمع نمایند.

۱۲) تشکیل کمیته حل اختلاف با مشارکت نماینده تمام صنف های کارگری و برسمیت شناختن آنها.

۱۳) تعاضباتی صرف، برای کالاهای مصرفی و خوراکی و لوازم خانگی که همگی بدست کارگران ساخته میشود و خود از بهره برداری از آن محرومند، به تشکیل تعاضباتی صرف نموده اند و لذا از نظر مالی ضعیف میباشند و دولت نه اینکه به اتحادیه مرکزی تعاضباتی ایران (امکان)

جنگ ایران و عراق در کردستان

از آغاز عملیات کربلای ۱۰ سردمداران رژیم با رها تاکید کرده اند که یکی از اهداف این عملیات مقابله با جنبش انقلابی کردستان است. جمهوری اسلامی که با وجود بکارگیری تمام قدرت فریب و سرکوباش در طی ۸ سال گذشته همچنان خود را در برابر مردم بهای خاسته کردستان مستاصل و زبون میباید، اکنون به میدان است که با تبدیل مرزهای کردستان به جبهه جنگ با عراق و کشاندن این جنگ ارتجاعی به شهرها و روستاهای کردستان کرهی از مشکل هشت ساله اش باز کند. جنگ با عراق همواره سلاحی در مقابل مردم و خواستها و مبارزات آنها بوده است و اکنون رژیم در پی آنست تا این سلاح را در کردستان نیز به آزمایش بگذارد. اما این هدف مقابله با جنبش کردستان از طریق و به کمک جنگ تنها به کردستان ایران محدود نیست.

جمهوری اسلامی یک حکومت پان اسلامیستی است. حکومتی که همیشه می داشته تا در دل اعتراضات و جنبشهای توده ای در کشورهای مسلمان نشین، جریانات ارتجاعی وابسته بخود را ایجاد کند؛ این جنبشها را از هر نوع را دیکالیسمی تهی کرده و به زیر بیرق سیاه اسلام بکشد و با این ترتیب با مسخ کردن و عظیم گذاشتن این جنبشها، مطلوبیست و کارآیی خود را به بورژوازی جهان و قدرتهای امپریالیستی اثبات نماید. جمهوری اسلامی میکوشد این سیاست پایه ای را که نمونه بارز آنرا در عملکردهای حزب الله لبنان بر علیه جنبش حق طلبانه خلق فلسطین شاهدیم در سایه و به مدد جنگ با عراق به پیش ببرد و این جنگ ارتجاعی در واقع بهترین ابزار و محمل تقویت و قدرت نمایی ارتجاع پان اسلامیستی در منطقه بوده است.

در عملیات کربلای ۱۰، هدف عمومی جمهوری اسلامی از جنگ بطور مستقیم و بلاواسطه یعنی در رابطه با منطقه ای از کشور دشمن که در آن یک جنبش توده ای و با سابقه در جریان است دنبال میشود. سردمداران رژیم میدانند که جنگ در مرزهای کردستان راه را برای اعمال نفوذ در جنبش کردستان عراق و ایجاد پایگاهی برای ارتجاع پان اسلامیستی

در این جنبش هموار کنند. با این ترتیب جمهوری اسلامی در عملیات کربلای ۱۰ و جوار و جنجال تبلیغاتی که حول آن برپا شده، از یکسوی در لباس دوست و مدافع جنبش توده ای در کردستان عراق ظاهر میشود و از سوی دیگر سلاح کهنه و از کار افتاده جنگ را به رخ توده های انقلابی در کردستان ایران میکند و در مورد سرکوب مبارزات توده ای و محدود کردن مبارزه مسلحانه پیشمرگان به خود و به نیروهای متزلزل و مستاصل اش در کردستان دلگرمی میدهد.

اما این تبلیغات مخاطبین دیگری نیز دارد. وقتی امانت رفسنجانی از تائید شیرات چشمگیر ستونهای لشکر اسلام برآینده کردستان ایران و عراق دم میزنند، در واقع مطلوبیت جنگ و سیاستهای جنگی جمهوری اسلامی را در به شکست کشاندن کامل جنبش کردستان، که همواره یک معضل لاینحل برای بورژوازی در منطقه و در سطح جهان بوده است، به قدرتهای امپریالیستی گوتزدویا دآوری میکنند. جلب نظر مساعدا قدرتهای امپریالیستی و ارتجاع منطقه را بر این نکته جمهوری اسلامی و جنگ او قادر است بر کل جنبش کردستان از طریق سرکوب و رویا رویی در این سوی مرز، شکل دادن به ارتجاع پان اسلامیستی در سوی دیگر تا شیرات چشمگیری بگذارد، بخصوص در شرایط حاضر که رژیم با ناکامیها و با بن بست های نظامی و سیاسی پی در پی مواجه بوده است از اهمیت زیادی برای رژیم برخوردار است. اما آیا رژیم میتواند به این اهداف ارتجاعی خود دست یابد؟

توده های انقلابی کردستان هم اکنون به این سؤال پاسخ قاطع و روشنی داده اند. تنها نکاتی که به مبارزات توده ای و عملیات انقلابی پیشمرگان کومه له در ماه گذشته کافی است تا عملیات کربلای ۱۰ را در کنار دیگر اقدامات و توطئه های شکست خورده رژیم بر علیه جنبش انقلابی کردستان قرار داد. زمانی که لشکریان اسلام سرگرم فتح ارتفاعات استراتژیک در کردستان عراق بودند، کارگزاران کردستان در بلندی های اطراف شهر سنندج از اوایل ماه مه برپا داشتند، سرود

انترنا سونال پخش کردند و پرچم سرخ برافراشتند و در میتینگ دوهزار نفری خود در مرکز شهر سنندج در برابر چشمان هراسان نیروهای سرکوبگر رژیم جنگ ایران و عراق را جنگ سرما به داران خواندند و محکوم کردند و خواستار قطع فوری آن شدند. زمانی که آخوندها و کارگزاران رژیم میکوشیدند تا با تبلیغات جنگی شان توده های مردم را به خیال خود مرعوب کنند، موجی از اعتراضات توده ای علیه سرپا زگیری اجباری روستاها را فرا گرفته بود؛ در شهرها ما مورین جلب و اعزام مردم به جبهه ها به کمین جوانان میافتادند و کتک میخوردند و با لایحه در حالیکه بلندگوهای تبلیغاتی رژیم بستن مرزها و محدود کردن عملیات پیشمرگان را به نیروهای مستاصل خود وعده میداد، پیشمرگان کومه له، با زوی مسلح کارگران کردستان، در میان مردم سنندج اعلامیه ها و تراکتهای تبلیغی در مورد اوایل ماه مه پخش میکردند و در حومه سنندج، در مناطق دیواندره و مریوان و سقز و با نه در چند کیلومتری شهرها و نزدیک پادگانها ضربات پی در پی خود را بر پیشمرگروهای ضربت و دیگر مزدوران سرکوبگر رژیم وارد میآوردند. این گوشه های از پاسخ عملی جنبش کردستان به فعالیت های تبلیغاتی جنگی رژیم جمهوری اسلامی است. کارگران و زحمتکشان انقلابی کردستان تاکنون عملا و بارها نشان داده اند که نه در برابر فریب و توطئه و نه بیورش و سرکوب جمهوری اسلامی سرخم نمیکند و عقب نمی نشینند. سردمداران رژیم نیز گرچه پس از هشت سال تجربه نا موفق به این واقعات پی برده اند اما این مانع از آن نیست که در ادعاها و تبلیغات جنگی شان تلاش کنند تا عکس این واقعات را به نیروهای متوهم خود و قدرتهای امپریالیست و بورژوازی منطقه بقبولانند. جمهوری اسلامی ناکزیر است تا ضعف و نابسامانی حاکمیت اسلام در ایران را با وعده آینده روشن برای حکومت اسلام و مسلمین در منطقه جبران کند اما کشاندن جنگ به مرزهای کردستان نتوانست حتی به این سیاست رژیم کمکی بکند. جنبش انقلابی کردستان شکست عملیات کربلای ۱۰ را در رسیدن به این هدف حتی قبل از شروع آن اعلام داشته بود.

حمید تقوایی

قطع جنگ، بیدارنگ، اعلام باید گردد!

بیان قصاص جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۳

"جنگ خلیج"

اکنون با عریضه کشیهای جنگ، جها دوانتقام بار دیگر و در ابعاد وسیعتری آغاز شده است. اما جریان بان اسلامی هرچند، وهر اندازه که موقتا بتواند در رهبری و انجام این تلاش خود در داخل به پیش برود، برای کل رژیم اسلامی گریزی جز این نخواهد بود که همراه با عقیم ماندن و ورثستگی اهداف و سیاستهایش در منطقه، دیر یا زود به تسویه جریان بان اسلامی از راس حکومت تن در دهد، و با درهم ریختگی صفوف خود در برابر مردم استشار شده و ستمدیده‌ای قرار گیرد که برای پایان دادن به جنگ و فلاکت و کسب حقوق انسانی راهی جز سرنگونی کل رژیم اسلامی پیش رو ندارد.

اوضاع حاضر برای کارگران ایران بدو اهداری است که با نیرو و جدیت بیشتر برای دفع حملات جمهوری اسلامی علیه جنبش کارگری آماده و مجهز شوند، همه جا اتحاد کارگران باید تحکیم شود و با هجوم های دولت و کارفرمایان و تلاشهای رژیم برای تشدید اختناق و پراکنده کردن صفوف کارگران در محیط های کارگری مقابله شود. مبارزات کارگری باید با سازمان یافتگی بیشتر به پیش برده شود و همراه با آن جنبش اعتراضی علیه فلاکت و جنگ و رژیم اسلامی زده شود. اما هر کسی در صفوف طبقه کارگر میدانند و باید عمیقا درک کنند که پیشروی در این عرصه ها پایان کار نیست. اینها تنها حلقه لازمی برای فراهم کردن شرایط پیشروی طبقه کارگر است. هفت سال جنگ و فلاکت رسمی، نزدیک به یک دهه حاکمیت رژیم اسلامی و پایداری کردن ابتدائی ترین حقوق انسانی، نشانه های تداوم بحران ریشه داری است که بورژوازی و نظم سرمایه داری را فرا گرفته است. در مقابل این توحش و درماندگی استشارگران، پیشروی طبقه کارگر جز با برپائی حکومت کارگری نمیتواند انجام مپروزمندی بیابد. باید طبقه کارگر در برابر کل اوضاع کنونی، برپائی حکومت کارگری و خلق یک از همه استشارگران و ستمگران خواهد بود و این هدفی است که طبقه کارگر خواهد کوشید از دل هر اوضاع و تحول بعدی بسا نیروی خود به سمت آن پیش برود.

ناصر جاوید

مرداد ماه ۶۶

سنتهای فرهنگی جوامع اسلامی و جامعه ای چون ایران است! آنها بدین طریق نه فقط تلویحا و عملا حکومت موجود در ایران را توجیه و تحکیم مینمایند، بلکه میکوشند تا مگر آن خرافه ها و جهل مذهبی که یک نقطه اتکا حکومت اسلامی بوده است را تحت عنوان "فرهنگ جامعه" که گویا از ازل وجود داشته و تا ابد وجود خواهد داشت ابقا کنند و ذهن و اندیشه مردم را از آنچه که پامادی عروج حکومتی چون جمهوری اسلامی در ایران است منحرف نمایند. بورژوازی محیلانه میکوشد واقعیات را پنهان کند، واقعیت اینست که تمایل به ارتجاع و توسل به وحشیگری رسمی و علنی یک پدیده مربوط به ایران و جوامعی معین نیست. در "اروپای متمدن" نیز پس از روزها شاهد گسترش خشونت رسمی دولتی و نیز حتی اقدامات جنایتکارانه آنها از قبیل حمله به کارگران مهاجر و قتل آنها هستیم. در آمریکا چندی است که فعالیت دارودسته های نژادپرست "کوکلاکس کلان" تحت حمایت غیر مستقیم دولت بیش از پیش وسعت گرفته است. اکنون در سراسر جهان وحشی در راس حکومتها شی چون انگلیس و آمریکا، شاهد آن هستیم که وقیحترین، مرتجعترین و کثیفترین جناح های بورژوازی که به تبعیض نژادی، به مذهب، به شونیسیم و به همه عقاید و خرافه ها و سنتهای ارتجاعی اتکا میکنند، قدرت میکیرند. اگر در جوامع اسلامی وپان اسلامیسم یک سیستم ارتجاعی حی و حاضر را در اختیار بورژوازی قرار میدهند تا آن برای سرکوب تماثلات دمکراتیک توده ها سود جوید، در دیگر نقاط جهان نیز از پاپ تا برهمنان بودائی و سیک تا ایدئولوگ های فاشیسم و ناسیونالیسم و غیره میکوشند تا چنین ابزارهایی را برای بورژوازی حادای کنند. چرا که بورژوازی در یک مقیاس جهانی سالهاست که به گندیدگی و پوسیدگی دچار شده است. اگر در قرن هفده و هیجده بورژوازی بعنوان یک طبقه انقلابی در برابر اشرافیت و فئودالیسم منحنط و مرتجع خود مدافع آزادی و برابری بوده و عقاید و سنن کهنه بشری را به ریشخند میگرفت و علیه آن توده های مردم را

در کنار رهبران مربوط به کشتار، سیل و دیگر مصائب مردم، یکی از آثارهای پایان سال جمهوری اسلامی که چندی پیش منتشر گردید مربوط به حدود تخریب و قضاوت است. بنا به گفته سخنگوی شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی در سال ۶۵، شش هزار و چهارصد و شصت و هفت نفر به حدیاء تعزیری و یا تعاصم محکوم شده اند. در میان این شش هزار جنایت رسمی و مذهبی جمهوری اسلامی، چندین زن و مرد تاسیست در خاک شده اند و مطابق رسوم دوره وحشیگری بشریه قتل رسیده اند. ادها نفر به جرم دزدی توسط دزدان رسمی و قانونی جامعه دست و انگشتهايشان بریده شده است. و صدها هزاران نفر به جرم "بدحجابی" و امثال اینها شلاق خورده اند.

دلایل توسل جستن جمهوری اسلامی به چنین وحشیگری رسمی البته معلوم است این رژیم جز با توسل به رعب و جنایت آشکار نمیتواند به موجودیت سنگین خود در میان دریایی از نفرت و انزجار توده ها ادا مدهد. جمهوری اسلامی در برقراری اینگونه رسوم و قوانین ارتجاعی میکوشد تا با فرو کوفتن ارزشها و حقوق انسانی حاکمیت وحشی ترین مدافعان سرمایه داری را حفظ کند. در این هم تردید نیست که هر کدام از این جنایات جمهوری اسلامی و سردمداران و ریزه خواران او به حساب تک تک آنها نوشته خواهد شد. در فردای انقلاب کارگران و مردم زحمتکش این کشور، که این بار با پدید تمام دنیای کهن را زیر و رو کند، این تفاله های متعفن گذشته بشریت باید در برابر اعمال خود پسا سخگو باشند. اما با این همه این سوال در برابر مردم منتفرا چنین جنایاتی قرار دارد که چرا در پایان قرن بیستم شاهد آنیم که قصاص و دیگر رسوم و سنتهای دوره وحشیگری به زندگی مردمان حاکم میشود و چرا حکومت سیاه و مذهبی ای چون جمهوری اسلامی از کور برخاسته، با اکثر مردم قرار میگیرد؟

کل بورژوازی از دارودسته خمینی گرفته تا لیبرالها و سلطنت طلبان تا بلندگوهای تبلیغی در رسانه های جمعی بورژوازی امپریالیستی، با اندک تفاوت های سیاسی پاشهای یکسان در برابر این سوال قرار میدهند. "این بدلیل نفوذ و ریشه اسلام در ایران است!" "این بدلیل با فست و



حجاب

آغاز فصل گرما و رسیدن ماه رمضان در چند ساله حاکمیت جمهوری اسلامی اغلب با بالا رفتن درجه فشار دستجات پلیس و جاسوس و انواع گشت های خیابانی بر علیه زنان تحت عنوان بدحجابی همراه بوده است. هر ساله این بهانه ای بوده برای جمهوری اسلامی تا شدیدتر از پیش حربه های ارتجاعی خود را رو کند و با داد سخن دادن در فضیلت حجاب کنه سیاست قرون وسطایی و ارتجاعی خود را در باره زنان نشان دهد. تهدید به اخراج، شلاق زدن و تهدید به اردوگاه های تربیتی و سزای زنان و در مقامی راه انداختن دستجات باندهای حزب الله از جمله انواع این تهدیدات بوده است.

همین چندی پیش بود که با ردیگر از جانب وزیر کشور اعلام شد که هیئت دولت لایحه ای تنظیم کرده که به موجب آن زنان بدحجاب در ادارات استخدام نمی شوند و از ورودشان به اماکن عمومی جلوگیری میشود و البته بهر اول نیست که چنین میگوید. اینکه ۸ سال است سران حکومت اسلام مجبورند گاهی در شکل و شمایل موعظه گران منبرهای مساجد و نماز جمععه حقوق زنان در اسلام را یادآور شوند، آیه و حدیث بیاورند و تا ویری نفرت انگیز از جزای زنان بدحجاب در روز قیامت بدهند و گاهی نیز به ضرب و زور قانون و گشت های خواهران زینب و امثالهم توسل جویند و با راه انداختن دستجات موتورسوار حزب الله شاخ و شا نه بکشند، بیش از هر چیز نشان میدهد که توده مردم تن به خفت و خواری این بی حقوقی نداده اند و مقاومت در مقابل این سیاست های ارتجاعی اگرچه بصورت پراکنده، اما وجود دارد.

اکنون دیگر با پدیده زحمت کشان شریف و آزاده روشن شده است که مسئله مبارزه با بدحجابی جمهوری اسلامی پرچمی بوده که اولاً هر چه بیشتر بی حقوقی زنان را رسمیت بخشد و ثانیاً با نمایشات رعب و وحشت برای مبارزه با بدحجابی هر چه بیشتر به سرکوب توقعات مردم و رسمیت دادن به فقر و نکبت عمومی تلاش کند. تا آنجا که به وضعیت حقوقی و اجتماعی

زنان باز میگردد "مبارزه با بدحجابی" و "مخالفت با فرهنگ غربی" جمهوری اسلامی پرچمی بوده برای بیشتر عقب راندن زنان و یادآوری هر چه موکدتر قوانین و آداب عتیق مذهبی در بیان بی حقوقی و بردگی زن.

جمهوری اسلامی در این چند ساله همواره با علم کردن پرچم مبارزه بر علیه بدحجابی هر با رنگش مذهب را بعنوان حربه ای در خدمت بورژوازی برای سلب ابتدائی ترین حقوق اجتماعی مردم آشکارا به نمایش گذاشته است. حمله به حقوق اجتماعی زنان یک جنبه این سیاست است. خاصیت دیگر این مسئله برای جمهوری اسلامی سرکوب توقعات مردم و رسمیت دادن به فقر و فلاکت عمومی است. سیاست مبارزه با بدحجابی جمهوری اسلامی صرفاً از تعصب اسلامی سران حکومت ما به نمیگردد.

چنین تعصبی فقط به این خاطر میدان عمل یافته است که منطبق به رسالتی است که سرمایه و امپریالیسم برای حکومت اسلامی قائل شده اند. آنچه در فرهنگ رژیم حاکم مبارزه با بدحجابی و فرهنگ غربی خواننده میشود، بیقرقی است که جمهوری اسلامی در پوشش آن توقعات مردم درداشتن رفاه، آسایش، تفریح و برخوردار از مسواهب تمدن جا معه بشری را سرکوب میکند. مظاهر زندگی عقب مانده را تقدیس میکند و فقر و نکبت عمومی را شیوع میدهد. حکومت اسلامی اگر در کارخانه ها پائین ترین سطح دستمزدها را، شاق ترین شرایط کار و تهدید و اخراج و بیگاریها را اعمال میکند، خیابانها را نیز با پدای زما هر رفا، از مظاهر آسایش و تفریح و نشانه های تمدن بشری تحت لگوی برانداختن بی حجابی و فرهنگ غربی پاک کند تا آن فقر و نکبتی را که سا زمان یافتن دوباره نظم سرمایه داری در این کشور لازم دارد، در سطح کل جامعه رسمیت دهد.

قطعا اکنون این سؤال برای اکثر مردم ایران باقی است که با این حملات موسمی و مقاصد که جمهوری اسلامی از آن تعقیب میکند چگونه میتوانند و با یدمقا بله کنند؟ پاسخ به این سؤال در خطوط کلی آن روشن

است. همه مردمی که تشنه آزادی و حقوق انسانی اند، همه مردم آزاده ای که برخوردار از آسایش، امنیت و رفاه اجتماعی را حق انسانی خود میدانند باید با تمام قوا علیه این ستم و تضییقات به مبارزه برخیزند. برای رهایی زنان از قید اسارت و بی حقوقی، برای عقیم کردن سیاست های جمهوری اسلامی در جهت تشبیت فقر و نکبت در سطح جامعه همه مردم باید به مبارزه بر علیه کل حاکمیت شوم جمهوری اسلامی برخیزند. کارگران آگاه در پیشاپیش این مبارزه نه فقط خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه علاوه بر آن عمیقاً خواهان جدایی مذهب از دولت و خواهان برابری کامل زن و مرد در کلیه حقوق اجتماعی شان هستند. این تنها راه خاتمه دادن به شرایط طاقت فرسائی است که حکام اسلامی سرمایه بر مردم زحمتکش تحمیل کرده اند.

لیلا دانش



بیان قصاص جمهوری اسلامی

میشوراند، اکنون در پایان قرن بیستم بورژوازی به طبقه ارتجاعی و منحط عصر ما تبدیل شده است و در برابر طبقه ما یعنی طبقه کارگرناگزیر به ارتجاعی ترسین و وحشیانه ترین سنن و عادات و عقاید توسل میجوید.

استقرار حکومت اسلامی در ایران در پایان قرن بیستم را با یدقبل از هر چیز در چهارچوب این حقیقت اساسی زمان مادری کرد و پیش از پیش به مبارزه انقلابی آن طبقه ای باید پیوست که منافع او ایجاب میکند با هر آنچه از جامعه کهن باقی مانده است. با هر آنچه که نشان جهل و نادانی بشریت قرون گذشته و ستم و سرکوب طبقات استثنای رگرا با خود دارد کاملاً قطع رابطه کند. در برابر پیشروی مبارزه و انقلاب این طبقه یعنی طبقه کارگر جمهوری اسلامی تنها حقیرترین قربانی است.

مصطفی صابر

تنها کمونیستها مدافع پیگیر حقوق زنان اند!

اساسنامه برای یک حزب گارگری

حزب آنهاست و برای آنهاست .

اگر از زاویه هرچه بهتر ساختن یک حزب کمونیستی مناسب برای کارگران به اطلاعات اساسنامه نگاه کنیم باید گفت سطحی نگری است اگر بهتر شدن اساسنامه را صرفاً ناشی از وارد شدن چند بند ناظر بر تحکیم دمکراسی بدانیم . قطعاً هیچکدام ما معتقد نیستیم که افزایش دمکراسی اصلی ترین عامل بهتر شدن حزب کارگران است . رزمندگی حزب ؛ موثر بودن حزب ، پرنفوذ بودن حزب ، انقلابی بودن حزب ، ادامه کار بودن و سخت جان بودن حزب هم فضا دل دیگری است که درغیا ب آنها با به قیمت آنها دمکراتیک تر بودن حزب ارزش چندانی ندارد . حزبی بهتر است که وظیفه تاریخی متحد کردن و رهبری کردن طبقه برای رهائی قطعی را به تدریج سر به سر برآورد و رساند و برای این منظور در شرایط مختلف نیازهای مختلف را باید باز شناخت و تشخیص داد . هیچ چیز و از جمله دمکراسی نمیتواند مطلقاً و در همه حال بهتر باشد .

باید گفت اساسنامه جدید از این جهت بهتر است که حزب کمونیست کارگری تری را ترسیم میکند ، با آنچه که پیش از این از کمونیسم کارگری درک کرده ایم منطبق تر است و از حضور و اتوریته کارگران پیشرو و رهبران عملی کارگران در حزب با قطعیت بیشتری در مقابل سنن غیر کارگری را بیچ محافظت و مراقبت میکند . برای درک بهتر جا دارد حکامی را که اکنون جزوا عقائدات اعلام شده این حزب است مرور کنیم .

ما اعتقاد داریم برای پایان دادن به همه مآلشی که گریبان کارگران و زحمتکشان را گرفته است تنها یک راه قطعی وجود دارد . نظام سرمایه داری ، نظام کارمزدی با بدبزرچیده شود و جایگزین آن به نظام دیگری بدهد که در آن ثروت و قدرت از آن جامعه و نه اقلیتی از آن باشد . جامعه ای که در آن نیازهای انسان بر اساس اشتراک و همکاری و همبستگی آحاد برابر و آزاد جامعه تامین و برآورده میشود . ما معتقدیم طبقه کارگر برای رهائی خود و همراه خود رهائی همه انسانها از نکتب جامعه سرمایه داری و نکتب کنونی باید متحد شود ، بحرکت درآید مقاومت ها میان نظم موجود را درهم شکنند و نظم و نظام فارغ از استعمار و ظلم و نا برابری را مستقر سازد . ما اعتقاد داریم طبقه کارگر به نیروی خودش آزاد میشود

سرانجام رساند . در درون صفوف ما بحث بر سر سیاستها و تاکتیکهای مختلف و شیوه برخورد به رویدادها و مسائل سیاسی هرچقدر هم که قطعی و پرحرارت شود بیگانگی ما را بعنوان حزبی واحد ، متزلزل نمیکند چرا که همه مان سنگهای مان را با خود و با دیگران از ابتدا واکنده ایم و همگی بخوبی میدانیم که ما کی هستیم چه میخواهیم چرا دور هم جمع شده ایم و چرا به اتحاد متشکل با یکدیگر نیاز داریم . توافق و اتفاق نظر بر سر پایه های ترین اصولی که ارکان اعتقادات شخصی تک تک ما را هم میسازد نه فقط فاضل بهم پیوستگی این حزب و استحکام آنست بلکه بعلاوه موجب و انگیزه ای است برای آنکه همه مادر همه حال برای شنیدن و سودجستن از نظرات دیگر همزمان خود که با اهداف و آرمانهای مشترک گرد هم آمده ایم اشتیاق و علاقه داشته باشیم و خود را ذینفع احساس کنیم . ما دمکراسی درونی را نه بخاطر رو در باستی با دیگران ، بلکه بخاطر مستحکم تر کردن تمرکزی که با گرد همائی خود در یک حزب بوجود آورده ایم نیاز داریم و مراقبت میکنیم .

سلامتی مناسبات درونی حزب ما که استحکامش ریشه در انجام ایدئولوژیکی و وحدت آرمانخواهان ما در گذشته و حال دارد برای چپهای ایران که هنوز فدائشی را در میان خود دارند که بدنبال هر کشمکش درونی خود پرده از توطئه گری این و آن عضو و کادر و جناح بر میدارند و برای فیصله دادن بر اختلاف درونی آماده است تا دست به اسلحه هم ببرد چندان قابل درک و باور نیست . در واقع غلبه و سیطره این انواع دیگر از رادیکالیسم و انقلابیگری و مشتبه شدن آنها با کمونیسم و جنبش انقلابی کارگری است که ما را و میدارد به هر میزان که تما یزاتمان را با آنچه که به کارگر ایرانی بنام کمونیسم معرفی شده است ، روشن میکنیم آنرا با خط درشت بنویسیم و برگردانمان آویزان کنیم . اصلاح کردن اساسنامه ای که از کنگره موبس تا کنون حتی یک اعتراض یا انتقاد رسمی به آن نرسانیده ایم علتی جز این ندارد که میخواهیم کارگران بدانند و در پایه های ترین اسناد این حزب بخوانند که این حزب

اطلاعات اساسنامه را بیگانه نه در رابطه با مناسبات فی الحال موجود خودشان بلکه در رابطه با تطبیق دادن هرچه بیشتر حزب با ویژگیها و خصوصیات کارگران پیشرو و رهبران عملی طبقه کارگر ، روبه پیش و کار ساز تشخیص داده اند .

در واقع اساسنامه ها و مقررات رسمی نوشته شده ، تنها میتوانند بیان کنند اصول پایه ای و آن بخش حاشیه ای از شیوه های کار سازمان باشند که نقش آنها موجب اختلال و بروز کشمکش میشود ، همه اصول و همه آئین ها و شیوه های کار متشکل اصولاً نمیتواند بطور کامل نوشته شوند و همانند مقررات رسمی مورداستفاده و استناد قرار گیرند . همه جا و در همه سازمانها عرف و سنت در کنار قوانین و مقررات نقش تعیین کننده ای در تنظیم رفتارها و انتظارات متقابل افراد و ارگانهای سازمان از یکدیگر دارند .

عرف و سنت احترام به دمکراسی در درون تشکیلات ، در حزب ما قویتر و زنده تر از آن بوده و هست که اقلیتی برای بیان نظراتش ناگزیر از دفاع حقوقی از خواست خود شود یا به استناد بندهائی از اساسنامه مجال صحبت و طرح ایده هایش را مطالبه کند . برای همین است که اساسنامه قدیم هم با آنکه به اندازه این یکی ، با اصلاح دمکراتیک نبوده است ، یکبار هم مورد اعتراض قرار نگرفته است ، چرا که از آنسوم کسی برای محدود کردن دمکراسی به اساسنامه استناد نکرده است .

احترام به دمکراسی درون تشکیلاتی و داشتن تحمل زیاد برای شنیدن و تشریح اثر دادن به نظرات متفاوت و حتی قطعی در درون حزب ما ، اتفاقی نیست . اساسی از اخلاقیات بهتر ما نیست . ما ادامه متشکل شده جریانهای در چپ ایران هستیم که قبل از هر چیز کوشید تا هویت خود را در تمایز با سایر انواع انقلابیگری و رادیکالیسم موجود تعریف کند و مقدم بر شکل و کسب نیرو و جمع آوری لشکر ، ایدئولوژی ، ماهیت و اهداف و شیوه های متفاوت خود را مورد تاکید و بازبینی قرار داد . ما ادامه متشکل شده جریانهای هستیم که با نقد تلقیات و عقاید رایج در چپ ایران به میدان آمد و قبل از اینکه آرایشی تشکیلاتی بخود بدهد بحث بر نامه مشترک را در درون خود به

متمین از آگاهی و کارآیی پیشروان طبقه کارگر باشد و نتوانست از عهده وظایف دوران ساز خود برآید.

حال اگر چنین تصویری را از حزب کمونیست پیش روی خود بگیریم درمی یابیم که "خودمختاری تشکلهای محلی حزب در امور محلی" وما پربندهای تصریح کننده دمکراسی در درون تشکیلات حزب نه بخاطر دمکراسی طلبی، بلکه بخاطر گردن نهادن ما به قانونمندیهای عینی مبارزه و زندگی مبارزاتی طبیعی این طبقه و نقش و جایگاه غیرقابل انکاری است که کل طیف کارگران کمونیست و رهبران عملی طبقه کارگر در مبارزه واقعی و اتحاد واقعی طبقه مادر زندگی واقعی دارا هستند.

اگر در اسانامه صاحبست از به رسمیت شناسی تشکلهای کارگری بعنوان جزئی از پیکرما زمانی حزب کمونیست شده است برای اینست که با صدای بلند گفته باشیم که ما خود را متعلق به این جریان موجود و فعال درون جنبش کارگری میدانیم.

اگر در اسانامه صحبت از لزوم تاثیر داشتن سازمان محلی حزب بر وجوه مختلف مبارزه کارگران در محل شده است برای اینست که با صدای بلند گفته باشیم که بدون جذب رهبران عملی کارگران به کمونیسم و تشکل حزبی تبدیل کردن حزب به حزبی توده ای کارگری میسر نیست.

اگر در اسانامه صحبت از خودمختاری تشکیلاتهای محلی در امور محلی شان شده است برای اینست که با ردیگر با صدای بلند گفته باشیم از بالای سر رهبران عملی طبقه هیچ حزبی نمیتواند توده های کارگر را با خود داشته باشد و مرکزیت چنین حزبی جز با اتکاء به حقانیت و اصلیت خود و جزا بطریق حرکت منطبق با منافع واقعی طبقه کارگر راهی برای کسب اتوریته و اعمال آن ندارد....

ما با پدیده ای که رادراسنادها پهایمان بنویسیم و بطور واضح و جدی در باره این اعتقاد اتمان صحبت کنیم چرا که حزب مادر ادامه سنتی سربر آورده است که قرابتی با کارگران و مقاصد طبقاتی آنها نداشته است. کارگران پیشرو و کمونیست که در دل انقلابی ترین و مساعدترین شرایط، غیر کارگری بودن را دیگالیمی را که به نام کارگران حرف میزد تجزیه کرده اند حق دارند

ما در عین حال بخوبی به نقش و جایگاه رهبران عملی طبقه کارگر واقفیم. طبقه کارگر بدون مبارزه هر روزه برای دفاع از خود و حقوقش نمیتواند حتی موقعیت موجودش را از گزند حملات و تجاوزات بورژوازی و سرمایه در امان نگاهدارد. طبقه ما در همه حال و در همه جا ناگزیر از مبارزه است و این خود وجود رهبران عملی حاضر در صحنه ای را اجتناب ناپذیر میسازد که مبارزه هر روزه و ونیاز هر روزه توده های طبقه آنها را بطور واقعی و عملی خلق و تربیت میکند و در جلوی صفوف کارگران معترض قرار میدهد. پیوندهای کارگران با رهبران عملی شان، یعنی با کسانی که نشان داده اند و در کشمکش های هر روزه نشان میدهند که سختکوبان و مدافعان بهتری از کارگران برای همان کارگران هستند محکم و پایدار است. نیاز توده های کارگر به رهبر عملی حاضر در صحنه نیازی طبیعی و غیر قابل بل صرف نظر کردن است و کارگران صرف نظر از هر شکایت یا ناراضی که از کم و کاستی های رهبران عملی خود داشته باشند آنها را بعنوان اجزای طبیعی و غیر قابل گسست از پیکر خودشان بحساب می آورند و در جای خود حفظان میکنند. هر جریان کارگری که بخواد بطور وسیع توده های طبقه را با خود داشته باشد نمیتواند نقش و اهمیت رهبران طبیعی و عملی کارگران را نادیده بگیرد. توده های کارگر همراه همان جریانی حرکت خواهند کرد که رهبران عملی شان جزو آن باشند. از بالای دست رهبران عملی و ما بحب نفوذ طبقه کارگر هیچ حزبی نخواهد توانست توده های کارگران را با خود همراه کند.

به این ترتیب برای عملی کردن امر به قدرت رسیدن کارگران یعنی برداشتن اولین گام حیاتی برای رهائی قطعی، امری که جز با تبعیت از آموزشهای کمونیسم میسر نیست، باید از یکسور رهبران عملی و موثر طبقه بدرون آن جریان کمونیستی درون طبقه یا بمعبارت دیگر بدرون حزب کارگران کمونیست بمعنای بسیط و عام کلمه آورده شوند و به جزئی از این طیف تبدیل شوند و از جانب دیگر کل این جریان بمعنای اخص کلمه نیز همانند یک حزب رزمنده و فراگیر متشکل و نهایت درجه متحدر گردد. آن حزبی کارگری که به اعتبار همراه داشتن کارگران کمونیست و رزمنده و همچنین رهبران عملی و ما بحب نفوذ طبقه، تلفیقی

اما این اعتقادات تنها اعتقادات ماحزبی هان نیست. کمونیسم از ابتدا جنبشی در درون طبقه کارگر و متعلق به این طبقه بوده است. صرف نظر از بلاهایی که بر سر ناخدهای مختلف جنبش کمونیستی در طول تاریخ آمده است و صرف نظر از بلاهایی که بورژوازی بنام کمونیسم بر سر طبقه کارگر آورده است این آرمانها و راه روشنی که کمونیسم بسادگی به اکثریت تحت استثمار جهان نشان میدهد در کنار وقایع بزرگ تاریخ معاصر که ستونهای قدرت سرمایه داران را با رها به لرزه در آورده و خا طره رهبران صدیق و پاکباخته جنبش کارگری که نامشان با کمونیسم عجین شده است شراپتی را فراهم کرده است که در اقصی نقاط جهان گرایش به کمونیسم در میان کارگران معترض، گرایش خودرو است. هر جا که صنعت و کار و کارخانه و کارگر وجود داشته باشد باید مطمئن بود که طیفی در درون آنها هست که خود را کمونیست میدانند و با همین معنی خواهان باز کردن چشم کارگران برای دیدن همه تضادهای طبقاتی درون جامعه، خواهان پایان دادن به تفرقه و ضعف در میان کارگران و خواستار رنج و بهروزی کارگران است. این بخش از کارگران صرف نظر از ایراداتی که ممکن است بشود به نظریات آنها گرفت بخشی از کارگران هستند که درد و رنج کارگران را مربوط به خود میدانند، در تلاش کارگران برای بهبود وضعیتشان موضعی مداخله گرو فعال دارند و علی العموم تلاش میکنند در همه حال از چند دستگی در میان کارگران جلوگیری کنند و دانشا، منافع کل طبقه را پیش چشم کارگران بگیرند.

حزب ما بمعنی تشکیلاتی و از این نظر محدود کلمه بخش منجم، ما بحب نقش و متشکل این جریان در درون طبقه است و بمعنی عام و سیاسی کلمه عبارت از همه این جریبان را دیگال و سوسپالیست کارگری است. آنچه ما میخواهیم اینست که کل این طیف کارگر کمونیست بلحاظ نظری منجم و مجهز باشد و به لحاظ عملی خودش را وسیما در میان طبقه گسترش دهد، ارزشها، ایدئولوژی و شیوه تفکرش تمیم پیدا کند و تا شیری تمین کننده در زندگی و مبارزات دانشی طبقه کارگر برسد است آورد.

کارگران، به حزب کمونیست ایران پیوندید!

قانون کار و

اتحادگرایشات درون جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۴۸

و در پها سخگوشی به این نیاز جنبش کارگری است .

علاوه بر مبارزه در عرصه قانون کار ، مبارزات کارگری در دیگر عرصه ها نیز جریان داشته و دارد . کارخانجات ایران هر روز شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری برسر مطالبات از قبیل دستمزدها ، ساعات کار ، اخراج ، بیکاری ، مطالبات رفاهی ، طرح طبقه بندی مشاغل ، شرایط ایمنی و بهداشت محیط کار و مبارزه علیه مزدوران انجمنها و شورا های اسلامی است . مبارزاتی متنوع و گسترده اما پراکنده که اکثر قریب به اتفاق آنها در چهارچوب یک کارخانه جهان مییابد . اعتراضات و اعتصاب کارگری در کارخانه های فروکش مینما بدو در کارخانه دیگر سر بلند میکنند بدون اینکه ارتباط و پیوندی با یکدیگر داشته باشند . بدین ترتیب کارگران هر کارخانه بدون دخالت و گامی حتی مطلع شدن دیگر بخشهای کارگران هر یک به تنهایی در مقابل سرمایه داران و رژیم اسلامی قرار گرفته اند . لازم است که در این زمینه چنین وضعی متحد کردن مبارزات کارگریست .

وحدت در شعارها گام مقدم هر نوع وحدت در مبارزه است ، شعارهایی که خلعت عمومی و فراگیر خواستهای کارگران را در زمینه های مختلف بطور مشخص بیان کند و دستیابی به آنها از نیروی طبقه کارگر طلب نماید .

تشبیه چنین شعارهای واحدی در میان کارگران ، اعتراض در هر کارخانه و برسر هر کدام از این مطالبات را بصورت یک خواست عمومی و طبقه بندی طرح میکند ، کلیه کارگران را به دخالت در تعیین سرنوشت این مبارزه و همبستگی با آن فرا میخواند و به میدان میکشاند . همانطور که در عرصه

مطالبات اساسی و محوری قانون کار مورد نظر حزب ما متعلق به گرایش کمونیستی در جنبش کارگری است . این مطالبات متعلق به مجاهد ، توده ای و اکثریتی نیست . توده ای ها و اکثریتی ها تا قبل از آنکه با جبار و برخلاف میل خود به اپوزیسیون پرتاب شوند خود به لودادن کارگرانی مشغول بودند که برای چنین مطالباتی مبارزه میکردند . بعنوان مثال توده ای ها و اکثریتی ها نه تنها مخالفان منفعل آزادی اعتصاب نبودند بلکه دست در دست مزدوران انجمنهای اسلامی اعتصابات کارگری را توطئه میپایانستند خواندند و فعالانه در سرکوب اعتصابات کارگری و شناسائی فعالین اعتصابات شرکت نمودند و شعار افزایش تولید را دادند . توده ای ها امروز نیز حتی با خواست ۴۰ ساعت کار در هفته و دوروز تعطیلی مخالفت و مجاهدان کارگران میخواهد که قبل از اعتصاب از او اجازه بگیرند .

پرچم مطالبات قانون کار را در مکران تیک سالها در دست کارگران کمونیست بوده است و در تمامی شرایط و در تقابل با دیگر گرایشها برای آن مبارزه کرده اند . برای فشاری فاطمانه کارگران کمونیست بر سر یک قانون کار در مکران تیک ، بخشهای دیگری از جنبش کارگری نیز به حقانیت این مطالبات پی برده و آنرا پذیرفته اند و اکنون میرود تا این مطالبات بر پرچم مبارزه کل طبقه کارگران ایران حک شود . این روند یکی از دستاوردهای گرایش کمونیستی درون جنبش کارگری است که در امر تشبیه همگونی کارگران کمونیست در میان کل جنبش کارگری نقش ارزنده ای دارد . باید بخوبی از این دستاورد پاسداری کرد و نباید اجازه داد که آگاهان یا ناآگاهان خلی در تکوین این امر ایجاد کردند . رضا مقدم

مبارزه بر علیه اولین پیش نویس قانون کار اسلامی چنین شد . مبارزه کارگران علیه قانون کار اسلامی اساسا به اعتبار شعار و خواست واحد کارگران و علی رغم فقدان ابتدائی ترین اشکال سازمانی و وحدت تشکیلاتی ، خلعتی سراسری و متحد یافت . مبارزه با قانون کار اسلامی زمینه و پایه مشترکی شد که کارگران هر کارخانه و واحد تولیدی را به یکدیگر پیوند داد . به این ترتیب اعتراض و مبارزه کارگران در محدوده یک کارخانه محصور نماند و تمام کشور را فرا گرفت . کارگران هر کارخانه با ورود به عرصه مبارزه علیه قانون کار اسلامی پایه عرصه ای گذاشتند که بقیه بخشهای طبقه کارگر نیز خود را مستقیما در آن سهم و ذینفع مییافتند .

اتحادگرایشات مختلف درون جنبش کارگری حول یک قانون کار در مکران تیک که در واقع اتحاد کارگران حول مطالبات واحد و سراسری است تقریبا تمامی خواستهای کارگران هر روزه حول آن مبارزه میکنند نیز شامل میشود و تحت پوشش قرار میدهد . هر کدام از این مطالبات خود به بهترین وجه فرموله کننده خواستهای است که مبارزه جاری کارگران حول آن صورت میگردد . در دل و بر متن چنین اتحادی ، برقراری ارتباط میان کارگران پیشرو ، مبارزو رهبران عطا جنبش کارگری برای هماهنگ کردن مبارزات کارگری و خارج ساختن این مبارزات از محدوده یک کارخانه ، برای ایجاد تشکلهای توده ای کارگری ، برای بسیج توده های کارگر و سازماندهی آنان در راستای مبارزه ای تعرضی بر علیه رژیم اسلامی دیگر کارچندان دشواری نخواهد بود .

تشکلهای آنها بر رویم و به آنها که قلبشان برای وحدت بخشیدن بحقوق کارگران برای بقدرت رسیدن کارگران و برای رهایی و خوشبختی طبقه ما می تهدید و دیگر بگوئیم که این حزب حزب شماست و با حضور وسیع شما در آن ، حزبی خواهد شد که با بد بشود . خسرو داور .

اگر بخوانند مطمئن شوند که حزب کمونیست حزبی متعلق به آنها و تشکلی برای پراتیک طبقه آنهاست . با پدید آمدن این باره بهانه مصوبات جدید حزب ، به سراغ کارگران کمونیست و پیشرو و مخالفان و



آدرس های مستقیم
هیات تحریریه

B. M BOX 655
LONDON WC 1N 3XX
ENGLAND

B. M BOX 224
LONDON WC 1N 3XX
ENGLAND

کمونیست
ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

ما هانه منتشر میشود

سردبیر: خسرو داور

بشکل حوزه های حزبی متشکل شوید!

قانون کار و

اتحادگرایشات درون جنبش کارگری!

یکسو جلوگیری از تصویب قانون کار پیشنهاد شده و از سوی دیگر نداشتن قانون کار آلترناتیو و اشباتی بوده است. فقدان یک قانون کار آلترناتیو تا بحال مانع از آن شده است تا جنبش کارگری بتواند بطور وسیع و سراسری حول این موضوع متحد شود و بطور اشباتی برای تحمیل آن به رژیم اسلامی مبارزه کند. این در واقع ضعف جنبش کارگری در عرصه مبارزه بر سر قانون کار بوده و هنوز هم چنین است. منافع طبقه کارگر را بجا نمیکنند که این ضعف از میان برداشته شود. اتحادگرایشات درون جنبش کارگری حول یک قانون کار دمکراتیک و مبارزه علیه "لایحه کار" در همین راستا بقیه در صفحه ۴۷

به مورد اجرا گذاشته شد تنها یکی از این نمونه ها بود. رژیم اسلامی پس از هجوم وسیع و وحشیانه به انقلاب و جنبش کارگری پس از ۳۰ خرداد ۶۰، خود در سال ۶۱ مساله قانون کار را بمیدان کشید تا از این طریق با تصویب آن به بی حقوقی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کارگران که حاصل گورستان ترس و وحشی بود که رژیم اسلامی در پناه دستگیری، شکنجه و کشتار وسیع ایجاد کرده بود، رسمیت قانونی دهد.

از آن پس تا کنون کارگران بطرق گوناگون با مقاومت و مبارزه خود مانع از تصویب چندین قانون کار رژیم اسلامی شده اند. خصلت مشترک مقاومت و مبارزه کارگران در عرصه قانون کار در طول این چندساله از

مبارزه بر سر قانون کار یکی از عرصه های مهم مبارزه طبقاتی بین طبقه کارگر ایران و رژیم اسلامی بوده است. قبل از سی خرداد ۶۰ کارگران خواهان لغو قانون کار شاهنشاهی و تدوین و تصویب یک قانون کار دمکراتیک توسط نمایندگان خود بودند اما فقدان اتحاد و شکل واحد کارگری مانع از آن شد تا کارگران در تناسب قوای طبقاتی قبل از سال ۶۰ قانون کار مورد نظر خود را به رژیم تحمیل کنند. در همین اینکه در آن شرایط کارگران در هر کجا که قدرت و توان داشتند مطالبات مورد نظر خود را به مورد اجرا گذاشتند. ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل متوالی در هفته که در بسیاری از کارخانجات توسط کارگران و علی رغم مخالفت رژیم اسلامی

با کمونیت و صدای حزب کمونیست ایران همکاری کنید

در مکاتبات با ما به نکات زیر توجه داشته باشید:

- ۱) سازماندهی و برقراری رابطه تشکیلاتی حزب با هواداران از طریق مکاتبات صورت نمیگیرد.
- ۲) گزارشهای خبری را بطور غیر مستقیم، یعنی با کمک دوستان و آشنایان خود در خارج کشور، برای ما ارسال دارید.
- ۳) در صورتیکه میخواهید سوالات و نقطه نظرات سیاسی خود را در مورد مواضع و تبلیغات حزب و یا مسائل دیگری با ما در میان بگذارید و یا ما را حای گزارشهای خبری نیست، میتوانیم شما را در مورد مستقیماً به آدرسهای اعلام شده پست کنید.
- ۴) در مکاتبات با ما به روشی مستقیم و غیر مستقیم، این نکات را اکیداً رعایت کنید: از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسایی افییراد و اماکن آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکت خودداری کنید، خط خود را حتی المقدور تغییر دهید، نامه ها را از شهرهای کوچک و یا منطقه زندگی خود پست نکنید، نامه ها را حداقل در دو نسخه و از محلهای مختلف پست کنید.

آدرس انگلستان

BM. BOX 3123
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND

آدرس آلمان

POSTFACH 420553
5000 KÖLN 41
W. GERMANY

صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۷۵ متر و ۶۵ متر

ساعت بخش: شنبه تا پنجشنبه ۸/۵ بعد از ظهر و ۶/۲۵ صبح

جمعه ها: ۸ صبح و ۸/۵ بعد از ظهر

ساعت بخش بزبان ترکی:

یکشنبه و چهارشنبه ۱۰ شب، دوشنبه و پنجشنبه ۸/۱۵ صبح



صدای انقلاب ایران

طول موجهای: ۲۹، ۶۵ و ۷۵ متر

ساعت بخش: بعد از ظهر ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۲۵ کردی

فارسی ۱۲/۱۵ تا ۱۳/۲۵

عصر ۱۷/۳۰ تا ۱۸/۲۵ کردی

فارسی ۱۸/۲۵ تا ۱۹/۱۵

در صورتیکه با فعالین حزب ارتباط

ندارید، میتواند کمکهای مالی خود را (اندیشه) ANDEESHEH C/A 23233257
به حساب بانکی زیر در خارج کشور واریز کرده و یک نسخه از رسید بانکی را به یکی از آدرسهای علنی حزب ارسال نمائید.
NAT. WEST. BANK
75 SHAFTSBURY AVE.
LONDON W1V8AT
ENGLAND

زنده باد سوسیالیسم!